
داستانهای نوروز

بسم الله الرحمن الرحیم

دانستنی های نوروز

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانستنیهای نوروز

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸

عنوان و نام پدیدآور:دانستنیهای نوروز/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان .

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع : مناسبت ها

عید در فرهنگ اسلامی

نویسنده

سید عباس رفیعی پور علوی

ماهنامه فرهنگ کوثر.

عید در فرهنگ اسلامی

به بهانه عید نوروز و یکصدومین سال تولد حضرت امام خمینی(ره) مطالبی پیرامون موضوع فوق، تقدیم خوانندگان گرامی می شود:

واژه «عید» در اصل از فعل عاد (عود) یعود است و برای آن معانی مختلفی گفته اند: از جمله «خوی گرفته»، «روزفراهم آمدن قوم» و «هر روز که در آن، انجمن یا تذکار فضیلتمند یا حادثه بزرگی باشد.»

گویند از آن رو به این نام خوانده شده است که هر سال شادی نوینی باز آرد. [۱]

و برخی برآن هستند که اصل واژه «عید» از «عادت» است. زیرا آنان (قوم) و فامیل و خانواده ها برگرد آمدن دورهم در آن روز عادت کرده اند. [۲]

در لغتنامه تاج العروس درباره عید آورده است: عید در نزد عرب، زمانی است که در آن شادیها و یا اندوه ها، باز می گردد و تکرار می شود. [۳]

و در فرهنگ معین در این باره آمده است: عید، روز مبارکی است که در آن مردم جشن می گیرند و شادی می کنند و در

این روز به همدیگر عیدی می دهند از قبیل هدیه، پول، خلعت. [۴]

واژه عید در قرآن

واژه عید در قرآن فقط یک بار آمده است.

(اللهم انزل علینا مائده من السمإ تکون لنا عیدا لاولنا و آخرنا و آیه منک). [۵]

خدایا! نازل کن برای ما مائده ای از آسمان که برای اولین و آخرین از ما عید باشد و نشانه ای از تو.

در تفسیر این آیه آمده است: عید در لغت از ماده عود به معنی بازگشت است. به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی برطرف می شود و بازگشت به پیروزیها و راحتی های نخستین می کنند، عید گفته می شود. و در اعیاد

اسلامی به مناسبت این که در پرتو اطاعت یک ماه مبارک رمضان و یا انجام فریضه بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می گردد و آلودگی ها که برخلاف فطرت است از میان می رود «عید» گفته شده است و از آنجا که روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است؛ حضرت مسیح(ع) آن را «عید» نامیده است. [۶]

عید از منظر حضرت علی(ع)

عید از نظر علی(ع) این است که: هر روزی که در آن روز، معصیت خدا نشود و گناهی انجام نگیرد، آن روز را عید خوانده است.

«کل یوم لا یعصی الله تعالی فیه فهو یوم عید»

و این فرمایش امیرمومنان(ع) اشاره به این موضوع دارد که روز ترک گناه، روز پیروزی و پاکی و بازگشت به فطرت نخستین است. [۷]

از سوید بن عفله نقل شده است که گفت: در روز عید بر امیرالمومنین(ع) وارد شدم و دیدم که نزد حضرت نان گندم و خطیفه (نان شیرمال) و ملبنه (حلوا شکری) است. پس به آن حضرت عرض کردم:

روز عید و خطیفه؟!

حضرت فرمود: «انما هذا لمن عید من غفرله»؛ این عید کسی است که آمرزیده شده است. [۸]

در خبر است: چیزی به رسم هدیه نوروزی خدمت امیرالمومنین(ع) تقدیم شد، حضرت پرسید: این چیست؟ عرض کردند: یا امیرالمومنین! امروز نوروز است. فرمود: هر روز را برای ما نوروز سازید. [۹]

عید نوروز از منظر امام صادق(ع)

امام صادق(ع) به یکی از اصحابش به نام معلی بن خنیس در باره عید نوروز فرمود:

«ان یوم النیروز هوالیوم الذی اخذ فیه النبی(ص) لامیرالمومنین(ع) العهد بغدیرخم... و هوالیوم الذی ظفرفیه باهل النهروان... و هوالیوم الذی یظفرفیه قائمنا اهل البیت» . [۱۰]

نوروز، روزی است که پیامبراکرم (ص) در غدیرخم برای ولایت امیرالمومنین(ع) از مردم پیمان گرفت؛ روزی است که آن حضرت برخوراج نهروان پیروز شد و روزی است که قائم ما اهل بیت(علیهم السلام) ظهور خواهد کرد.

امام کاظم(ع) و جلوس عید نوروز

از آنجایی که عید نوروز ریشه در سنتهای ما ایرانی ها دارد و این موضوع به زمانهای بسیار دور برمی گردد، پس از اسلام، بنا به نوشته مورخین، با اندک تغییراتی که در آن به عمل آمده است، تاکنون در بین ایرانیان جاودانه است، بنابراین در صدر

اسلام ایرانی هایی که در مرکز خلافت به سر می بردند، طبق سنت ملی شان به این عید پای بند بودند و هدایای نوروزی را برای سلاطین خود می بردند. پس ازامویان، عباسیان مورد توجه بعضی از مردم بودند و ایرانی ها با مراجعه به دربار آنها، هدایایی را به آنها تقدیم می کردند.

در بحارالانوار روایت ذیل آمده است:

«ان المنصور تقدم الی موسی بن جعفر (ع) بالجلوس للتهنیه فی یوم النیروز و قبض ما یحمل الیه...». [۱۱]

منصور دومین خلیفه عباسی به امام کاظم(ع) پیشنهاد کرد عید نوروز جلوس نماید تا مردم نوروز را به او تبریک گویند و هدایای آنها را دریافت نماید... و امام(ع) با اکراه پذیرفت.

بنابراین عید نوروز مانند بسیاری از سنتهای ملی که با شئون اسلامی مخالفتی نداشته است، پس از اسلام درمیان ایرانیان باقی مانده است.

نوروز از نظر دانشوران اسلامی

سیدبن طاووس (یکی از دانشمندان بزرگ شیعه است.) که در باره نوروز می نویسد:

هنگامی که آغاز آفرینش جهان هستی در مثل چنین روزی است، شایسته است این روز به عنوان روز عید و شادی تلقی گردد.

ابن فهد حلی در این زمینه می نویسد:

«یوم النیروز، یوم جلیل القدر»، نوروز، روزی گرانمایه و با منزلت است.

حضرت امام(ره) به مناسبت عید نوروز هرسال پیامی داشت و در دیوان شعرش، ابیاتی ویژه درباره عید نوروز سروده است که در پی خواهد

آمد.

و مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۶۹ شمسی فرمودند:

«تحویل سال جدید شمسی که مصادف با نوعی تحول در عالم طبیعت می باشد، فرصتی است برای این که انسان به تحول درونی و به اصلاح امور روحی، معنوی و مادی خود بپردازد، ایجاد تحول کار خداست... اما ما موظفیم که برای این تحول در درون خود، در زندگی خود و در جهان اقدام کرده وهمت و تلاش به عمل آوریم.»

سنت های نوروزی

یکی از سنت های حسنه و با ارزش عید نوروز که تا روز سیزده رایج است، دید و بازدیدها است که میان فامیل، دوستان انجام می گیرد و در کتب روایی ما به عنوان «صله رحم»نام برده شده است.البته لازم است، در این باره به اولویت هایی توجه داشت:

۱. دیدار از خانواده شهدا و جانبازان.

۲. دیدار از بستگان نزدیک.

۳. دیدار از دوستان.

۴. عیدی دادن مخصوصا به نونهالان.

۵. آشتی دادن برادران وخواهران دینی و رفع کدورت از بین آنها.

پی نوشتها

[۱]. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه عید.

[۲]. لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ص ۳۱۹.

[۳]. همان، ج ۸، ص ۴۳.

[۴]. فرهنگ معین، واژه عید و عیدی

[۵]. سوره مائده، آیه ۱۱۴.

[۶]. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

[۷]. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱.

[۸]. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۶.

[۹]. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

[۱۰]. بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۹.

[۱۱]. همان، ج ۹۸، ص ۴۱۹.

نوروز در فرهنگ شیعه

نویسنده

سرشناسه : جعفریان، رسول

عنوان و نام پدیدآور : نوروز در فرهنگ شیعه : مروری بر جایگاه عید نوروز در تاریخ و فرهنگ تشیع/رسول جعفریان

منشا مقاله : زائر ،ش ۱۶۲ ، خرداد ۱۳۸۷ : ص ۲ - ۳

توصیفگر : عید نوروز

توصیفگر : تشیع

توصیفگر : احادیث

توصیفگر : اسلام

توصیفگر : صفویان

توصیفگر : فقیهان

توصیفگر : جشن های ملی

توصیفگر : آداب ورسوم

نوروز در فرهنگ شیعه

نوروز یـا روز نو، در همه تقـاویم، در همه دوره هـا و در میـان همه فرهنگهـا، بـا اسامی گوناگون مطرح بوده و هست. گردش زمین به دور خورشـید و پدیـد آمدن روز و شب و فصول سال و نیز حرکت ماه بر گرد زمین، بشـر را به محاسـبه واداشـته و به طور طبیعی تقویم را پدید آورده است. آغاز هر سال، شروع جدیدی است که خود به نوعی انسان را با احساسی تازه و تولدی

نو به حرکت در می آورد. این آغاز همراه با شادی و سرور بوده و در هر فرهنگی آیینهای ویژه ای برای نشان دادن خوش حالی و شادی تعبیه شده است. در میان ایرانیان، این روز نو، روزی بود که شاه جدید ساسانی به تخت می نشست. خواهیم دید که آخرین نوروز ایرانی، که طی آن آیینهای ویژه ای را اجرا می کردند، [۱] روزی در اواخر خردادماه بود که یزدگرد سوم بر تخت نشست و از آن پس، این نوروز، هر سال، با توجه به عدم محاسبه کبیسه و اهمال آن، در هر چهار سال یک روز به عقب می افتاد. پس از آمدن اسلام، سنت نوروز، پابرجا ماند و این بدان دلیل بود که مردم ایران، به سرعت اسلام را نپذیرفته و تا یکی دو سه قرن، بسیاری از آنان

بر آیین کهن خود بودند. حتی اگر اسلام را پذیرفتند، نتوانستند به آسانی آن را ترک کنند. دانسته است که اسلام دو عید را با عنوان عید فطر و اضحی با آیینهای ویژه مطرح کرد، هر چند آنها آغاز سال نبود اما به هر روی عید طبیعی مسلمانان به شمار می آمد. در برابر، نه از سوی اهل سنت و نه امامان شیعه، موضعگیری روشن و شناخته شده مفصلی نسبت به نوروز مطرح نشد. آنچه در این باره گفته شده پس از این اشاره خواهیم کرد.

بحث از نوروز، در فرهنگ شیعه، از قرن پنجم به بعد مطرح شد و تا آنجا که به منابع برجای مانده ارتباط مربوط می شود، نخستین بار در مختصر مصباح شیخ طوسی از آن یاد شد. پس از آن در منابع دیگر هم وارد گردید. در این مقال سیر ورود آن را در منابع شیعه و موضعگیری فقهای شیعه در باره آن را توضیح خواهیم داد. نکته جالب توجه آنکه در دوره صفوی، آثار فراوانی در زمینه عید نوروز نوشته شد. شیخ آقابزرگ ذیل مدخل نوروزیه، از بیش از پانزده رساله که در دوره صفوی تالیف شده یاد کرده است. در این مقال برآنیم تا بر چند رساله نوروزیه که در این دوره تالیف شده شرحی به دست دهیم.

مبنای محاسبه روز نوروز

نوروز نخستین روز فروردین ماه شمسی به حساب می آید. محاسبه سال شمسی تا پیش از پیدایش تاریخ جلالی در سال ۴۶۷ یا ۴۷۱، بدین ترتیب بود که سال را دوازده ماه سی روزه تقسیم می کردند که جمعا ۳۶۰ روز می شد. پنج روز باقی مانده را در پایان آبان ماه یا اسفندماه بر

آن می افزودند که جمعا ۳۶۵ روز می شد. با این حال پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۵۱/۴۵ ثانیه باقی می ماند. این زمان، در هر چهار سال یک روز می شد و از آنجا که در محاسبه نمی آمد، روز اول فروردین در فصول سال تغییر می کرد. بنابر این ماههای شمسی نیز در آن زمان، مانند ماههای قمری در فصول سال متغیر بود. معنای این سخن آن است که نوروز در ابتدای فروردین واقعی، یعنی نقطه آغاز اعتدال ربیعی قرار نداشت.

زمانی که یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، در سال ۶۳۲ میلادی به تخت نشست، روز نخست سال، یعنی اول فروردین در آن تاریخ، مطابق بود با شانزدهم حزیران (ژوئن) (مطابق با ۲۷ خرداد). پس از آن با محاسبه بالا، روز نوروز یا اول فروردین، هر چهار سال، یک روز به عقب می آمد.

در سال ۴۶۷، روز نوروز مطابق دوازدهم حوت یا اسفند بود. در این سال، ملکشاه سلجوقی، دستور داد تا منجمان، محاسبه دقیقی از سال شمسی انجام داده و روز اول فروردین را معین کنند. بر اساس محاسبه خواجه عبدالرحمان خازنی، منجم مرو، عوض آن که بر اساس محاسبه قبلی، روز واقعی دوازدهم اسفند را اول فروردین دانسته شود، اول فروردین را هیجده روز جلوتر برده و در ابتدای اعتدال ربیعی، یعنی فروردین واقعی قرار داد. در محاسبه جدید، هر سال را در چهار نوبت، ۳۶۵ روز محاسبه کرده (دوازده سی روز به ضمیمه پنج روز که در آخر ماه آبان یا اسفند افزوده می شد) و سال پنجم را ۳۶۶ روز محاسبه کردند. البته پس از هر هشت دوره چهارساله، سال پنجم را ۳۶۶ قرار می دادند. در این

محاسبه آن پنج ساعت و اندی نیز در محاسبه می آمد. بدین ترتیب، روز نوروز، به عنوان نخستین روز فروردین ماه، از آن سال ثابت ماند.

بنابر این، نخستین سالی که روز اول فروردین آن دقیقا مطابق آغاز زمان اعتدال ربیعی بود، سال ۴۶۷ (یا ۴۷۱) بوده است. [۲]

نوروز در فرهنگ شیعه

دانسته است که سال قمری، به عنوان سالشمار پذیرفته شده در آیینهای دینی در دین مبین اسلام پذیرفته شده و در میان مردم و کتابهای تاریخی مرسوم بوده است. در کنار آن سال شمسی، به دلیل ثبات آن در تعیین فصول، همیشه به عنوان سال مورد استفاده در امر کشاورزی و خراج و جز آن، اهمیت خود را حفظ کرده و در تقاویم محاسبه و یاد می شده است. تطبیق این دو روز شمار با یکدیگر در فرهنگهای مختلف همیشه مورد بحث واقع شده و راه حلهای مختلفی برای آن عرضه شده است. سیری از این تطبیقها در میان تاریخ قمری و شمسی را تقی زاده مورد بحث قرار گرفته است. [۳]

در سال ۱۳۰۴ شمسی (۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۹۲۵ میلادی) در ایران، تقویم شمسی، به عنوان تقویم رسمی پذیرفته شد. محاسبه پیشین که دقیق بود مراعات شد و تنها عوض افزودن پنج روز به سال، شش ماه نخست سال را سی و یک روز، و پنج ماه دوم را سی روز و اسفند را بیست و نه روز قرار دادند که هر چهار سال، سی روز محاسبه می شد. سالی که اسفند آن سی روز بود، آن را سال کبیسه نامیدند. [۴] در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبنای محاسبه سال شمسی بوده و سال قمری نیز در کنار آن به عنوان

تقویم دینی مورد تاکید قرار گرفت.

این بود اجمالی از نوروز در تقویم شمسی. مهمترین نکته آن، این است که نوروز تا سال ۴۶۷ درسال متغیر بوده وپس ازآن درآغازاعتدال ربیعی قرارگرفته واز آن پس تغییری نیافته است.

نوروز در منابع کهن شیعی

در آغاز باید اشاره کنیم که مقصود از منابع کهن منابعی است که تا زمان شیخ طوسی تالیف شده است. آنچه که در باره نوروز در این منابع آمده، به شرح زیر است:

نخست آن که نجاشی ذیل شرح حال ابوالحسن نصر بن عامر بن وهب سنجاری نوشته است که وی از ثقات اصحاب است و کتابهایی داشته از جمله کتاب ما روی فی یوم النیروز. [۵] روشن نیست حجم روایاتی که وی در این کتاب جمع آوری کرده چه اندازه بوده است. گفتنی است که صاحب بن عباد که باید او را با احتیاط شیعه معتزلی دانست، کتابی با عنوان کتاب الاعیاد و فضائل النیروز داشته است. [۶]

در منابع کهن، چند روایت نیز در باره نوروز آمده، که به این ترتیب است:

۱- نخست روایتی از ابراهیم کرخی که ضمن آن از امام صادق علیه السلام سؤال شده که شخصی مزرعه بزرگی دارد. در روز مهرگان یا نوروز، هدایایی (از طرف کسانی که بر روی آن کار می کنند) به او داده می شود. آیا بپذیرد؟ حضرت فرمود: آنها که هدیه می دهند مسلمانند؟ ابراهیم می گوید: آری. حضرت فرمود: هدیه آنها را بپذیرد. [۷]

۲- روایت دیگر چنین است که در روز نوروز به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد: الیوم النیروز. حضرت فرمودند: اصنعوا کل یوم نیروزا هر روز را نوروز کنید. [۸] و نقل دیگر همان روایت آن که

حضرت فرمود: نیروزنا کل یوم. [۹] این همان روایتی است که در آن گفته شده در روز نوروز به آن حضرت، فالوذج هدیه کردند و حضرت این پاسخ را دادند. در حاشیه نسخه ای از فهرست ابن ندیم آمده که ثابت بن نعمان بن مرزبان، پدر ابوحنیفه، یا جد او همان کسی بود که فالوذج به امام علی علیه السلام هدیه کرد و حضرت فرمود: نوروزنا کل یوم یا مهرجونا کل یوم. [۱۰] تعبیری که صاحب دعائم آورده قدری متفاوت است. در آنجا آمده: وقتی فالوذج به امام اهدا شد، حضرت دلیلش را پرسید؛ گفتند: امروز نوروز است. حضرت فرمود: فنیروزا ان قدرتم کل یوم. یعنی تهادوا و تواصلوا فی الله. [۱۱] این روایت را بخاری نیز در التاریخ الکبیر آورده است. [۱۲]

به جز آنچه از من لایحضر نقل شد، در آثار صدوق، اشاره ای به نوروز نشده است. تنها در عیون اخبارالرضا علیه السلام ضمن اشاره به داستان زیدالنار آمده که جعفر بن یحیی برمکی بعد از کشتن ابن افطس علوی، سر وی را همراه هدایای نوروز نزد هارون فرستاد. [۱۳] صدوق هیچ اشاره دیگری به نوروز نکرده است. [۱۴] گفتنی است که در آثار شیخ مفید نیز، کلمه نوروز یا نیروز یافت نشد. [۱۵]

۳- اشاره شد که در تهذیب شیخ طوسی، به بحث هدیه در روز نوروز و مهرجان [۱۶] اشاره شده بود. جدای از آن شیخ طوسی در مصباح المتهجد، برای نخستین بار بحث از روز نوروز، به عنوان روزی متبرک که روزه استحبابی و نماز دارد، کرده است. آنچه در مصباح (به نقل از بحار) آمده چنین است:

روی المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق

علیه السلام فی یوم النیروز قال: اذا کان یوم النیروز فاغتسل و البس انظف ثیابک و تطیب باطیب طیبک و تکون ذلک الیوم صائما فاذا صلیت النوافل و الظهر و العصر، فصل اربع رکعات، تقرا فی اول رکعه فاتحه الکتاب و عشر مرات انا انزلناه و... [۱۷] گفتنی است که شیخ روز روز نوروز را نه در مصباح و نه در مختصر مصباح معین نکرده است.

۴- ابن ادریس (۵۹۸) در سرائر می نویسد: شیخ ما ابوجعفر در مختصر مصباح آورده از چهار رکعت نماز مستحب در نوروز فرس سخن گفته اما روز آن را معین نکرده، چنانکه ماه آن را از ماههای رومی یا عربی مشخص نکرده است. آنچه برخی از اهل حساب و علمای هیئت و اهل فن در کتابش گفته، این است که روز نوروز دهم ماه ایار (دهم ماه مه مطابق دوم اردیبهشت) که سی و یک روز است می باشد. زمانی که نوروز از آن گذشت، روز نوروز فرا می رسد. گفته شده نیروز و نوروز دو لغت است. اما نیروز معتضد که به آن نوروز معتضدی می گویند، روز یازدهم حزیران (یازدهم ژوئن مطابق سوم خرداد) است. مردمان سواد و زارعین، در باره امر خراج به وی شکایت کردند و این که قبل از رسیدن محصول، خراج گفته می شود و همین سبب بدهکاری آنهاست که خود عامل اجحاف به رعایاست. او مصمم شد که پیش از یازدهم حزیران خراج از کسی مطالبه نکنند. شعری نیز در باره این عمل او سروده شد... همه این مطلب را صولی در کتاب الاوراق آورده است. [۱۸]

در دو کتاب دعا که به فارسی در قرن ششم

تالیف شده یاد از حدیث معلی بن خنیس در اعمال روز نوروز که مهمترین آنها، گرفتن روز، پوشیدن لباس نیکو و نماز مخصوص است، شده است. این دو مورد از دو متن فارسی شیعی قرن ششم قابل توجه است جز آن که به احتمال قریب به یقین برگرفته از شیخ طوسی است.

۵- در کتاب ذخیره الاخره که مشتمل بر ادعیه بوده و در نیمه نخست قرن ششم تالیف شده، فصلی تحت عنوان عمل روز نوروز فارسیان آمده است. در شرح آن حدیث معلی بن خنیس به این ترتیب نقل شده است:

روایت کند معلی بن خنیس از صادق علیه السلام که گفت: چون روز نوروز بود، روزه دار و غسل کن و جامه پاکترین درپوش و بوی خوش بکار دار و چون نماز پشین و دیگر و سنتهای آن بگذارده باشی، چهار رکعت نماز کن به دو سلام و بخوان در رکعت اول الحمد و ده بار انا انزلناه فی لیله القدر و در رکعت دویم الحمد و ده بار وده بار قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم الحمد و ده بار قل هو الله احد ودرچهارم رکعت الحمد و ده بار معوذتین. و چون از نماز فارغ گردی تسبیح زهرا علیهما السلام بگوی. چون چنین بکنی خدای تعالی شصت ساله گناه تو بیامرزد. و دعااین است:... [۱۹]

۶- در کتاب نزهه الزاهد نیز که در نیمه دوم قرن ششم یا نیمه نخست قرن هفتم نوشته شده آمده است: نوروز فرس: امام جعفر صادق علیه السلام گفت: چون روز نوروز در آید غسل کن و جامه پاک ترین در پوش و بوی خوش بکار دار و

روزه فراگیر و پس از نماز پیشین و دیگر، چهار رکعت نماز کن به دو سلام. پس از الحمد در اول رکعت، ده بار انا انزلناه بخوان و در دوم ده بار قل یاایها الکافرون و در سوم ده بار قل هو الله احد و در چهارم ده بار هر دو قل اعوذ. و چون فارغ شوی سجده شکر کن و این دعا بخوان تا تو را گناه شصت ساله بیامرزد. و دعا این است: اللهم صل علی محمد و ال محمد الاوصیاء المرضیین و صل علی جمیع انبیاءک و رسلک بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک ... [۲۰]

۷- قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) حدیثی در باره نوروز، در کتاب لب اللباب خود آورده است: عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : ابدلکم بیومین یومین، بیوم النیروز و المهرجان، الفطر و الاضحی. دوروز رابرای شما جانشین دوروز کردم. عید فطر وقربان را بجای عیدنوروز و مهرگان قرار دادم. [۲۱]

مناسب است در اینجا بیفزایم که مراسم نوروز در شهرهای شیعه نیز برپا بوده است. حداقل دو قصیده از سیدضیاءالدین ابوالرضا فضل الله راوندی از قرن ششم در دست داریم که عید نوروز را به برخی از بزرگان آن ناحیه تبریک گفته است. در یکی از این اشعار آمده:

هذا الربیع و هذه ازهاره وافی سواء لیله و نهاره. [۲۲]

۸- ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) در مناقب خبری در برخورد منصور با امام کاظم علیه السلام آورده است. وی می نویسد: منصور از امام خواست تا در عید نوروز، بجای او در مجلسی نشسته و هدایایی را که آورده می شد از طرف او بگیرد. امام در

پاسخ چنین گفت:

انی قد فتشت الاخبار عن جدی رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم فلم اجد لهذا العید خبرا؛ انه سنه للفرس محاها الاسلام و معاذ الله ان نحیی ما محاه الاسلام. [۲۳]

من اخباری را که از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وارد شده بررسی کردم و خبری در رابطه با این عید پیدا نکردم. این عید از سنن ایرانیان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده است. به خدا پناه می برم از اینکه چیزی را که اسلام آن را از میان برده دوباره آن را زنده کنم.

صاحب جواهر با توجه به نقل شیخ، ابن فهد، شهید اول و دیگر متاخرین، بر مسلم بودن استحباب روزه روز نوروز تاکید کرده است. سپس نقل بالا را از امام کاظم علیه السلام آورده و گفته است که این نقل نمی تواند معارض ادله استحباب باشد، به علاوه که محتمل است که بر اساس تقیه صادر شده باشد؛ شاید هم مقصود نوروزی جز نوروزی باشد که متفق علیه است. [۲۴] باید توجه داشت که مستند همه، روایت معلی بن خنیس است. به علاوه، اگر تقیه ای در کار بود، باید امام همان ابتدا موافقت می کرد نه مخالفت. نکته سوم وی نیز واضح البطلان است، زیرا به هر روزی در آن روزگار، یک نوروز بیشتر وجود نداشته است.

این بود آنچه در منابع شیعه تا قرن ششم در باره نوروز نقل شده است. در این باره، مهم همان روایت معلی بن خنیس است و جز آن، چیزی در باره تایید نوروز به چشم نمی خورد. منشا آنچه در آثار بعدی در باره استحباب غسل روز

نوروز و نماز و دعای مربوطه آمـده، همین نص است و بس. البته مطالب دیگری نیز افزوده شـده که منشا آنها را اشاره خواهیم کرد.

نوروز در منابع اهل سنت

در اینجا بی مناسب نیست، اشاره ای به آنچه در منابع اهل سنت در باره روز نوروز آمده داشته باشیم. بطور کلی باید گفت که این عید، از پس از اسـلام مورد توجه حکام اموی و عباسـی بوده و بویژه در حوزه شرق، هدایای نوروز به طور مرتب از طرف حکـام از کدخـدایان دریـافت می شـده است. افزون بر آن کـار گرفتن خراج نیز بر اسـاس نـوروز بـوده و یکی دوبـار در عهد متوکل [۲۵] و معتضد عباسی، [۲۶] نوروز تـا تیرماه به تاخیر افتاده تا مردم در پرداخت آن گرفتار مشـکل نشونـد، زیرا در این وقت محصول به دست می آمده است. در زمان مقتدر نیز این مشکل به عنوان نوعی ظلم در حق رعایا مطرح بوده است. [۲۷]

به گزارش یعقوبی، معاویه پس از رسـیدن به خلافت، به عبدالرحمن بن ابی بکره نوشـته است تا هدایای نوروز و مهرگان برای وی ارسال شود. [۲۸] عمر بن عبـدالعزیز، در ردیف کارهای اصـلاحی خود این امر را متوقف کرده [۲۹] و نامه ای به یکی از حکـام خویش نوشـته تـا از گرفتن هـدایای نوروز و مهرگان خودداری کنـد. [۳۰] بعـد از وی، یزیـد بن عبـدالملک بار دیگر گرفتن هدایای نوروزی را باب کرده است. [۳۱] در زمان نصـر بن سیار نیز گرفتن هدایا در خراسان مرسوم بوده، [۳۲] چنانکه در سال ۲۳۶ در فارس. [۳۳] در باره نوروز و مهرگان در ادب عربی، مقالاتی در زبانهای فرنگی نوشته شده است. [۳۴]

در تمام این دوران، روز نوروز

به عنوان یک روز معین برای مسلمانان شرق شناخته شده بوده و به دلیل درگیر بودن آن با امر خراج، موقعیت خود را حفظ کرده است. شاعری در سال ۲۲۰ هجری، روز نوروز را در ردیف دو عید فطر و اضحی قرار داده است:

فابکوا علی التمر ابکی الله اعینکم فی کل اضحی و فی فطر و نیروز

شواهد وجود دارد که در اواخر قرن سوم، توده مردم در این نواحی، در ایام نوروز به آتش بازی و ریختن آب می پرداخته اند. حکومت نیز به احتمال تحت تاثیر فقهای اهل سنت، با آن مقابله می کرده است.

در حوادث سال ۲۸۲ آمده است که در این سال، مردم از آنچه در نوروز عجم، از آتش بازی و ریختن آب و جز آن انجام می دادند، منع شدند. [۳۵]

در حوادث سال ۲۸۴ آمده است که روز چهار شنبه، سوم جمادی الثانیه، یازدهم حزیران (ماه ژوئن)، در چهارسوها و بازارهای بغداد، اعلام شد که کسی در شب نوروز حق روشن کردن آتش و ریختن آب را ندارد. روز پنجشنبه نیز همین اعلان، اعلام شد. اما در عصر روز جمعه، در خانه سعید بن یکسین، رئیس شرطه بغداد، در بخش شرقی بغداد، اعلام شد که خلیفه، مردم را در روشن کردن آتش و ریختن آب آزاد گذاشته است. پس از آن توده مردم، حتی بیش از حد به این کار پرداختند به طوری که بر روی اصحاب شرطه نیز در مجلس جسر (پل) آب ریختند. [۳۶]

برگزاری مراسم نوروز نه تنها در شرق اسلامی، بلکه در غرب نیز رواج یافته است. به نقل مقریزیه در سال ۳۶۳ هجری، المعزلدین الله، خلیفه فاطمی مصر،

دستور داد تا از روشن کردن آتش در شب نوروز و همچنین ریختن آب خودداری کنند. در همانجا آمده است که در سال ۳۶۱، آتش بازی گسترده ای در قاهره انجام شده و این کار سه روز ادامه یافته است. بدنیال بود، معز فاطمی مردم را از روشن کردن آتش و ریختن آب منع کرده و کسانی را نیز گرفته و حبس کردند. [۳۷] همو آورده است که در سال ۵۱۷ هجری نیز در روز نوروز هدایای گرانبهایی از طرف امرا تقدیم شده که بسیار بسیار مفصل و گرانقیمت بوده است. [۳۸] همو در سالهای بعد از آن روز، که از آن با عنوان نوروز قبطی یاد شده، از گستردگی بازی و کارهای ضد اخلاق و گرفتن هدیه توسط امیر نوروز و جز آن سخن گفته است. [۳۹] در منابع فقهی اهل سنت هم، مخالفت با نوروز دیده می شود. از جمله غزالی در کیمیای سعادت بر ضد نوروز سخن گفته است. [۴۰] در منبع دیگری، گفته شده است: روزه گرفتن روز شنبه، کراهت دارد چون تشبه به یهود است. نیز روزه گرفتن نوروز و مهرگان، چرا که آن هم تشبه به مجوس است.[۴۱]

ابن قدامه نیز نوشته است: روزه گرفتن نوروز و مهرگان کراهت دارد، زیرا این ها، روزهایی است که کفار آن را بزرگ می شمرند. [۴۲] گفتنی است که گروه طالبان که در حال حاضر بر افغانستان حاکم اند، امسال (۱۳۷۶) اعلام کردند که برگزاری مراسم نوروز بر خلاف اسلام بوده و نباید تعطیل شود.

نوروز در منابع شیعی قرن هفتم به بعد

همانگونه که گذشت، منابع بعدی، با تکیه بر سخن شیخ، به بیان اعمال روز نوروز در کنار اعیاد دیگر پرداخته اند. اما

بحث مهم از این زمان به بعد، بحث از تعیین روز نوروز است . کسانی از فقیهان برای تعیین روز نوروز کوششهایی کرده اند. از آن جمله شهید اول (م ۷۸۶) در کتاب ذکری الشیعه است. وی در آنجا با اشاره به روایت معلی بن خنیس نوشته است که مقصود از نوروز یا اول سال فارسیان یا وارد شدن خورشد در برج حمل (فروردین) و یا دهم ایار (دوم اردیبهشت) است. بدین ترتیب سه قول دراین باره نقل کرده که تفصیل آن درسخن ابن فهد آمده است. [۴۳]

عبارت مفصل در تعیین روز نوروز از احمد بن محمد بن فهد حلی (م ۸۴۱) است. وی با اشاره به سخن شیخ طوسی در مختصر مصباح المتهجد و چهار رکعت نماز مستحبی آن می نویسد: «یوم النیروز جلیل القدر اما تعیین روز آن از سال مشکل است. این در حالی است که چون متعلق عبادت الهی شده شناخت آن مهم است و با این حال، از علمای ما جز آنچه ابن ادریس گفته متعرض بیان آن نشده است.» سپس ابن فهد سخن ابن ادریس وشهید را آورده است.

آنگاه در باره سخن شهید که گفته روز نوروز یا اول سال فارسیان یا رفتن خورشید به برج حمل است می نویسد: قول نخست وی که اول سال فارسیان باشد همان است که در میان فقهای عجم مشهور است. آنها نوروز را زمان وارد شدن خورشید به برج جدی این همان است که نویسنده کتاب الانواء آن را گفته است. [۴۴] پس از آن سخن صاحب الانواء را نقل کرده. آنگاه می افزاید: آنچه از این تفاسیر درست تر است، آن که نوروز همان زمان وارد شدن خورشید به برج حمل (فروردین) است. سپس دلائلی برای آن ذکر

می کند. مهمترین دلیل آن که شناخت این روز به عنوان نوروز میان مردم رایج است و طبعا خطاب باید راجع به همین عرف باشد. آنگاه خود دو اشکال بر این دلیل آورده؛ یکی آن که در همه مناطق عجم، نوروز بر روز اول ورود خورشید در حمل اطلاق نمی شود و دوم آن که نوروز بودن روز نخست ماه حمل، نوروز سلطانی است و جدید است. این اشاره به تغییر روز نوروز در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی است. پاسخ ابن فهد آن است که وقتی عرف مختلف شد، عرف شرعی باید مراعات شود. اگر چنین عرفی در کار نبود، عرف نزدیکترین بلاد به شرع باید مراعات شود. افزون بر آن، هر دو تفسیر از نوروز – اعم از سلطانی و غیر آن – مربوط به پیش از اسلام است! [۴۵]

نکته مهم در مطالب ابن فهد آن است که روایت معلی بن خنیس را به گونه ای دیگر نقل کرده و شکل مفصل آن را آورده است. وی از نسابه معاصر خود علامه بهاءالدین علی بن عبدالحمید نسابه – و او به سند خود تا معلی بن خنیس – روایت مفصلی را در باره روز نوروز آورده است. این روایت پیش از این زمان، در منابع دیگر شیعی نبوده است. روایت چنین است که معلی نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، برای امام علی علیه السلام در غدیر پیمان گرفت و مردم به ولایت او اعتراف کردند. خوشا به حال کسی که بر آن پیمان باقی ماند و بدا به حال کسی که آن عهد

را شکست. روز نوروز، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم امام علی علیه السلام را به وادی جن فرستاد و او بر آنها عهدها و پیمانها گرفت. روز نوروز، روزی است که امام علی علیه السلام بر خوارج غلبه یافت و ذوالثدیه را کشت. روز نوروز، روزی است که قائم ما از اهل بیت علیهم السلام قیام خواهد کرد و خداوند او را بر دجال پیروز خواهد نمود و دجال را بر کناسه کوفه بدار خواهد زد. هیچ نوروزی نخواهد آمد جز آن که ما انتظار فرجی در آن داریم. این از روزهای متعلق به ماست که فارسیان آن را حفظ کردند و شما (عربها) آن را ضایع کردید. یکی از انبیای بنی اسرائیل از خدایش خواست تا قومی را که چندین هزار بودند و از ترس مرگ از دیارشان خارج شده بودند و خداوند آنها را میرانده بود، زنده کند. خداوند به وی فرمود: بر قبرهای آنان آب بریز. او در این روز، بر قبور آنها آب ریخت و آنها که سی هزار تن بودند زنده شدند. همین امر سبب شد تا ریخت آب در روز نوروز سنت شود، امری که سبب آن را جز راسخان در علم نمی دانند. روز نوروز، اول سال فارسیان است. معلی می افزاید: آن حضرت این مطالب را بر من املا کرد و من از املای آن حضرت آن را نوشتم. [۴۶]

ابن فهد، به دنبال آن، روایت دیگری از معلی نقل کرده است. در این روایت آمده است که امام صادق علیه السلام در صبحگاه نوروزی که معلی به خدمت آن حضرت رسیده بود، از ایشان شنید که:

روز نوروز، روزی است که خواند از بندگانش پیمان گرفت تا او را عبادت کرده به وی شـرک نورزند و به انبیای او، حجج او و اولیـای او ایمـان بیاورنـد. روز نوروز، نخستین روزی است که خورشـید در آن طلوع کرد و بادهـا وزیـدن گرفت و در زمین شکوفه پدیـد آمـد (و خلقت فیه زهره الارض ....). روز نوروز، روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی فرونشـست و روزی است که خداونـد کسانی را که از ترس مرگ از سـرزمینشان خارج شـده و مرده بودند زنده کرد. و روزی است که جبرئیل بر رسول خـدا صـلی الله علیه وآله و سـلم فرود آمـد. و روزی است که ابراهیم بتهای قومش را شـکست. و روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امام علی علیه السلام را بر دوش گرفت تا بتهای قریش را در مسجد الحرام شکست. [۴۷]

ابن فهد به چهار نکته در این دو روایت توجه کرده.

یکی: تطبیق روز نوروز با روز غدیر یعنی هیجده ذی حجه سال دهم هجرت است.

دوم: سنت آب ریختن که در بهار معنا دارد نه در ماه جدی (دی ماه).

سوم: خلقت خورشید در این روز که با سخن منجمان سازگار است .

چهارم: شـکوفه دادن زمین که باز در فروردین است نه در دی ماه. [۴۸] بدین ترتیب وی خواسـته تا از این روایت نتیجه بگیرد که روز نوروز همان زمان ورود خورشـید به حمل یعنی آغاز فروردین ماه است. به نظر می رسـد این قدیمی ترین بحثی است که در کتابهای فقهی شیعه در تعیین روز نوروز شده و بعد از آن در دوره صفوی

مکرر مورد نقد و ایراد قرار گرفته است.

مشکل این دو حدیث آن است که در منابع کهن شیعه نیامده است. افزون بر آن، روایات مزبور که در اصل باید یکی باشد، حاوی دو نوع آگاهی در باره روز نوروز است که این خود منشا شبهه در باره آن شده و احتمال جعل آن را تقویت می کند. افزون بر آن، دانسته است که، ابن غضائری گفته: غالیان روایاتی را به معلی بن خنیس نسبت داده و نمی توان بر اخبار وی اعتماد کرد. [۴۹] در این صورت، این روایت که بی گرایش غالیانه یا نگرش افراطی هم نیست، از همان دسته مجعولاتی باشد که غالیان به معلی نسبت داده اند. باید این نکته را نیز یادآوری کرد که گفته شده قرامطه - گرایشی وابسته به مذهب افراطی اسماعیلیه - دو روز را در سال که نوروز و مهرگان بوده، روزه می گرفته اند. [۵۰] بلافاصله باید تاکید کنیم که مجوسیان، نه تنها نوروز را روزه نمی گرفته اند، بلکه به نقل بیرونی، اساسا «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان روزه بگیرد گناه کرده است.» [۵۱]

یاد از این نکته لازم است که بخش ریخت آب روی مردگان که به یکی از انبیای بنی اسرائیل نسبت داده شده، در روایتی از ابن عباس آمده است. [۵۲] در همانجا آمده که وقتی از مامون در باره سنت آب پاشی در روز نوروز سؤال شد، نوروز را همان روزی دانست که آن مردگان از قوم بنی اسرائیل در آن زنده شدند. تواند بود که این روایت از اسرائیلیات نیز باشد که در جامعه اسلامی به نوعی با عقائد رایج پیوند داده شده است.

از همه اینها گذشته،

شاید تاویل دیگری برای این روایت بتوان جستجو کرد و آن این که – در صورت درستی صدور آن از امام صادق علیه السلام – شاید امام، خواسته اند بفرمایند که اصولا هر روزی که نشانی از پیروزی آیین الهی در آن باشد، نوروز است. درست همان طور که در یکی از روایات سابق الذکر آمده بود که امام علی علیه السلام فرمود: هر روز ما را نوروز کنید. این معنا برای نوروز، کاملا مطابق تعبیر ایام الله است که در قرآن به روزهای متعلق به خداوند اطلاق شده است. البته با این تاویل باید، آنچه در روایت در باره نوروز فارسیان آمده، قدری اصلاح شود.! در گزارش برخی از رساله های دوره صفوی، اشکالات دیگری بر متن این خبر وارد شده که به موقع اشاره خواهیم کرد.

نوروز و نوروزیه های دوره صفوی

چنین به نظر می رسد که نوروز، در فرهنگ مسلمانان شرقی، حتی با وجود مخالفتهای برخی از فقهای سنی مذهب، دوام آورده است. عجیب آن که برخی از آداب و رسوم خاص آن مانند چهارشنبه سوری و سیزده بدر که از پیش از اسلام وجود داشته، و بی پایگی آن از نگاه اسلام بر همه روشن بوده، به دلیل همسویی نوروز با طبیعت و نیز دخالت آن در تعیین خراج سالانه، همچنان حفظ شده است. حضور این عید در بخش وسیعی از دنیای اسلام در حال حاضر، از نواحی عراق و ترکیه گرفته تا جمهوری آذربایجان، جمهوریهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و طبعا ایران، نشان آن است که پیش از تشکیل دولت صفوی، این عید مورد اعتنای کامل بوده است. در اینجا باید دو نکته را مورد توجه قرار داد:

نکته

نخست: آن که در دوره صفوی، تاریخ قمری و شمسی رواج داشته و طبعا مراسم نوروز برگزار می شده است. اولئاریوس در آن عهد چنین نوشته: «ایرانی ها سال خود را برحسب حرکت خورشید و ماه تعیین و تنظیم می کنند و به همین جهت دارای دو نوع سال شمسی و قمری می باشند. سال قمری از نظر مذهبی برایشان اهمیت دارد که اعیاد و روزهای سوگواری خود را برحسب آن سال تعیین می کنند.» وی پس از آن اشاره کرده که ایرانیان، عمر خود را برحسب سال شمسی محاسبه کرده و مثلا می گویند که فلان مقدار نوروز از عمر آنها گذشته است. [۵۳] وی چهارشنبه آخر سال را که چهارشنبه سوری بوده، از ایام مورد توجه مردم یاد کرده و گفته است که مردم آن را بدترین روزهای سال دانسته کار را تعطیل می کنند «از خانه کمتر خارج شده و حتی المقدر کمتر حرف می زنند و سعی می کنند به کسی پولی ندهند ... عده ای هم کوزه های خود را برداشته ... به خارج شهر رفته و وزه را از آب پر کرده و آن را می آورند و به خانه و اطاقهای خود می پاشند و عقیده دارند که چون آب، صاف و پاك است، پلیدیها و بدبختیها را از خانه شسته با خود می برد...» [۵۴] تاورنیه نیز از عید نوروز به با این عبارت که از اعیاد بزرگ ایرانیان است سخن گفته و می نویسد: در این روز تمام بزرگان برای سلام شاه به دربار حاضر می شوند و هر کس به اندازه شانش باید ارمغان و پیشکشی به شاه بدهد ... و در این روز شاه ثروت گزافی به دست می آورد ... برای

روز اول سال، اگر یک ایرانی اتفاقا پول نداشته باشد که قبای نو تدارک نماید، اگر باید تن خود را گرو بگذارد می گذارد و قبای نو را حتما به دست می آورد. [۵۵] شواهد فراوانی در باره اهمیت برگزاری مراسم نوروز در میان ایرانیان در دوره صفوی در دست است که نیازی به نقل آنها نیست.

نکته دوم: آن که این مساله را بایـد از زاویه دیگری نیز مورد توجه قرار داد و آن این که با پیـدایش دولت شـیعی، طبیعی بود که روزهایی که در فرهنگ فقهی و تاریخی شیعه، از اهمیتی برخوردار است بزرگ داشته شده و به عنوان شعائر شیعی بزرگ داشته شود. این روزها، یا روزها عزا و مصیبت بودند و یا روزهای شادی و فرح. نوع دیگر، روزهایی بود که در تقویم مذهبی، عبـاداتی برای آنهـا در نظر گرفته شـده بود. بـا توجه به اختلافاتی که در تعیین این روزها وجود داشت، لازم بود تا تحقیقی در باره تعیین روز دقیق آنها صورت گیرد. به عنوان نمونه چندین رساله مولودیه نوشته شد تا اثبات شود تولد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسـلم در دوازدهم ربیع الاـول بوده یا در هفـدهم آن. [۵۶] همینطور رساله ای به دسـتور شاه سـلطان حسین صفوی نوشـته شـد با عنوان هـدایه الصالحین دراثبات آن که تولدامام علی علیه السـلام در سـیزدهم رجب بوده و سایر اقوال نادرسـت است. [۵۷]

به علاـوه، مردم نیـاز به تقویمهـایی داشـتند تـا به معرفی این روزها پرداخته و آداب و عبادات ویژه آنها را بیان کنـد. نمونه آن کتاب تقویم المحسنین فی معرفه الساعات و الایام و الاسبوع از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) و اختیارات علامه

مجلسی (م ۱۱۱۰) است. بایـد اعتقـاد به خوبی و بـدی ساعـات را هم به این مطـالب افزود و رسـاله هایی که به این مسائل هم پرداخت به آنچه گـذشت، اضـافه کرد. مجموع این مسائل، جریانی را در تالیف پدیـد آورد که به نوعی با بحث تقویم ارتباط می یافت.

بـا توجه به آنچه در آغـاز بحث در باره تفاوت نوروز قـدیم با نوروز جلالی گفته شـد، بحث از تعیین روز نوروز و این که آیا نوروز وارد شده در روایات، همین نوروز مرسوم است یانه، در میان علما بالا گرفت. پیش از آن نیز، همانطور که گذشت، ابن فهـد در قرن نهم، نسـبتا مفصـل به آن پرداخته بود. اسـتدلالهایی که در این قبیـل رساله ها آمـده، به طور عمـده بر پایه مطالب نجومی، تاریخی و نیز روایاتی است که به آنها اشاره کردیم. افندی با اشاره به رساله میرزا ابراهیم حسـینی می نویسد: او رساله ای نـوشت کـه نـوروز، درست همین روزی است که اکنـون مرسـوم است. آقـا رضـی قزوینی رسـاله ای در انکـار این مطـالب نوشت. همین طور محمدحسـین بن میرزا ابوالحسن قائنی و میرزا رضـی الدین محمد مستوفی خاصه اصفهان دو رساله در تایید تطبیق روز نوروز وارد شـده در روایات با آنچه مرسوم است نوشـتند. افنـدی می نویسـد: و قد صارت هذه المساله مطرحا لاراء الفضلاء. [۵۸]

در این دوره افزون بر بحثهـای نجومی و اصولی و فقهی در این بـاره، یکی دو روایت دیگر در بـاره نوروز که در منـابع پیشـین شناخته شـده نیامـده، مطرح گردیـد. یک روایت را مرحوم علامه مجلسـی در بحار بـدون آن که نام منبعش را یاد کند، با این عبارت که: رایت فی بعض الکتب المعتبره

آورده و سندی بر آن از همان کتاب نقل کرده است. راوی این روایت معلی بن خنیس است اما نه در حد چند سطری که در مصباح شیخ آمده و یا یکی دو صفحه ای که در المهذب ابن فهد آمده، بلکه ده صفحه بحار را به خود اختصاص داده است. [۵۹] آنچه در این روایت افزون بر نقل ابن فهد آمده، تفصیلی است که معلی از امام خواسته تا نامهای فارسی سی روز ماه را بیان کند. به دنبال آن سی نام فارسی همچون هرمزد روز، بهمن روز، اردی بهشت روز و... آمده است. علامه مجلسی روایت مزبور را بار دیگر از منبع دیگری آورده اما در آن جا نیز نام منبع یاد نشده، بلکه آمده است: وجدت فی بعض کتب المنجمین مرویا عن الصادق علیه السلام... در این نقل، بخش اول سخن امام با معلی نیامده بلکه تنها نامهای ایرانی سی روز آمده است. [۶۰] نیز همان روایت را نقل کرده بدون نام منبع و تنها با عبارت: و روی ایضا فی بعض الکتب ... [۶۱] جالب آن که علامه پس از نقل این سه روایت می نویسد: این روایات را ما از کتابهای منجمان نقل کردیم، زیرا از ائمه ما روایت کرده بودند اما من بر آنها اعتمادی ندارم. در نسخ آنها نیز اختلافاتی زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره کردم. حقیقت آن است که این اسامی برای سی روز از منجمان بوده و روشن نیست به چه دلیل به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است. علامه مجلسی به نقل از ابوریحان – و قاعدتا از الاثار الباقیه – آن نامهای ایرانی

را آورده است. [۶۲]

افزون بر این روایت، نقل دیگری هم در دوره صفوی مطرح بوده و آن این است که هفت سلام به مشک و زعفران نوشتن و غساله آن را نوشیدن و چهل مرتبه سوره یس را بر انار خواندن و شصت مرتبه این دعا را خواندن که یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال. این نقل را آقارضی قزوینی آورده و افزوده که در جایی معتبر به نظر نرسیده است. [۶۳]

فهرست نوروزیه ها

۱- النوروزیه، مؤلف ناشناخته. تالیف شده به نام شاه طهماسب. ملامحمد جعفر فرزند محقق سبزواری از آن نقل کرده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۴

۲- النوروز، محمد ابراهیم الحسینی المدرس الخادم، (رد بر نوروزیه آقا رضی قزوینی) ذریعه، ۲۴ / ۳۷۹، ش ۲۰۴۰ و نک : ش ۲۰۴۹

۳- نوروز، همان رساله به فارسی.

۴- نوروزیه، محمد تقی بن محمد رضا رازی. تالیف شده به اسم شاه صفی (سلطنت از ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲). نسخه ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه (فهرست ۱۲ / ۲۵۱۷) و کتابخانه ملک موجود است. ذریعه، ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۳

۵- نوروز و سی روز، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)، در شرح فارسی حدیث معلی بن خنیس. فیض چندین رساله در تقویم دعایی دارد. از جمله تقویم المحسنین و معیار الساعات. رساله نوروز وسی روز را دکتر معین همراه گفتاری تحت عنوان روز شماری در ایران باستان در سال ۱۳۲۵ شمسی (توسط انجمن ایران شناسی) چاپ کرده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۰، ش ۲۰۴۸

۶- نوروزیه، اسماعیل بن محمد باقر خاتون آبادی (م ۱۱۱۶)، تالیف شده به نام شاه سلیمان صفوی در یک

مقدمه، دوازده باب و یک خاتمه. ذریعه، ۲۴ / ۲۰۵۱

۷- نوروزیه، محمد باقر بن اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۱۲۷)، تالیف شده به نام شاه سلطان حسین صفوی. نسخه آن در دانشگاه تهران (فهرست ۲ / ۱۲۶۶) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۷۹، ش ۲۰۴۲

۸- نوروزیه، ملاباقر بن اسماعیل کجوری. گفته شده در این رساله، مؤلف میرمخدوم شریفی را که در نواقض الروافض بر ضد غدیر و نوروز سخن گفته رد کرده است. آقابزرگ نسخه ای از آن نشناسانده است. ذریعه، ۲۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۲

۹- نوروزیه، ملامحمد جعفر بن محمد باقر سبزواری. نسخه ای شخصی از آن را آقابزرگ دیده و عبارت نخست آن را آورده است. ذریعه ۱۴ / ۳۸۲، ش ۲۰۵۵

۱۰- نوروزیه، مؤلف ؟ نسخه ای از این رساله به شماره ۱۰۱۵ در کتابخانه آیهالله مرعشی موجود است و در آن تاریخ ۱۰۸۴ آمده است.

۱۱- نوروزیه، آقارضی قزوینی. بسیاری بر این رساله رد نوشته اند. نسخه ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه ملی موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۸

۱۲- نوروزیه، میرمحمد حسین بن محمدصالح خاتون آبادی. نسخه ای از آن در کتابخانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۶

۱۳- نوروزیه، میرزا محمد حسین بن میرزا ابوالحسن قائنی. ردی است بر رساله آقارضی قزوینی. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۷

۱۴- نورزویه، رضی الدین محمد مستوفی در رد بر آقا رضی. آقابزرگ نسخه ای از آن نشناسانده است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۳، ش ۲۰۵۹

۱۵- نوروزیه، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ، ج ۵۶، صص ۹۱ - ۱۴۳ . این مدخل، گرچه رساله مستقلی نیست، اما،

به دلیل آن که مرحوم مجلسی مفصل در این باره سخن گفته، در اینجا معرفی شد.

۱۶- رساله در فضیلت روز نوروز، مؤلف ؟ نسخه ای از آن در نه برگ در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص ۴۵۹) موجود است.

۱۷- نوروزنامه، مؤلف ؟ نسخه آن در کتابخانه مسجد اعظم (فهرست، ص ۵۷۲) موجود است.

۱۸- نوروزنامه ، مؤلف ؟ نسخه آن در کتابخانه آیهالله گلپایگانی (فهرست، ۳ / ۷۹) موجود است.

۱۹- نوروزیه، عماد الدین محمود بن مسعود. تالیف شده بنام سلطان حمزه میرزا. نسخه ای از آن در کتابخانه وزیری یزد (فهرست، ۴ / ۱۱۶۷ ، ش ۲۱۰۷) موجود است. در آنجا از مؤلف به عنوان جالینوس ثانی یاد شده است. نیز مطالب آن در رساله خواجویی که ناظر به آن رساله تالیف شده آمده است.

۲۰- نوروزیه، ملاـ اسماعیل خواجویی (م ۱۱۷۳). شرح و نقدی است بر رساله عمادالدین بن مسعود. ذریعه ۲۴ / ۳۸۱ ، ش ۲۰۵۰ (این رساله را آقای سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم چاپ کرده است.)

۲۱- نظم حدیث معلی بن خنیس منسوب به خواجه در کتاب سی روز و نوروز فیض کاشانی آمده و بیت اول آن چنین است:

بقول جعفر صادق خلاصه سادات ز ماه فارسیان هفت روز مذموم است [۶۴]

۲۲- نوروزیه، میرزا محمد مهدی بن هدایهالله خراسانی (۱۱۵۲ - ۱۲۱۷) ردی است بر رساله خواجویی. نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس (فهرست ۹ / ۳۲۲ - ۳۲۶ . فهرست نویس محترم به تفصیل گزارش آن را آورده) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۴، ش ۲۰۶۲

۲۳- نوروزیه، غیاث الدین ادیب کاشانی، معاصر ناصرالدین شاه قاجار. در

این رساله اقوال پیشینیان آمده و بررسی شده است. نسخه ای از آن در کتابخانه ملی (فهرست ۱ / ۳۹۹) موجود است. ذریعه ۲۴ / ۳۸۴، ش ۲۰۶۰

در فهرست نسخه های خطی فارسی ۱ / ۳۶۷ چندین رساله نوروزیه که مؤلف آنها ناشناخته است، معرفی شده است.

گزارش رساله آقارضی قزوینی

از رساله های نورزیه کوتاه این دوره که مورد انتقاد برخی قرار گرفته، رساله نوروزیه آقارضی قزوینی است که آن را در سال ۱۰۶۲ هجری نگاشته است. عقیده وی آن است که نوروز در روایات، به هیچ یک از اقوالی که در باب تعیین نوروز گفته شده قابل تطبیق نیست. عجیب آن که وی به هر روی راه حل صریحی به دست نداده است. در اینجا مهمترین بخش رساله را که به طور عمده در انکار تطبیق نوروز رایج با نوروز یاد شده در روایات است می آوریم.

آقارضی ابتدا حدیث معلی بن خنیس را، آن گونه که شیخ آورده نقل کرده؛ آنگاه با نقل روایت مربوط به دعای یا محول الحول و الاحوال، و یاد از این نکته که در جای معتبری آن را ندیده، می نویسد: با اشاره به استحباب اعمال مذکوره در نوروز و این که این اعمال موقته است و در امثال این عبادات اگر التزام وقت خاص نشود و در اوقات دیگر به عمل آید بدعت باشد می افزاید: «بنابر این تعبد به این عمل مکلفی تواند که لااقل ظنی به تعیین وقت مذکور تحصیل کرده باشد و تحصیل این ظن لامحاله از امارات شرعیه و عرفیه تواند بود. و چون در عرف به اعتبار اختلاف اصطلاحات حسابیه، نوروز متعدد است، چنانکه بعضی از آن بعد از این مذکور می گردد،

و اشـهریه بعضی به بعضی ازمنه اماره نمی شود و در ظاهر قرآن چیزی در این باب نیست، اماره آن از روایات و اخبار تتبع باید نمود.» وی آنگاه نقلی را که ابن فهد در المهذب آورده و ضـمن آن به تطبیق روز غدیر با نوروز و همینطور روز شکسـتن بتها با آن شده آورده و در پایان ترجمه آن نقل می نویسد: «روز اول سال فرس که صـریح خاتمه حدیث است، چنانکه با اماره ای که در صدر حدیث مذکور است موافق باشد، صعوبتی تمام دارد و وجهش عن قریب ظاهر خواهد شد.»

پس از آن سـخن ابن ادریس را در تعیین روز نوروز آورده که گفته است این روز همان دهم ماه ایار رومی است. آقارضـی به تفصـیل در نادرستی این نظر سـخن می گوید. وی می نویسد: و آنچه از بعضـی از محصـلین نقل کرده، اگر مراد این باشد که نوروز عبـارت از روز دهم ایـار است ظـاهر البطلاـن است چه اطلاق لفظ نوروز بر آن به هیـچ اصـطلاح متعارف نیست. و اگر مطلب این باشد که در سالی از سالها مطابق دهم ایار بوده کلام بی فائده است. و اگر مراد این باشد که همیشه مطابق دهم ایار است این نیز باطـل است. و تفصـیل بیـان آن که اهـل فرس به اتفـاق علمـای هیئت و حسـاب، تـا ظهـور جلاـل الـدین ملکشـاه سلجوقی در سـال شمسـی دو اصـطلاح داشـته انـد. اول اصـطلاح قـدیم که مبـدا آن از زمان حمشـید بوده و بناء حساب آن بر رصـدی موافق رصد ابرخس است که مدت یک دوره شـمس را به حرکت خاصه ۳۶۵ روز و ربعی یـافته و طریق آن بوده که هر

سال از ۱۱۹ سال را ۳۶۵ روز گیرند و در سال ۱۲۰ به جهت کبیسه و اصلاح ربع، یک ماه افزایند که آن سال ۳۹۵ روز شود. و نقل کرده اند که جلوس هر پادشاهی در هر وقت که اتفاق افتادی، مبدا ساختندی و به تتمه سابق نپرداختندی و ضبط سال به این اصطلاح در زمان ما بلکه از زمان یزدجرد متروک است. دیگر اصطلاح جدید که الیوم به تاریخ قدیم مشهور است و در تقاویم ضبط می کنند و مبدا آن از جلوس یزدجرد شهریار است که در ربیع الاول احدی عشر من الهجره بوده است و هر سال ایشان ۳۶۵ روز است بی زیاده و نقصان و دست از اصطلاح کسر بالکلیه برداشتند و لهذا اول سال ایشان در جمیع فصول اتفاق می افتد و در عهد سلطان ملکشاه بناء حساب سال را بر رصد بطلیموس ... که سال شمسی را ۳۶۵ روز و پنج ساعت و نیم و کسری یافته اند نهادند و روز جمعه دهم رمضان سنه ۴۷۱ که شمس قبل از وصول به نصف النهار از حوت نقل به حمل کرده بود اول فروردین ماه و روز نوروز نامیدند. و به سبب اعتبار که در هر سال نوروز از دایر بودن در فصول یا اجزای آن چنانچه از اصطلاحین سابقین لازم می آید ضبط کردند و اشهر اصطلاحات نوروز در زمان ما این است اما هیچ یک از این اصطلاحات ثلاثه با حساب روم موافق نیست، چه اصطلاح روم که ابتدای آن از عهد اسکندر است یا دوازده سال بعد آن، اگرچه در این معنی که نزد ایشان رصد ابرخس معتبر است با اصطلاحین اولین موافق است اما در طریق

اصلاح کسر با هیچ یک موافقت ندارد، چه در طریق ایشان، چنانکه الحال نیز مشهور است و منجمان در تقاویم ضبط می کنند هر سال را ۳۶۵ گیرند تا سه سال و سال چهارم را ۳۶۶. پس تعیین نوروز فرس با یکی از ایام مشهور سال رومی که مخالف جمیع اصطلاحات فرس است خطا باشد.

و قطع نظر از این مخالفت با آنچه در صدر حدیث سابق مذکور شد که در این روز پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم عهد گرفت به غدیر خم جهت امیرالمؤمنین(ع) از روی حساب درست نمی آید بیانش آن که از تاریخ هیجدهم ذی الحجه الحرام سال دهم از هجرت که به اتفاق نص غدیر خم در آن روز واقع شده تا هیجدهم ذی الحجه سال ۱۰۶۲ ، ۱۰۵۲ سال قمری است و هر سال قمری به اتفاق عبارت است از ۳۵۴ روز و کسری و این کسر به اتفاق، در هر سی سال، ۱۱ روز می شود بی زیاده و نقصان. بنابر این به قواعد حسابیه مدت مذکوره ۳۷۲۷۹۴ روز است و چون این عدد بر عدد ایام سال شمسی به اصطلاح روم که ۳۶۵ روز و ربعی است قسمت کنیم، خارج قسمت ۱۰۲۰ سال رومی و ۳۹ روز می شود. پس اگر روز غدیر حجه الوداع دهم ایار ماه بودی، در سال ۱۰۶۲ بایستی دهم ایار ماه رومی، در پانزدهم شهر ربیع الثانی باشد و حال آن که در این سال، در اواسط شهر جمادی الاـخره است. و اگر بالفرض مطابق نیز بودی، بیش از این لازم نیامدی که نوروز فرس در حجهالوداع، چنانکه مطابق ۱۸ ذی الحجه عربی بوده با دهم ایار ماه رومی نیز

موافق افتاده و از این موافقت لازم نیاید که نوروز فرس را همیشه آن روز اعتبار کنند و این معنا بسیار ظاهر است.

و از این حساب معلوم توان نمود که نوروز فرس مطابق نوروز جلالی که در میان ما معروف است نیست، چه سال جلالی از سال رومی بنابر ارصاد معتبره در مدت مذکوره قریب به هشت روز ناقص است. پس اگر هیجدهم ذی الحجه با نوروز فرس به این اصطلاح مطابق بودی، بایستی که در این سال نوروز جلالی در هفتم ربیع الثانی باشد و حال آن که در نهم شهر مذکور است. با آن که قطع نظر از حساب مذکور، معلوم است که حدوث این اصطلاح به چند قرن بعد از زمان حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام بوده. پس چون تواند بود که بنای احکامی که از ایشان مروی است بر این اصطلاح باشد؟

و از این بیان روشن می شود که نوروز فرس مذکور، مطابق نوروز یزدجردی نیز نیست، چه حدوث آن چنانکه مذکور شد، قریب به سه ماه بعد از غدیر حجه الوداع است و قطع نظر از آن، حساب مذکور مبطل آن است، چه هر گاه عدد ایام مذکوره را بر سال یزدجری که ۳۶۵ روز است قسمت کنند، خارج قسمت ۱۰۲۱ سال و ۱۲۹ روز باشد، پس اگر غدیر حجهالوداع با نوروز یزدجردی موافق بودی، بایستی که نوروز مذکور در سال ۱۰۶۲ بر ۱۸ ذی حجه این سال، به ۱۲۹ نوروز مقدم بودی، یعنی در نهم شعبان اتفاق افتادی و حال آن که در این سال، اول فروردین ماه ایشان که به نوروز کبرا اشتهار دارد، مطابق دهم

ذی القعده الحرام و اول آذرماه ایشان که بعد از خمسه آبان است و اعتبار اول سال در این نیز احتمالی هست در نهم رجب واقع است. پس هیچکدام نوروزمعتبرشرعی که به نص حدیث مطابق روزغدیر حجهالوداع بوده باشد، نباشد.

اما نوروز جمشیدی، چنان که مذکور شد در زمان ما بکه از زمان یزدجرد مضبوط نیست و ماههای کبیسه آن مجهول است. لیکن این قدر معلوم است که تفاوت آن از سال رومی، اگر مبدا یکی باشد، هرگز زیاده از یک ماه نشود و این قدر در تعیین آن در زمان ما کافی نیست. و العلم عندالله. [۶۵]

گزارش رساله خواجویی

محمد اسماعیل خواجویی (متوفای ۱۱۷۳) از علمای بعد از فتنه افغان است که رساله های فراوانی در زمینه های مختلف علوم اسلامی دارد. [۶۶] یکی از رساله های وی شرحی است که وی در باب مساله نوروزیه نگاشته و نگاه وی به طور عمده به رساله شخص دیگری است با نام محمد بن مسعود. [۶۷] عقیده وی در این باب آن است که نوروز مذکور در روایات با اولین روز آبان که نوروز قدیم فرس بوده تطبیق می کند.

وی در آغاز رساله خود می نویسد:« و در تعیین روز نوروز شرعی میان اهل شرع خلاف بود، بعض اصحاب کیاست و زکی از این شکسته بی دست و پا العبد الجانی محمدبن الحسین المشتهر باسماعیل المازندرانی عفی عنه التماس نموده و استدعا فرموده که اشاره اجمالیه به اختلاف فقها و مختار علما در باب نوروزفیروز نموده، اشاره فی الجمله به مختار خویش نیز نماید». نوشته وی، همانگونه که در آغاز آورده ناظر به رساله محمد بن مسعود است.

در ادامه آمده: «فقیر گوید: صاحب رساله (همان محمد

بن مسعود) گفت که چون این معلوم شد گوییم: روز نوروز روزی است که در اول آن روز یا قبل از نصف النهار آن روز یا در نصف النهار و بعد از نصف النهار پیش از آن روز به واسطه آفتاب به نقطه اول نزول کند. فقیر بی بضاعت گوید: مشهور بین المنجمین آن است که اگر تحویل جرم آفتاب از آخر حوت به اول حمل قبل از زوال واقع شود آن روز روز نوروز است، و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگر نوروز است.» از نظر وی، در تعیین روز نوروز، ملاک همان عرف است زیرا:« پس اهل شرع نوروز روزی را گویند که اهل عرف آن روز را نوروز گویند نه اول روز که آفتاب در تمام آن روز به حمل انتقال کرده باشد.»

پس از آن در تعیین روز نوروز به نقل صاحب رساله، روایت معلی بن خنیس را که به دو صورت در مصادر آمده نقل کرده آنگاه می افزاید: «فقیر بی بضاعت گوید: به حسب ظاهر میان این حدیث و حدیث سابق تناقض است، چه در حدیث سابق مذکور است که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در روز نوروز امیر المؤمنین علیه السلام را به دوش مبارک برداشته تا بتان قریش را از فوق کعبه به زیر انداخته شکست و فانی ساخت، و این بلا شبهه در سال فتح مکه معظمه بود، چنانچه اخبار بسیار از طرق خاصه و عامه دلالت بر این دارد.... و فتح مکه معظمه در ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت واقع شد، چنان که شیخ مفید و شیخ طبرسی و ابن شهر آشوب و دیگران روایت کرده اند، و احادیث معتبره بر

این دلالت کرده است، و اکثر بر آنند که در روز سیزدهم ماه بوده، و بعضی بیستم هم گفته اند، و حرکت حضرت از مدینه در روز جمعه دوم ماه مبارک رمضان بعد از نماز عصر بوده، و روز غدیرخم در سال دهم هجرت در حجه الوداع در روز هجدهم ذی الحجه الحرام بود. پس چگونه تواند بود که هر دو در روز نوروز باشد، چه نوروز از قرار حساب گذشته بعد از شش هفت سال از فتح مکه معظمه بلکه بیشتر به ذی الحجه خواهد رسید نه بعد از یک سال، چنانچه مقتضای این دو حدیث است.»

وی ادامه می دهد:« و چون هر دو به یک طریق از معلی منقول است ... پس ترجیح احدهما بر دیگری من حیث السند متصور نیست، و بنابر این مضمون هیچ یک حجت نخواهد بود، و بر آن اعتماد نشاید کرد، و به او استدلال نتوان نمود، چه تناقض در کلام معصومین غیر واقع است. پس از اینجا فهمیده می شود که این دو حدیث کلاهما او احدهما از معصوم متلقی نگردیده، و چون از او نباشد حجیت را نشاید و سند شرعی نتواند بود، فافهمه. و عجب است آنکه صاحب رساله و عالی حضرت مستدل شیخ ابن فهد و سائر علمای سلف رحمهم الله در این مدت متمادی که قریب به هزار و صد سال است، یعنی از زمان ورود حدیث الی زماننا هذا متفطن به آنچه گفتیم نشده اند. و از این حدیث استدلال بر تعیین روز نوروز شرعی نموده اند و فرموده اند که آن روزی است که آفتاب به اول حمل رفته باشد چنانچه خواهد رسید مع ما فیه.»

خواجویی ادامه

می دهـد: «حقیر بی بضاعت گویـد: پوشـیده نیست که کلام معلی (بن خنیس) که این قدر می دانم که عجم این روز را تعظیم می کننـد و مبـارک می داننـد، و قـول حضـرت صـادق - علیه السـلام - که این روز را اهـل فرس ضـبط کرده انـد، و قول آن حضـرت که روز نوروز اول سال فارسیان است چنانچه خواهد رسید، دلالت بر آن کند که این روز غیر نوروزی بوده است که منسوب به سـلطان جلال الدین ملك شاه. چه این نوروز در بلاد و لغات اعاجم آن زمان و مکان شایع و معروف نبوده است، و ایشـان ضـبط آن نکرده بوده انـد، و اول سـال ایشـان نبوده است، بلکه بعـد از مـدتهای متمـادی به وضع گماشـته گان سـلطان حـدوث یـافته، و به مرور شـهور و دهور ذایع و شـایع شـد. و آنچه در میـان اعـاجم آن زمـان مشـهور و معروف بوده اول سـال فارسـیان بوده، چنانچه حضـرت صادق - علیه السـلام - در آخر حدیث معلی اشاره به آن خواهد فرمود، و اول سال ایشان اول جلوس یزدجردبن شـهریار بود که اول فروردین ماه قدیم است نه جلالی، و آن روزی است که آفتاب به اول عقرب رفته باشد. و ظاهرا صاحب رساله و احمدبن فهد حلی و محمد صالح الحسینی (خاتون آبادی) اول سال فارسی را عبارت از اول حمل که مبدء سال تاریخ ملکی است گرفته اند، و این به غایت بعید بل اشتباه شدید است.»

خواجویی این نظر را پـذیرفته است که نوروز موجود در روایـات، اولین روز سـال فرس قـدیم است که در اصـل ابتـدای حلول خورشید به برج عقرب یعنی آبان ماه می باشد. وی می نویسد: «پوشیده نیست که کلام شیخ

شهید – رحمه الله – صریح است در این که اول سال فارسیان که روز نوروز است نزد ایشان چنانچه حدیث معلی ناطق است بر آن غیر نوروز سلطانی است که در آن روز آفتاب به اول حمل نزول می کند، و در کلام امام علیه السلام تصریح است به این که روز نوروز اول سال فارسیان است .. چه این عید از اعیاد قدیمه متداوله میان عجم است در بلاد ایشان، چنانچه از کلام معلی که این قدر می دانم که عجم تعظیم این روز می کنند و آن را مبارک می دانند، و از قول امام به حق ناطق جعفربن محمد صادق علیها السلام که این روز از قدیم الایام مکرم و محترم بوده مستفاد می شود ... به خلاف وضع تاریخ ملکی و نوروز سلطانی که مسبوق است به چهار صد و پنجاه و کسری تقریبا بر ورود این اخبار، پس ورود این بر وفق آن به غایت بعید است. ... و سابقا مذکور ساختیم که آخوند فیض در رساله مذکوره آورده که روز نوروز نزد فارسیان اول فروردین ماه قدیم است که اول عقرب باشد، و گفته که این است مختار صاحب انواء و مشهور میان فقهای عجم در بلاد ایشان.

وی سپس به نقد آنچه ابن فهد در تایید مطابقت نوروز در روایات با نوروز به معنای آغاز بهار گفته، پرداخته است. وی در باره استدلال ابن فهد به عرف می نویسد: «شهرت این تاریخ و عرف این اصطلاح در میان مردم در زمان عالی حضرت مستدل و ما بعد آن الی هذه الاوان مسلم است و لکن مفید مطلوب نیست، بلکه باید که این عرف قبل از ورود شرع، یا

در وقت ورود آن مشهور و معروف باشد تا احکام شرعیه از عبادات و ادعیه بر وفق آن وارد تواند شد. چه متابعت شرع عرفی را که بعد از آن به چهار صد و پنجاه و کسری تخمینا حادث و بعد از حدوث به مدتهای متمادی به مرور شهور و دهور ذایع و شایع شود بی معنی است. و چون تواند بود که شارع گوید که روزه مثلا- در روز نوروز سنت است و اهل شرع آن زمان و مکان ندانند که مراد وی از نوروز چه روزاست». دلیل دیگر ابن فهد آن بود که «از امام علیه السلام منقول است که روز نوروز بعینه روز غدیرخم است، و روز غدیر در سال دهم هجرت بوده، و حساب کرده اند موافق اول نزول آفتاب به حمل بوده در نوزدهم ذی حجه به حساب تقویم و هلال را در مکه در شب سی ام ندیده بودند و در روز هجدهم ذی الحجه بود به رؤیت.» وی این دلیل را نیز نمی پذیرد زیرا که «سابقا دانسته شد که بین الحدیثین تناقض است، و تناقض در کلام معصوم روا نیست، دانسته شد که استدلال بهما قبل رفع التناقض بینهما غیر صحیح است، بلکه بر مستدل لازم است که اول رفع تناقض نماید تا استدلال او صحیح و کلام او مقبول شود.» وی محاسبه ابن فهد را هم نپذیرفته و می افزاید: «مؤید آنچه گفته شد این است که از راویان حدیث غدیر که در روز غدیرخم در غدیر حاضر و ناظر بوده اند منقول است که آن روز به غایت گرم و با حرارت بوده است. و معلوم است که در اول نزول آفتاب به

حمل با وصف سابقه دست برد برد العجوز اگر هوا در جحفه و ما بین الحرمین در فصل نوروز سلطانی در غایت اعتدال نباشد به غایت گرم نخواهد بود، چنان که از حضار غدیرخم مروی است.»

وی دلایل دیگر ابن فهد را نیز رد کرده و در نهایت از روی احتیاط می نویسد:« چون فهمیده شد که این مساله خلافی است و دلائل هیچ یک افاده یقین بل ظن به خصوص روزی نمی کند، پس احوط آن است که اعمال روز نوروز در این دو روز که روز نزول آفتاب به اول حمل و اول عقرب باشد کرده شود، چه از اصحاب سائر مذاهب دلیل اقناعی هم به نظر نرسید. ولکن قول شیخ شهید علیه الرحمه که نوروز اول سال فرس است یا حلول آفتاب در برج حمل یا دهم ایار یاد از آن می دهد که او در تعیین روز نوروز مردد است میان این سه روز، پس اگر اعمال نوروز در دهم ایار ماه رومی هم کرده شود بهتر خواهد بود».

وی در نهایت با تمسک به تسامح در ادله سنن، چنین حکم می دهد که «پس کردن این اعمال در این روز خالی از اجر نخواهد بود.»

فصل بعدی وی در بیان برخی از اعمال روز نوروز است که در روایت وارد شده است. یک روایت که در مباحث گذشته از آن یاد نشد چنین است: « و نقل کرده اند که هر که در این روز سیصد و شصت بار آیه الکرسی را تا و هو العلی العظیم بخواند بعد از آن سیصد و شصت بار بگوید: اللهم هذه سنه جدیده و انت ملک قدیم اسالک خیرها و خیر ما فیها، و اعوذ

بک من شرها و من شر ما فیها، و استکفیک مؤونتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام، تا آخر سال از جمیع بلاها و آفتها محفوظ باشد.»

و روایت دیگری که پیش از این گذشت چنین است که «و از سیدنا امیر المؤمنین سلام الله علیه مروی است که هر که این هفت آیه مشتمله بر هفت سلام را در روز نوروز بر کاسه چینی به مشک و زعفران بنویسد و به گلاب بشوید، هر که از آن آب بخورد تا سال دیگر هیچ المی و دردی به وی نرسد، و اگر گزنده ای وی را گزد زهر بر او کار نکند به قدره الله تعالی: سلام علی نوح فی العالمین، سلام قولا من رب الرحیم، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یس، سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین، سلام هی حتی مطلع الفجر.

و در پایان نیز می نویسد: «و چون سائر ادعیه و اعمال شرعیه روز نوروز که در کتب اصحاب نقل شده سندی که فی الجمله اعتمادی بر آن باشد ندارد، لهذا به همین قدر اکتفا نمود و بالله التوفیق.

پی نوشت ها

[۱]. فهرستی از آنها را ابوریحان در آثارالباقیه (ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳) از منابع زردشتی آورده است. ر، ک: صص ۳۲۵ – ۳۳۳.

[۲]. مجموع آنچه گذشت، از مقالات تقی زاده (گاه شماری در ایران» ، ج ۱۰، صص ۳ – ۶، (به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۷) مقاله همو تحت عنوان نوروز در مجله یادگار سال چهارم، ش ۷، و مدخل نوروز در لغتنامه دهخدا گرفته شده است. در باره اختلاف در اینکه نوروز سلطانی در

سال ۴۶۷ بوده یا ۴۷۱ نک : مقالات، ج ۱۰، ص ۱۶۸ پاورقی. توضیحات محیط طباطبائی در باره سیر تقویم در ایران نیز قابل توجه است. وی مشکل سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ ، مساله افزودن پنج روزه زائده را به آخر آبان و اسفند را نیز حل کرده است. نک : تاریخ تحولات تقویمی در ایران از نظر نجومی، میراث جاویدان، شماره ۱۴ – ۱۵، صص ۱۰۱ – ۱۰۸.

[۳]. مقالات تقی زاده، ج ۱۰ «گاه شماری در ایران قدیم»، فصل پنجم، ص ۱۵۳ به بعد.

[۴]. متن تصویبنامه مجلس شورای ملی را که در شب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی انجام شده و اسناد دیگر در این باره را ببینید در: پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی، محمدرضا صیاد، مجله میراث جاویدان، ش ۱۴ ، ۱۵ ، صص ۱۹ – ۱۱۸

[۵]. رجال النجاشی، ص ۴۲۸

[۶]. الفهرست، ابن الندیم، ص ۱۹۰.

[۷]. الکافی، ج ۵، ص ۱۴۱ ؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰ ؛ التهذیب، ج ۶، ص ۳۷۸.

[۸]. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳ ، ص ۳۰۰.

[۹]. همان.

[۱۰]. الفهرست ابن الندیم، ص ۲۵۶ ؛ الانساب، ج ۳، ص ۳۷.

[۱۱]. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶.

[۱۲]. التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۱.

[۱۳]. عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۵۵۰.

[۱۴]. این استقصاء بر اساس کار رایانه ای است که ضمن آن همه آثار صدوق در برنامه ای توسط مرکز کامپیوتری علوم اسلامی قابل جستجو است.

[۱۵]. این جستجو نیز بر همان اساسی است که در پاورقی پیشین گذشت.

[۱۶]. عید مهرگان، روز شانزده هم مهرماه برگزار می شده است.

ر، ك: آثار الباقيه، ص ۳۳۷.

[۱۷]. مصباح المتهجد، ص ۵۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۰۱؛ وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۳۴۶.

[۱۸]. السرائر، ج ۱، ص ۳۱۵.

[۱۹]. ذخيره الاخره، ص ۱۵۲.

[۲۰]. نزهه الزاهد، ۲۸۵.

[۲۱]. مستدرك الوسائل ، ج ۶، ص ۱۵۲ از لب اللباب.

[۲۲]. ديوان السيد ضياءالدين ابوالرضا فضل الله راوندى (تصحيح محدث ارموى، تهران، ۱۳۷۴ ق)، ص ۶۵ و شعرى ديگر در ۱۳۱، و نيز در ص ۱۹۶.

[۲۳]. مناقب ابن شهرآشوب، ج ۲ ص ۳۷۹؛ مسند الامام كاظم عليه السلام، ج ۱ صص ۵۲ - ۵۱.

[۲۴]. جواهر الكلام، ج ۵، ص ۴۰.

[۲۵]. تاريخ الطبرى، ج ۹، ص ۲۱۸ (حوادث سال ۲۴۵).

[۲۶]. همانجا، ج ۱۰، ص ۳۹.

[۲۷]. همانجا، ج ۱۱، ص ۲۰۳ (حوادث سال ۳۰۱).

[۲۸]. تاريخ اليعقوبى، ج ۲، ص ۳۰۶.

[۲۹]. همانجا، ج ۲، ص ۳۰۶.

[۳۰]. تاريخ الطبرى، ج ۶، ص ۶۵۹ (حوادث سال ۱۰۱).

[۳۱]. تاريخ يعقوبى، ج ۲، ص ۳۱۳.

[۳۲]. تاريخ الطبرى، ج ۷، ص ۲۷۷.

[۳۳]. همانجا، ج ۹، ص ۱۸۴ (حوادث سال ۲۳۶).

[۳۴]. مقالات تقى زاده، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

[۳۵]. تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۳۹.

[۳۶]. همانجا، ج ۱۰، ص ۵۳.

[۳۷]. الخطط المقریزیه، ج ۱، ص ۲۶۸.

[۳۸]. همانجا، صص ۲۶۸ - ۲۶۹.

[۳۹]. همانجا، ص ۲۶۹.

[۴۰]. ر.ک: مقالات تقی زاده، ج ۱۰، ص ۱۵۳.

[۴۱]. بدائع الصنایع، ج ۲، ص ۷۹.

[۴۲]. المغنی، ج ۳، ص ۹۹.

[۴۳]. در اصل باید گفت درست آن، آن است که اول سال فرس، اول برج عقرب یا آبان ماه بوده است.

[۴۴]. تـاکنون بر مـا روشن نشـده که این کتـاب که در بـاره دانش نجوم بوده، از کیست. دهها کتاب با این نام در فهرست ابن ندیم شناسانده شده است. محتمل است که مقصود کتاب الانواء احمد بن عبدالله ثقفی (م ۳۱۹) باشد.

[۴۵]. المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۱، صص ۱۹۱ – ۱۹۳ (چاپ انتشارات اسلامی، قم ۱۴۱۴.

[۴۶]. المهذب، ج ۱، صص ۱۹۴ – ۱۹۵.

[۴۷]. المهذب، ج ۱، صص ۱۹۵ – ۱۹۶.

[۴۸]. المهذب، ج ۱، ص ۱۹۶.

[۴۹]. مجمع الرجال، قهپائی، ج ۶، ص ۱۱۰.

[۵۰]. تاریخ الطبری، ج ۱۰، ص ۲۶.

[۵۱]. آثار الباقیه، ص ۳۵۷.

[۵۲]. الخطـط المقریزیه، ج ۱، ص ۲۶۸ ؛ آثـار الباقیه، ص ۳۲۵. متن حـدیث را بیرونی چنین آورده: نقـل شـده که در نـوروز جامی سـیمین که پر از حلوا بود، برای پیغمبر(ص) به هـدیه آوردنـد و آن حضـرت پرسـید که این چیست؟ گفتنـد: امروز روز نوروز است. پرسـید که، نوروز چیست؟ گفتنـد: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسـکره را زنـده کرد. پرسـیدند: عسـکره چیست؟ فرمود: عسـکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سـر به بیابان نهادنـد و خداوند به آنان فت بمیرید و مردند. سـپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که به آنان ببارد. از این روست که پاشـیدن آب در این روز رسم شده. سـپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصـحاب خود قسـمت کرده و گفت: کاش هر روزی برای ما نوروز بود.

[۵۳]. سفرنامه اولئاریوس، (ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، ۱۳۶۹)

ج ۲، ص ۶۹۰.

[۵۴]. سفرنامه اولئاریوس، ج ۲، ص ۴۶۶.

[۵۵]. سفرنامه تاورنیه، (ترجمه ابوتراب نوری، تهران، سنایی، ۱۳۳۶) ص ۶۳۵.

[۵۶]. ذریعه ج ۲۳ ، صص ۲۷۵ - ۲۷۶.

[۵۷]. فهرست کتابخانه مجلس، ج ۱۰، ص ۱۷۳۷. به احتمال قوی این رساله از محمدباقر بن اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۱۲۷) باید باشد.

[۵۸]. ریاض العلماء ، ج ۱، ص ۶.

[۵۹]. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۹۱ - ۱۰۰.

[۶۰]. همانجا، ج ۵۹، صص ۱۰۱ - ۱۰۵.

[۶۱]. همانجا، ص ۱۰۷.

[۶۲]. همانجا، ص ۱۱.

[۶۳]. مرحوم شیخ عباس قمی هم آن را به نقل از «کتب غیرمشهوره» آورده و صورت دیگر آن را یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال یاد کرده است.

[۶۴]. ذریعه، ج ۲۴، ص ۲۰۹، ش ۱۰۸۷.

[۶۵]. نوروزیه آقارضی، نسخه خطی شماره ۸۷۵۵ کتابخانه مرعشی، برگهای ۴۸ - ۵۱.

[۶۶]. مجموعه ای از رساله های وی را آقای سیدمهدی رجایی چاپ کرده اند.

[۶۷]. این رساله به کوشش سیدمهدی رجایی در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم به چاپ رسیده است.

عید نوروز

نویسنده

مرتضی عبدالهی

ماهنامه کوثر

ارزشها و ضد ارزشهای

نوروز روز نو، روز تازه و روز جدیـدی است اول فروردین، روز نو سال جدید آغاز می گردد و کهنگی سال قبل که با سـرما، خسـتگی و تکرار کارها و روزها همراه بوده، با نوروز به روز نو و سال جدیـد که طراوت طبیعت آن را ترو تازه ساخته تبـدیل می گردد. این روز برای بسیاری از ملتها روز عید محسوب می شود. عید به معنی بازگشت است که از ریشه «عود» گرفته شده است.

به گفته راغب اصفهانی [۱] عید به معنای بازگشت به وضـعیت مطلوب گذشـته است و به روزهای سرور و شادی نیز گفته می شود.

عید یکی از بزرگترین و مهیج ترین مظاهر حیات اجتماعی یک ملت است.

با ما باشید تا پیرامون عید بیشتر بدانید.

اعیاد چهار نوع است

اول، اعیاد دینی مانند عید فطر و عید قربان که مسلمانان جهان این روزها را عید می گیرند.

دوم، اعیاد مذهبی مانند عید غدیر و عید نیمه شعبان که شیعیان جشن می گیرند.

سوم، اعیاد ملی مانند روز آزادی و استقلال برخی از ملتها از چنگ استعمار.

چهارم، عید طبیعی و تکوینی مانند عید نوروز که در آغاز بهار و سال نو مطرح می شود.

در اسـلام روزهایی به عنوان عیـد اعلام گردیـده است که مهمترین آنها عبارتنـد از: اول شوال (عیـد فطر)، دهم ذیالحجه (عید قربـان)، هیجـدهم ذی الحجه (عیـد غـدیر)، بیست و هفت رجب (روز مبعث) و جمعه و تمـام این روزهـا به نوعی بـازگشت به خویشتن و احساس مسوولیت و به انگیزه تحول و انقلاب درونی است نه صرف شادی و شادمانی.

بنابراین عید نه جامه رنگارنگ پوشیدن است که این عید کودکان است. نه شربت و شیرینی و غذاهای

متنوع خوردن است که این عید شکمبارگان است. نه به سیاحت و تفرج بی محتوی پرداختن است که این عید ولگردان است. نه بی بندوباری و هرزگی و عیاشی کردن است که این عید بوالهوسان است. نه قاه قاه خندیدن و همدیگر را به مسخره گرفتن است که این عید غافلان است و نه سبزه رویاندن و سفره هفت سین چیدن و آتش بازی کردن است که این عید خرافه پرستان است.

هیچ کدام از اینها مفهوم عید از دیدگاه اسلام نیست که عید اسلامی برای موفقیت در راه انجام وظیفه و تطهیر نفس و تصفیه جان از ناپاکیها و تمرین صبر و استقامت و شکستن غرور و خودخواهی است.

و اگر بخواهیم عید نوروز برای ما یک عید واقعی باشد باید به ارزشهای اسلامی این عید که در سایه تعالیم اسلامی رنگ دینی پیدا کرده توجه نموده و از ضد ارزشهای عید که احیای ارزشهای جاهلی و از سنتهای دوران آتش پرستی است دوری نماییم در این جا مروری داریم به ارزشها و ضد ارزشهای عید نوروز.

نظافت و خانه تکانی

از ارزشهای عید نوروز نظافت و خانه تکانی است که مردم قبل از رسیدن سال نو تحولی در زندگی خود ایجاد می کنند و با خرید لباس نو تغییر ظواهر زندگی نشاط خاصی را به زندگی خود می دهند.

غسل عید

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: در نوروز غسل کن و تمیزترین لباسهای خود را بپوش و به بهترین عطر خود را خوشبو کن و این روز را روزه بگیر. [۲]

و به استناد این دستور بسیاری از فقها همچون: مرحوم نائینی، صاحب جواهر، آیت الله حکیم و امام خمینی(ره) غسل روز عید نوروز را به عنوان یک تکلیف مستحبی و یک دستور اخلاقی و بهداشتی مورد توصیه قرار داده اند. [۳]

نماز عید

شیخ طوسی(ره) فرموده است: نماز ظهر و عصر روز نوروز را که خواندی چهار رکعت نماز با دو سلام (دو رکعت دو رکعت) می خوانی رکعت اول پس از حمد ده بار سوره «قدر» رکعت دوم پس از حمد ده بار سوره «کافرون» رکعت سوم پس از حمد ده بار سوره «توحید» رکعت چهارم پس از حمد ده بار سوره «ناس» و «فلق» (معوذتین). و در پایان نماز سجده شکر بجاآور و در آن دعاکن تا خداوند گناهان ۵۰ ساله ات را ببخشد. [۴]

نظافت و لباس تمیز

نظافت و رعایت بهداشت و نیز پوشیدن لباس تمیز و استفاده از عطر و بوی خوش در صورت امکان از وظایف اخلاقی و اجتماعی نوروز است. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «و البس انظف ثیابك و تطیب باطیب طیبك». [۵]

تمیزترین لباست را بپوش و با بهترین عطرت خود را خوشبوی ساز.

دید و باز دید

یکی از ارزشهای عید نوروز دیدوبازدید از بستگان، دوستان، همسایگان و بزرگان شهر و روستااست و دیدار جمعی از مصیبت دیدگان در سال گذشته.

در این دیدوبازدیدها از غمها و مشکلات یکدیگر آشنا می شوند. چه بسیار کدورتهایی که در این ایام با نگاهی دوباره فرو می ریزد و به عشق و محبت مبدل می گردد و به قول حافظ:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بارآرد نهال دشمنی برکن که رنج بی شمارآرد

در این رابطه امام خمینی(ره) در یک سفارشی می فرمودند: در ایام نوروز به مریضخانه ها بروید و احوال اینها را بپرسید. [۶]

هدیه و عیدی

هدیه و عیدی دادن از رسوم معمول عیدهاست و در میان مردم معمول بوده است. در روایتی آمده است که شخصی هدیه ای برای امام علی(ع) آورد و عرض کرد: این هدیه به مناسبت نوروز است. حضرت فرمود: «نیروزناکل یوم»؛ هر روز برای ما نوروز و روز نوی است.

ای خواجه چه جویی زشب قدر نشانی هرشب شب قدر است اگر قدر بدانی

آقای رحیمیان در کتاب سایه آفتاب می نویسد: در روز عید نوروز به خدمت امام خمینی(ره) رسیدیم. حضرت امام با نشاطتر از روزهای گذشته و متبسم و با قبای نو وارد شدند و به افراد حاضر چندبار «مبارک باشد.» گفتند. سپس خودشان سراغ سکه های یک ریالی را گرفتند و در کف دست قرار دادند. افراد حاضر نیز بعد از دست بوسی هر کدام چند عدد برداشتند. مشابه این برنامه در نوروز سالهای دیگر نیز تکرار می شد. [۷]

منتهی در این باب می بایست از افراط و تفریط و اجحاف و تکلف خودداری شود و شرایط اقتصادی افراد و

جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد. [۸]

توجه به قرآن

حضور قرآن به صورت ثابت و گسترده در آداب اجتماعی نوروز به گونه ای که قرآن این کتاب آسمانی مسلمانان، امروز جزو یکی از ارکان سفره عید است و نیز قرائت قرآن و بوسیدن آن در ساعات تحویل سال از جمله آداب سال تحویل است.

دعا

برای روز اول سال، دعا و درخواست خیر وبرکت، موفقیت و سعادت و بالاخره تقاضای تعالی و رشد فضایل انسانی از جمله آداب این روز مقرر گردیده است.

علامه مجلسی(ره) خواندن این دعا را در نوروز مناسب دانسته است:

«اللهم هذه سنه جدیده و انت ملک قدیم اسإلک خیرها و خیرمافیها و اعوذبک من شرها و شرمافیها و استلفیک موونتها و شغلها یا ذالجلال و الاکرام.»

بارالها! این سال جدید است و تو خدایی ازلی و قدیم هستی. خیر این سال و خیر آنچه را در این سال پیش می آید، از تو خواستارم و از شر این سال و شرآنچه در این سال پیش خواهد آمد، به تو پناه می برم...

محدث قمی رضوان الله علیه برای هنگام تحویل و لحظه حلول سال جدید این دعا را از برخی بزرگان نقل کرده است:

«یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال». [۹]

روزه گرفتن

روزه گرفتن در عید نوروز یکی دیگر از دستورهای اسلامی مطلوب و مستحب در این روز است. امام صادق(ع) با عبارت «تکون ذلک الیوم صائما» آن را [۱۰] بیان داشته است. امام خمینی(ره) و سید محمد کاظم یزدی و بسیاری از فقهایی که برکتابهای آنان حاشیه نوشته اند، روزه گرفتن مستحبی نوروز را مورد سفارش و تإیید قرار داده اند. [۱۱]

زیارت اهل قبور

رفتن به زیارت اهل قبور در آغازین روزهای سال نو و نیز برگزاری مراسم تحویل سال در کنار قبور شهدإ از دیگر آداب دینی نوروز است.

تشرف و حضور در اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه و برگزاری مراسم تحویل سال نو در آن مکانها نیز از جمله آداب نوروز می باشد.

و بسیاری از ارزشهای مثبت دیگر.

البته در حواشی این عید باستانی خرافاتی وجود دارد که باید زدوده شود. همچون مراسم چهارشنبه سوری و آتش افروزی، ترقه بازی، هفت سین، شب نشینی ها و تشکیل جلسات آلوده ای که بسیاری از مردم به بهانه شبهای عید در عیش و نوش و بی خبری به سر می برند. جلساتی که در آن پر است از زمینه های گناه: اختلاط محرم و نامحرم. آن هم با شرایط مبتذل، پخش موسیقی های مبتذل، مسابقه خودنمایی و تفاخر در لباس و زینت، ریخت و پاش و اسرافکاری و بسیاری از ضد ارزشهایی که در این ایام مطرح می شود.

در خاتمه لازم است به نکاتی چند توجه شود:

۱. هر تشکیلاتی در پایان سال حساب کار خود را می کند و به بررسی کم وکاستیها و ضعفها و قوتها می پردازد. لازم است ماهم به حساب خود برسیم و یک بازنگری همه

جانبه به گذشته خویش داشته باشیم. شخصی در روز عید نوروز می گفت: این روز را به شما تبریک و تسلیت می گویم. تبریک به جهت فرصتی جدید که خدا به شما داده و تسلیت برای از دست دادن فرصتهایی که داشته ای.

۲. باید از گذران عمر و زمان و طبیعت درس گرفت. طبیعت بیدار شد و فعالیتش را دوباره آغاز کرد آیا ماهم بیدارشدیم، آیا درماهم تحول ایجاد شد؟ خانه ها از گردوغبار و آلودگیها پاکسازی شد، آیا قلبهای ما نیز از زنگارهای گناه و رذایل اخلاقی پاکسازی شد...؟

۳. باید توجه نمود که در سال جدید چه طرحی برای خودسازی خویش داریم؟

پی نوشتها

[۱]. مفردات راغب.

[۲]. «روی المعلی بن خنیس عن الصادق(ع) فی یوم النیروز، قال: اذاکان یوم النیروز فاغتسل و البس انظف ثیابک و تطیب بإطیب طیبک و تکون ذلک الیوم صائما... » (وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۳۳.)

[۳]. تحریرالوسیله، ج ۱، ص۹۵؛ جواهر، ج ۵، ص ۴۱.

[۴]. سی مقاله،رضااستادی،انتشارات اسلامی،ص ۳۷۶.

[۵]. بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۱.

[۶]. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۰.

[۷]. درسایه آفتاب، حسن رحیمیان، ص ۲۲۸.

[۸]. سی مقاله، ص ۳۷۷.

[۹]. همان؛ مفاتیح الجنان.

[۱۰]. بحار، ج ۵۶، ص ۱۰۱.

[۱۱]. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۸؛ العروه الوثقی، ص ۲۷۷.

نوروز در روایات اسلامی

نویسنده

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۹-۷۹۸۵

سرشناسه : مهریزی ، مهدی

عنوان و نام پدیدآور : نوروز در روایات اسلامی / مهریزی ، مهدی

منشا مقاله : ، علوم حدیث ، سال ۵، ش ۱ ، (بهار ۱۳۷۹): ص ۲ – ۳۳.

توصیفگر : عید نوروز

توصیفگر : احادیث

توصیفگر : کتاب المهذب البارع

توصیفگر : کتاب المناقب

توصیفگر : کتاب بحارالانوار

توصیفگر : احادیث اهل سنت

توصیفگر : تشیع

توصیفگر : مصباح ، محمدتقی

توصیفگر : مجلسی ، محمدباقربن محمدتقی

توصیفگر : ابن فهدحلی ، احمدبن محمد

توصیفگر : ابن شهرآشوب ، محمدبن علی

نوروز در روایات اسلامی

دین جهانی، با آداب و سُنن ملّی چه رفتاری دارد؟ آیا آنها را کنار می نهد و خود به ساختن آداب و رسوم تازه می پردازد؟ یا آنها را تأیید می کند و در کنار خویش می نشاند؟ و یا از میان آنها گزینش می کند؟

نخست باید دانست که دین کامل، آن نیست که خود، همه چیز را برعهده گیرد و به جای همه استعدادهای آدمی و همه نهادهای مدنی بنشیند؛ بلکه دین کامل، دینی است که همه اینها را در جای خود، به درستی می بیند و جهتی کلّی به آنها می دهد و آنچه را از توان (قُوای فردی) و (نهادهای جمعی) خارج است، بر عهده می گیرد و این، فلسفه ای عمیق دارد؛ زیرا چنان که دین، فعل تشریعی خداوندی است، قوای آدمی و لوازم تابعه آن (مانند نهادهای جمعی) نیز فعل تکوینی الهی اند و هیچ گاه تکوین و تشریع، ناسازگاری ندارند؛ چرا که از مبدأ واحدی دستور می گیرند.

اگر بـا این پیش زمینه عقلی به منـابع و مصادر دینی بنگریم، می یابیم که خواست دین، برچیـدن بساط سُـنن ملّی قومی نیست؛ بلکه بر آن است که این سنّت ها را سَمت و سوی

عالی بخشد و دین، تنها آنچه را که با فطرت آدمی مغایرت دارد، برمی چیند. چنان که قرآن کریم، حرمت و احترام ماه های حرام را که رسمی جاهلی بود پاس داشت:

فإذا انسلخ الأشهر الحُرم فاقتلوا المشركين. [۱]

پس چون ماه های حرامْ سپری شدند، مشرکان را بکشید.

یا أیها الذین آمنوا! لاتحلّوا شعائر اللّه ولا الشهر الحرام. [۲]

ای کسانی که ایمان آورده اید! حرمت شعائر خدا و ماه حرام را نگه دارید.

رسول خدا فرموده است:

مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً عُمِلَ بِها مِنْ بَعْدِهِ، کانَ لَهُ أجْرُهُ وَ مِثْلُ اُجورهِم مِنْ غَیْرِ أنْ یَنْقُصَ مِنْ اُجورِهِمْ شَیْئاً وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَیِئَةً فَعُمِلَ بِها بَعْدَهُ، کانَ عَلَیْهِ وِزْرهُ وَ مِثْلُ أوزارِهِمْ مِنْ غَیرِ أنْ یَنْقُصَ مِنْ أوزارِهِمْ شَیْئا. [۳]

آن که سنّتی نیک را پایه گذاری کند و بدان عمل شود، پاداش عمل خودش به اندازه پاداش دیگر عاملان، به وی داده می شود، بدون آن که از پاداش عاملان کم شود؛ و آن که سنّتی بد را پایه گذارَد و بدان عمل شود، وَبال عمل خودش و دیگران برعهده اوست، بدون آن که از وِزْر و وَبال دیگران کاسته شود.

امیرالمؤمنین به مالک اشتر فرمود:

ولاتَنْقُضْ سُنَّةً صالِحَةً عَمِلَ بها صدورُ هذِهِ الاُمَهِ وَاجْتَمَعَتْ بِها الاُلْفَه وَصَلُحَتْ علیها الرعِیَّهُ وَلاتَحْدُثَنَّ سنّةً تَضُرُّ بشی ء مِنْ ماضی تلکَ السُّنَنِ فیکونُ الأجْرُ لِمَنْ سَنَّها وَالوِزْرُ علیکَ بِما نَقَضْتَ مِنها. [۴]

آیین پسندیده ای را بر هم مریز که بزرگان این امتْ بِدان رفتار نموده اند و به وسیله آن، مردم به هم پیوسته اند، و رعیّت با یکدیگر سازش کرده اند؛ و آیینی مگذار که چیزی از سنّت های نیک گذشته را زیان رسانَد تا

پاداش از آنِ نهنده سنّت باشد و گناه شکستن آن بر تو مانَد.

از سوی دیگر ،به نمونه هایی از سنّت های پیش از اسلام (جاهلی) برمی خوریم که مورد تأیید اسلام قرار گرفته اند:

۱) دیه در جاهلیت، صد شتر بود. پیامبر(ص) آن را امضا نمود. [۵]

۲) زنان حائض، در جاهلیت از شرکت در اعیاد مذهبی و مراسم قربانی ممنوع بودند و اسلام نیز آن را حفظ کرد. [۶]

۳) پیامبر(ص) در «حِلفُ الفضول» در سن ۲۵ سالگی شرکت کرد و بعدها بدان افتخار می کرد و می فرمود: (اگر بار دیگر بدان پیمان دعوت شوم، می پذیرم). [۷]

۴) تحریم لباس شُهرت در فقه، شاهدی دیگر بر پذیرش سنّت های ملّی صالح است. [۸] روشن است که لباس شهرت در هر جامعه ای با آداب و رسوم همان جامعه مشخّص می گردد.

۵) ارجاع مسائلی چند به عُرف، گواه دیگری بر این موضوع است: مقدار نَفَقه، [۹] استطاعت در حج [۱۰] و زکات [۱۱] این شواهد، گواهی می دهند که آیین اسلام، بر محو همه سنّت ها توصیه نمی کند؛ بلکه آنچه را که خیر و صلاحی در پی دارد، و یا این که مفسده ای به دنبال ندارد، می پذیرد و جز آن را طرد می کند که می توان از این نمونه ها نام بُرد:

۱) سنّتی که نشانگر یک آیین باطل باشد. حرمت حمل و ساخت و نگهداری صلیب، از این قبیل است. [۱۲] رسول خدا وقتی عَدیّ بن حاتم را دید که صلیب به گردن دارد، فرمود: «این بت را کنار بگذار». [۱۳]

۲) سنّتی که ترویج خُرافه باشد. حلیمه سعدیه، وقتی در کودکیِ پیامبر(ص)، خواست مهره

ای به بازوی رسول خدا ببندد، با اعتراض پیامبر(ص) رو به رو شد. رسول خدا فرمود: «خداوند، نگهدار ماست و از این مهره، کاری ساخته نیست». [۱۴]

۳) سنّتی که با احکام شرعْ ناسازگار باشد. پیامبر(ص) با زینب، همسر زید (پسر خوانده خود) ازدواج کرد تا نشان دهد این سنّت جاهلی که: «نمی توان با زنِ پسر خوانده ازدواج کرد»، غلط است. [۱۵]

حال که نظرگاه کلّی دین در باب آداب و سنن بومی و ملّی روشن شد، به یکی از رسم های کهن و ریشه دار ایرانی، یعنی نوروز، می نگریم.

اگر در باب نوروز، دستوری خاص از سوی دین در تأیید یا رد، به دست ما نمی رسید، براساس همان قاعده نخست می گفتیم نوروز به عنوان رسمی ایرانی که مردمانی آن را از دیربازْ حرمت می نهاده اند، جای مذمّت و منع ندارد؛ چرا که اصل «نوروز» به عنوان نشانی از آیین های باطل، مورد تکریم و احترام نیست؛ بلکه رنگ و بوی ملّی و بومیِ آن، منظور نظر مردمان است. بلی؛ اگر در آن، ناشایستی نهفته باشد، یا ترویج خُرافه ای صورت گیرد، باید آن را وانهاد.

لیک، احادیثی در مصادر شیعه و اهل سنّتْ روایت شده اند که برخی بر آن، مُهر تأیید می زنند و برخی دیگر، قهر می ورزند و با آن می ستیزند. این دوگانگیِ روایت ها سبب شده است که از دیرباز، عالمان حوزه دین، به چگونگیِ حلّ این تعارض بیندیشند؛ برخی جانب تأیید را گرفته، از آن دفاع کنند و برخی دیگر، جانب رد را اختیار نمایند.

رسالت این نوشتار، نخست، گزارش تلاش عالمان در برخورد با این روایت هاست و

در پس آن می کوشد از منظر دیگری بِدان بنگرد. شاید ثمر بخشد!

پیش از طرح دیدگاه ها سزاوار است روایت ها نقل شوند. بر این اساس، مباحث این نوشتار، در سه بخشْ تنظیم می گردد: نوروز در روایات، دیدگاه ها، و ارزیابی نهایی.

یک. نوروز در روایات

چنان که گذشت، روایت ها در زمینه نوروز، به دو گروه تقسیم می شوند: گروهی به تصریح یا اشاره، آن را تأیید کرده اند و گروهی دیگر، آن را مذمّت می کنند.

۱– روایات موافق

الف. احادیث شیعه

الف. احادیث شیعه

۱. کلینی (م ۳۲۹ق) در «الکافی» چنین روایت می کند:

عدّه من أصحابنا، عن سهل بن زیاد و أحمد بن محمد جمیعاً، عن ابن محبوب، عن ابراهیم الکرخی، قال: سألتُ أباعبداللّه(ع) عن الرجل تکون له ضیعه، فإذا کان یوم المَهرَجان أو النَّیروز، أهدوا الیه الشیء لیس هو علیهم، یتقرّبون بذلک الیه. فقال(ع): «ألیس هم مُصلّین؟». قلتُ: بلی. قال: فلیقبل هدیّتهم و لْیُکافِهِم؛ فإنّ رسول اللّه(ص) قال: «لو أهدی الیّ کراع لقبلتُ، و کان ذلک من الدین، ولو أنّ کافراً أو منافقاً أهدی الیّ وسقاً ما قبلت، و کان ذلک من الدین. أبی اللّه عزّ وجلّ لی زبد المشرکین والمنافقین وطعامهم». [۱۶]

ابراهیم کرخی می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم که: شخصی مزرعه ای دارد. روز مهرگان یا نوروز، هدایایی به او داده می شود و قصد تقرّب جُستن به وی را ندارند [آیا بپذیرد؟]. فرمود: آیا نمازگزار هستند؟ گفتم: آری. فرمود: باید هدیه آنان را بپذیرد و تلافی کند. به درستی که رسول خدا فرمود: اگر برایم ران بُزی هدیه آورند، می پذیرم و این، جزو دینداری است و اگر کافر یا منافقی ران گاو یا گوسفندی برایم هدیه آورد، نخواهم پذیرفت و این هم جزو دینداری است. خداوند، خوراک و دستاورد مشرک و منافق را برای ما روا نداشته است.

۲. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در «کتاب من لایحضره الفقیه» آورده است:

أتی علی(ع) بهدیه النَّیروز، فقال(ع): «ما هذا؟». قالوا: یا أمیرالمؤمنین! الیوم النَّیروز. فقال(ع): «إصنعوا لنا

کلّ یوم نَیروزاً». [۱۷]

برای علی(ع) هدیه نوروز آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند: ای امیرمؤمنان! امروز، نوروز است. فرمود: هر روزِ ما را نوروز سازید!

۳. همو نقل می کند: روی أنّه قال (ع): نیروز ناکل یوم. [۱۸]

روایت شده است که علی(ع) فرمود: هر روزِ ما نوروز است.

۴.نعمان بن محمد تمیمی (م ۳۶۳ق) در کتاب «دعائم الاسلام» روایت می کند:

عنه [علی](ع) أنّه اُهدی الیه فالوذج، فقال: «ماهذا». قالوا: یوم نیروز. قال: فَنَیرزوا إن قدرتم کلَّ یومٍ [یعنی تهادوا و تواصلوا فی اللّه]. برای علی(ع) فالوده هدیه آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند امروز، نوروز است. فرمود: اگر می توانید، هر روز را نوروز سازید [یعنی به خاطر خداوند، به یکدیگر هدیه بدهید و به دیدار یکدیگر بروید]. [۱۹]

۵. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در «مصباح المتهجّد» چنین آورده است: عن المُعلَّی بنِ خُنیس، عن مولانا الصادق(ع) فی یوم النَّیروز، قال(ع): إذا کان یوم النیروز، فاغتسل و البس أنظف ثیابک و تطیب بأطیب طیبک و تکون ذلک الیوم صائماً، فإذا صلّیت النوافل والظهر والعصر فصلّ بعد ذلک أربع رکعات، تقرأ فی أوّل کلّ رکعه فاتحه الکتاب و عشر مرّاتٍ «إنّا أنزلناه فی لیله القدر»، و فی الثانیه فاتحه الکتاب و عشر مرّات «قل یا أیها الکافرون»، وفی الثالثه فاتحه الکتاب و عشر مرّاتٍ «قل هو اللّه أحد»، و فی الرابعه فاتحه الکتاب و عشر مرّاتٍ «المعوّذتین»، و تسجد بعد فراغک من الرکعات سجده الشکر و تدعو فیها، یغفر لک ذنوب خمسین سنه. [۲۰]

امام صادق(ع) در روز نوروز فرمود: هنگامی که نووز شد، غسل کن و لباس پاکیزه بپوش و خودت را خوشبو ساز و آن روز را روزه

بـدار. پس هنگامی که نماز ظهر و عصـر و نافله های آن را به جای آوردی، نمازی چهار رکعتی بگزار که در رکعت اوّل آن، سـوره حمـد و ده مرتبه سـوره قـدر را می خـوانی. در رکعت دوم آن، سوره حمـد و ده مرتبه سوره کـافرون را می خوانی. در رکعت سوم آن، سوره حمـد و ده مرتبه سوره توحید را می خوانی و در رکعت چهارم، سوره حمد را با سوره های فلق و ناس. پس از نماز هم سجده شکر می گزاری و دعا می کنی. [بدین ترتیب،] گناهان پنجاه ساله ات بخشوده می شود.

۶. ابن فهد حلّی (م ۸۴۱ق) در کتاب «المهذّب البارع» چنین آورده است:

و ممّا ورد فی فضـله و یعضـد ما قلناه، ما حدّثنی به المولی السـید المرتضـی العلاّمه بهاء الدین علی بن عبدالحمید النسّابه دامت فضـائله ، مـا رواه بإسـناده إلی المعلّی بـن خُنیس عـن الصـادق(ع): إنّ یـوم النـوروز، هوالیـوم الّـذی أخـذ فیـه النّـبی(ص) لأمیرالمؤمنین(ع) العهـد بغـدیرخم، فأقرّوا له بالولایه، فطوبی لمن ثبت علیها والویل لمن نکثها، وهو الیوم الّذی وَجَّه فیه رسول اللّه(ص) علیّاً(ع) إلی وادی الجن، فأخـذ علیهم العهود والمواثیق. وهو الیوم الـذی ظفر فیه بأهـل النَّهروان، و قتل ذَا الثَـدْیه. وهو الیوم الـذی یظهر فیه قائمنا أهل البیت وولاه الأمر و یظفّره اللّه تعالی بالدجّال، فیصـلبه علی کناسه الکوفه. و ما من یوم نوروز إلاّ و نحن نتوقّع فیه الفرج؛ لأنه من أیّامنا حفظه الفرس وضـیَّعتموه. ثم إنَّ نبیّاً من أنبیاء بنی إسـرائیل سأل رَبَّه اَنْ یُحییَ القوم الّذین خرجوا من دیارهم وهم اُلوف حذر الموت فأماتهم اللّه تعالی، فأوحی إلیه أنْ «صُبِّ علیهم الماء فی مضاجعهم»،

فصَبَّ علیهم الماء فی هذا الیوم، فعاشوا وهم ثلاثون ألفاً، فصار صبُّ الماء فی یوم النیروز سنّه ماضیهً لایعرف سببها إلاّ الراسخون فی العلم. وهم أوّل یوم ٍ من سنه الفرس.

قال المعلّی: وأَملی علیّ ذلک، فکتبته من إملائه. [۲۱]

از آنچه در فضلیت نوروزْ روایت شده و گفته ما را تأیید می کند، حدیثی است که علامه سید بهاءالدین علی بن عبد الحمید، با سند خود از مُعلّی بن خُنیس نقل کرده است که: روز نوروز، همان روز است که پیامبر(ص) در غدیرخم برای امیرالمؤمنین(ع) بیعت گرفت و مسلمانان به ولایت وی اقرار کردند. خوشا به حال آنان که به این بیعت، استوار ماندند و وای بر آنان که آن را شکستند. و این، همان روزی است که پیامبر(ص) علی(ع) را به منطقه جنّیان روانه ساخت و از آنان عهد و پیمان گرفت. و همان روز است که علی(ع) بر نهروانیان پیروز شد و ذوالثدیه (صاحب پستان) را به قتل رساند. و همان روز است که قائم ما و صاحبان حکومت، ظهور می کنند و خداوند، او را بر دجّالْ پیروز می گرداند و دجّال را در زباله دان کوفه به دار می آویزد. ما در هر نوروز، امید فرج داریم؛ چرا که نوروز، از ایّام ماست که پارسیانْ آن را پاس داشتند و شما آن را تباه نمودید.

همچنین پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل، از خداوند خواست که گروهی چند هزار نفره را که از بیم مرگ، دیار خویش را ترک گفتند و گرفتار مرگ شدند، زنده سازد. خداوند، بر آن پیامبر، وحی فرستاد که بر محل گورستان آنان آب بپاشد. پیامبر در روز نوروز، چنین

کرد. سپس زنده شدند و تعدادشان سی هزار نفر بود. از همین روز، پاشیدن آب در نوروز، سنّتی دیرینه شد که سبب آن را جز آنان که دانشی پایدار دارند، ندانند و همان، آغاز سال پارسیان است.

معلّی گوید: امام صادق(ع) این سخنان را بر من املا کرد و من نوشتم.

۷. علاّمه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در «بحارالأنوار» آورده است:

رأیت فی بعض الکتب المعتبره، روی فضل اللّه بن علی بن عبید اللّه بن محمد بن عبداللّه بن محمد بن محمد بن عبید اللّه بن الحسین بن علی بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن أبی طالب، عن أبی عبداللّه جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدوریستی، عن أبی محمد جعفر بن أحمد بن علی المونسی القمی، عن علی بن بلال، عن أحمد بن محمد بن یوسف، عن حبیب الخیر، عن محمد بن الحسین الصائغ، عن أبیه، عن مُعَلّی بن خُنَیس، قال: دخلت علی الصادق جعفر بن محمد(ع) یوم النَّیروز، فقال(ع): «أتعرف هذا الیوم؟». قلت: جعلت فداک، هذا یومٌ تعظّمه العجم وتتهادی فیه. فقال أبو عبداللّه الصادق(ع): «والبیت العتیق الذی بمکه، ما هذا إلاّ لأمر قدیم اُفسّره لک حتی تفهمه». قلت: یا سیدی! إن علم هذا من عندک أحب إلیّ من أن یعیش أمواتی و تموت أعدائی. فقال: «یا مُعلّی! إن یوم النیروز هو الیوم الذی أخذ اللّه فیه مواثیق العباد أن یعبدوه و لا یشرکوا به شیئاً، و أن یؤمنوا برسله و حججه، و أن یؤمنوا بالأئمه(ع)». وهو أوّل یوم طلعت فیه الشمس، و هبت به الریاح، و خلقت فیه زهره الأرض. وهو الیوم الذی استوت فیه سفینه نوح(ع) علی الجودی.

و هو اليوم الـذى أحيى اللّه فيه الـذين خرجوا من ديـارهم و هم ألوفٌ حـذر الموت، فقـال لهم اللّه موتوا ثمّ أحيـاهم. وهو اليوم الـذى نزل فيه جبرئيل على النبى(ص). و هو اليوم الـذى حمل فيه رسول اللّه(ص) أميرالمؤمنين(ع) على منكبه حتى رمى أصـنام قريش من فوق البيت الحرام فهشـمها، و كـذلك إبراهيم(ع). و هو اليوم الـذى أمر النبى(ص) أصـحابه أن يبـايعوا عليـاً(ع) بإمره المؤمنين. و هو اليوم الـذى وجه النبى(ص) علياً(ع) إلى وادى الجن يأخذ عليهم البيعه له. وهو اليوم الذى بويع لأميرالمؤمنين(ع) فيه البيعه الثـانيه. و هو اليوم الـذى ظفر فيه بأهل النهروان و قتل ذا الثـديّه. وهو اليوم الـذى يظهر فيه قائمنا و ولاه الأمر. وهو اليوم الـذى يظفر فيه قائمنـا بالـدجال فيصـلبه على كنـاسه الكوفه. و مـا من يوم نَيروز إلاّ ـ و نحن نتوقّع فيه الفرج؛ لأ ـنه من أيامنا وأيام شيعتنا، حفظته العجم وضيّعتموه أنتم.

وقـال(ع): (إن نبيـاً مـن الأنبيـاء سـأل ربـه كيـف يحيى هؤلاـء القـوم الـذين خرجـوا، فـأوحى اللّـه إليه أن يصب المـاء عليهم فى مضاجعهم فى هذا اليوم، وهو أول يوم من سنه الفرس، فعاشوا و هم ثلاثون ألفاً، فصار صب الماء فى النيروز سنّه).

فقلت: يا سـيدى! ألا تعرّفنى جعلت فداك أسـماء الأيام بالفارسـيه؟ فقال(ع): «يا مُعَلّى! هى أيام قديمه من الشـهور القديمه، كلّ شهر ثلاثون يوماً لا زياده فيه ولا نقصان». [۲۲]

مُعلّى پسر خُنَيس گويد: در روز نوروز، بر امام صادق(ع) وارد شدم. فرمود: «آيا اين روز را مى شناسى؟». گفتم: قربانت گردم! اين روز را فارسـيانْ گرامى مى دارنـد و به يكـديگر هديه مى دهند. فرمود: «سوگند به خانه كعبه كه اين، رمزى ديرينه دارد و برايت روشن

می سازم تـا آگاه گردی». گفتم: سـرورم !آموختن این امر از شـما برایم بهتر از آن است که مردگان زنـده شونـد و دشـمنانم بمیرند.

آن گاه فرمود: «ای معلّی! روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت او را بپرسـتند و به او شرک نورزند، به پیامبران و حجت هایش بگروند و به امامان ایمان آورند. این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادها وزیدن گرفت و گـل هـای زمین روییدنـد. این همـان روزی است که کشـتی نـوح(ع) بر ساحـل جودی آرامش یـافت و همـان روزی است که خداونـد، گروهی چنـد هزار نفره را که از ترس مرگ از خانه ها بیرون رفته بودند زنده ساخت، پس از آن که آنان را میرانده بود. این، روز فرود جبرئیل بر پیامبر اسلام است و روزی است که پیامبر(ص) امام علی(ع) بر دوش گرفت تا بت های قریش را در مسـجد الحرام شـکست و در همین روز، ابراهیم، بت ها را شکست. این همان روزی است که پیامبر به یارانش دستور داد با علی(ع) بیعـت کننـد و در همین روز، علی را برای بیعت گرفتن از جنیـان فرسـتاد. در همین روز، دومین بیعت بـا امیرالمـؤمنین انجـام شـد. در همین روز بر نهروانیـان پیروز شـد و ذوالثـدیه (صاحب پسـتان) را به قتل رسانـد. در این روز، قائم ما و صاحبان حکومتْ قیـام کننـد و در همین روز، قائم ما بر دجّال پیروز گردد و او را در زباله دان کوفه به دار آویزد. در هر روز نوروزی، ما آرزوی فرج داریم؛ چرا که آن از روزهای ما و شیعیان ماست. فارسیان، آن را گرامی داشتند

و شما آن را ضایع کردید.»

و فرمود: یکی از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند، زنده می کند. خداوند بدو وحی کرد که در نوروز، آب بر قبر آنان بپاشد و آن، اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند، در حالی که سی هزار نفر بودند. از همین جا پاشیدن آب در نوروز، سنّت شده است.

گفتم: آیا نام های روزهای فارسی را به من تعلیم نمی دهی؟ فرمود: ای معلّی! اینها روزهایی کهن از ماه هایی کهن است. هر ماه، سی روز است، بدون کم و کاست.

گفتنی است ابن فهد نیز بخشی از این روایت را پیش از علاّمه مجلسی در کتاب «المهذّب البارع» آورده است. [۲۳]

۸. مُحدث نوری (م ۱۳۲۰ق) در «مستدرک الوسائل» به نقل از کتاب حسین بن همدان آورده است:

عن المفضّل بن عمر، عن الصادق(ع)، قال له فی خبر طویل فی جمله کلامه(ع):أ فأوحی اللّه الیه: «یا حزقیل! هذا یوم شریف عظیم قدره عندی، و قد آلیت أن لایسألنی مؤمن فیه حاجه الا قضیتها فی هذا الیوم و هو یوم نیروز». [۲۴]

مفضّل، فرزند عمر از امام صادق(ع) نقل می کند که: خداوند بر حزقیلْ وحی فرستاد که: «این روز، روزی گرامی و بلند مرتبه نزد من است. با خود عهد کرده ام هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را برآورده سازم و آن روز، نوروز است».

ب.احادیث اهل سنت

۹. بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) در «التاریخ الکبیر» چنین روایت می کند:

حمّاد بن سلمه بن علی بن زید، عن السعر التمیمی: أتی علیٌّ بفالوذج. قال: «ما هذا؟». قالوا: الیوم النیروز. قال: فَنیرِزوا کل یوم! [۲۵]

سعر تمیمی گوید: برای

علی(ع) فالوده آوردند. فرمود: «این چیست؟». گفتند: امروز نوروز است. فرمود: هر روز را نوروز کنید!

۱۰. بیرونی (م ۴۴۰ق) در «الآثار الباقیه» آورده است:

أو قسّم الجام بین أصحابه و قال: لیت لنا کلّ یومٍ نوروز! [۲۶]

[از آن جا که نسخه عربی مورد استفاده ما افتادگی دارد، ترجمه حدیث را از جدیدترین کتاب که بر اساس برخی نسخه ها کامل شده است، در این جا می آوریم:] آورده اند که در نوروز، جامی سیمین، پر از حلوا، برای پیغمبر(ص) هدیه آوردند. آن حضرت پرسید: «این چیست؟». گفتند: امروز، روز نوروز است. پرسید: «نوروز چیست؟» گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: «آری در این روز بود که خداوند، عسکره را زنده کرد». پرسیدند: عسکره چیست؟ فرمود: «عسکره، هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ، ترک دیار کرده، سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان فرمود: "بمیرید" پس مردند. پس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که بر آنان ببارند. از این روست که سنّت آب پاشیدن [در نوروز]، رواج یافته است». آن گاه از حلوا تناول کرد و جام را میان اصحابْ قسمت کرد و فرمود: کاش هر روز برای ما نوروز بود! [۲۷]

۱۱. فیروز آبادی (۷۲۹–۸۱۷ق) در «القاموس» آورده است:

قدم الی علی شی ء من الحلاوی، فسأل عنه، فقالوا: «للنیروز»، فقال: «نیروزنا کل یوم!» و فی المهرجان قال: مَهرِجونا کل یوم! [۲۸]

مقداری حلوا برای علی(ع) آوردند. پرسید که چیست. گفتند: برای نوروز است. فرمود: هر روز ما نوروز است.

و در مهرگان گفت: هر روز را برای ما مهرگان کنید!

۲– روایات مخالف

الف. احادیث شیعه

الف. احادیث شیعه

۱۲. قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) در کتاب «لبّ اللباب» آورده

است:

عن رسول اللّه(ص): أبدلکم بیومین یومین: بیوم النیروز و المهرجان، الفطر والأضحی. [۲۹]

دو روز را برای شما جانشین دو روز کردم: عید فطر و قربان را به جای عید نوروز و مهرگان.

۱۳. ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ق) در کتاب «المناقب» روایت می کند:

و حکی أن المنصور تقدّم إلی موسی بن جعفر(ع) بالجلوس للتهنئه فی یوم النیروز و قبض ما یحمل إلیه فقال (ع): «إنی قد فتشت الأخبار عن جدی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله فلم أجد لهذا العید خبراً وإنه سنه للفرس و محاها الإسلام، و معاذ اللّه أن نحیی ما محاه الإسلام». فقال المنصور: «إنما نفعل هذا سیاسةً للجند، فسألتک باللّه العظیم إلاّ جلست»؛ فجلس و دخلت علیه الملوک والأمراء والأجناد یهنؤونه، و یحملون إلیه الهدایا و التحف، و علی رأسه خادم المنصور یحصی ما یحمل، فدخل فی آخر الناس رجل شیخ کبیر السنّ، فقال له: یا ابن بنت رسول اللّه! إننی رجل صعلوک لا مال لی أتحفک ولکن أتحفک بثلاثه أبیات قالها جدّی فی جدّک الحسین بن علی(ع):

عجبت لمصقول علاک فرنده یوم الهیاج وقد علاک غبار

ولأسهم نفذتک دون حرائر یدعون جدّک والدموع غزار

ألاّ تغضغضت السهام وعاقها عن جسمک الإجلال والإکبار

قال: «قبلت هدیتک، اجلس بارک اللّه فیک»، و رفع رأسه إلی الخادم و قال: «امض إلی أمیرالمؤمنین و عرّفه بهذا المال، و ما یصنع به». فمضی الخادم وعاد وهو یقول: «کلها هبه منی له، یفعل به ما أراد». فقال موسی للشیخ: اقبض جمیع هذا المال فهو هبه منی لک. [۳۰]

آورده اند که منصور به امام کاظم(ع) پیشنهاد کرد که نوروز را برای تبریک و شاد باش و گرفتن هدایا جلوس

کنند.

حضرت کاظم در جواب فرمود: من در میان روایت های جدّم رسول خدا(ص) جستجو کردم و تأییدی برای این عید نیافتم. همانا این سنّت فارسیان است که اسلام، آن را نابود ساخته است و پناه می برم به خدا که آنچه را اسلامْ نابود ساخته، زنده بدارم.

منصور گفت: «این کار را جهت اداره نظامیان انجام می دهیم و شما را به خداوند سوگند می دهم که جلوس داشته باشید». آن گاه حضرت پذیرفت و فرمانروایان و لشکریان، برای تبریک آمدند و هدایایی با خود آوردند. خدمتگزار منصور، بالای سر حضرت ایستاده بود و هدایا را می شمرد. آخرین نفر، مردی کهن سال بود. به امام کاظم(ع) گفت: «ای فرزند دختر پیامبر خدا! من مردی تهی دستم و مالی ندارم تا هدیه دهم؛ ولی چند بیت شعر که جدّ من درباره جدّتان حسین(ع) سروده، به شما هدیه می کنم».

حضرت فرمود: «هدیه ات را پذیرفتم. بنشین. خداوند به تو برکت دهد!».

آن گاه حضرت، سر بلند کرد و به خدمتگزار منصور گفت که نزد منصور روانه شود و این هدایا را برایش بازگو کند. خدمتگزار رفت و باز گشت و گفت منصور گفته است: «این هدایا از آنِ شماست. هر چه می خواهید با آنها انجام دهید». امام کاظم(ع) هم به پیرمرد فرمود: «این اموال را به عنوان هدیه برای خودت بردار».

ب. احادیث اهل سنّت

۱۴. بخاری (م ۲۵۶ق) در «التاریخ الکبیر» آورده است:

أیوب بن دینار، عن أبیه: «إنّ علیّاً لا یقبل هدیه النیروز». حدّثنی ابراهیم بن موسی عن حفص بن غیاث، وقال أبو نعیم: حدّثنا أیوب بن دینار أبو سلیمان المکتب، سمع علیاً بهذا. [۳۱]

ایوب بن دینار گوید: علی(ع) هدیه نوروز

را نمی پذیرفت.

۱۵. آلوسی (م ۱۳۴۲ق) در «بلوغ الارب» می گوید:

قـدم النبی(ص) المدینه ولهم یومان یلعبون فیهما، فقال: «ما هذا الیومان؟». فقالوا: «کنّا نلعب فیهما فی الجاهلیه. فقال: قد أبدلکم اللّه تعالی بهما خیراً منهما یوم الأضحی و یوم الفطر». قیل: هما النیروز والمهرجان. [۳۲]

پیامبر(ص) وارد مـدینه شـد. مردمان مدینه دو عید داشـتند که در آنها به سرگرمی و خوشـی می پرداختند. رسول خدا فرمود: «این دو روز چیست؟». گفتند دو یادگار جاهلیت است. فرمود: «خداوند، بهتر از آنها را جایگزین کرده است: عید قربان و عید فطر». گفته شده که آن دو روز، نوروز و مهرگان بود.

تا این جا شانزده حدیث از مصادر مختلف شیعه و سنّی در تأیید یا ردّ نوروز گرد آمد. تلاش ما در این بخش، فحص کامل و استقصای همه روایت ها بود و تلاش شد روایت ها براساس تاریخ ثبت و کتابتْ تنظیم گردد؛ چنان که کوشیدیم هر روایت را مصـدریابی کرده، به منـابع گونـاگونش ارجـاع دهیم. حـال، پس از نقـل روایت هـا به بیان دیـدگاه ها و ارزیابی نهایی رو می کنیم.

دو. دیدگاه ها

اشاره

تردیـدی نیسـت که روایت هـای متفـاوت، زمینه شـکل گیری آرای متفـاوت انـد و جسـتجو در کتب فقه و حـدیث، این امر را روشن می سازد.

پـاره ای از دانشوران، به نقـد روایت هـای نوروز پرداخته و بـا ذکر خلل ها و سـستی هایی که در آنهاست، آنها را قابل اعتنا و اتکـا نشـمرده انـد؛ چنـان که در مقابل، بیشتر فقیهان به مضـمون روایت های دسـته نخستْ فتوا داده و آدابی را برای نوروز در کتب فقهی خویش برشمرده اند. اینان ضمن فتوا دادن به محتوای روایات، در مقام پاسخگویی به

ناقدان و منتقدان نیز برآمده اند.

اینک مروری بر این دو دیدگاه می افکنیم.

الف. مخالفان

الف. مخالفان

ناقدان و مخالفان احادیث نوروز، بسیار نیستند. اینان کوشیده اند خلل های موجود در روایت های دسته نخست را برملا سازند و در نتیجه به محتوای دسته دوم از روایت ها ملتزم شده اند؛ گرچه کوشش آنان در تصحیح و تأیید دسته دوم متمرکز نیست.

اینان برای روایت های موافق، ضعف ها و کاستی هایی از این دست برشمرده اند:

۱. ضعف سند،

۲. تناقض و تهافت در روایت های معلّی،

۳. ذکر نشدن روایت های معلّی در مصادر کهن،

۴. عدم تطبیق وقایع ذکر شده در روایت ها با واقعیت های تاریخی،

۵. معلوم نبودن نوروز ایرانی،

۶. ترویج شعائر مجوس.

مخالفان، بر پایه این ایرادها، روایات موافق را بی اعتبار می دانند و به هیچ رو گرامیداشت نوروز را روا نمی انگارند. اینان بر این باورند که آداب و سنن ذکر شده در این روایت ها قابل اخذ و عمل نیست و نمی توان با قاعده «تسامح در ادلّه سنن» از ضعف و سستی اینها چشم پوشید؛ چرا که با محذور بزرگی چون ترویج شعائر مجوسی روبه رور هستیم. در این جا پاره ای از این دیدگاه ها را می آوریم:

آقا رضی قزوینی (در رساله ای که در سال ۱۰۶۲قمری نگاشته)، شاید نخستین کسی باشد که به تفصیل، نوروز را نقد کرد. وی به طور عمده منکر تطبیق نوروز رایج با نوروز یاد شده در روایات است و از این طریق بر روایت های مؤید، خرده می گیرد و پس از نقل روایت معلّی می نویسد:

با توجه به استحباب اعمال مذکوره در نوروز و این که این اعمال، موقته است و در امثال این عبادات، اگر التزام

وقت خاص نشود و در اوقات دیگر به عمل آید، بدعت می باشد، بنابراین، تعبد به این عمل [را] مکلّفی تواند که لااقل ظن به تعیین وقت مذکور تحصیل کرده باشد. تحصیل این ظن، لامحاله از امارات شرعیه و عرفیه تواند بود و چون در عرف به اعتبار اختلاف اصطلاحات حالیه نوروز متعدد است چنان که بعضی از آن، بعد از این مذکور می گردد و اشهریت بعضی به بعضی ازمنه اماره نمی شود و در ظاهر قرآنْ چیزی در این باب نیست، اماره آن از روایات و اخبارْ تتبع باید نمود. [۳۳]

محمد اسماعیل خواجویی (م ۱۱۷۳ق) تناقض های روایت های معلّی را دلیل ناتمام بودن آن می داند و می نویسد:

فقیر بی بضاعت گوید: به حسب ظاهری میان این حدیث و حدیث سابق تناقض است؛ چه، در حدیث سابق مذکور است که پیغمبر(ص) در روز نوروز، امیرالمؤمنین(ع) را به دوش مبارک برداشته تا بتان قریش را از فوق کعبه به زیر انداخته، شکست و فانی ساخت، و این، بلاشبهه در سال فتح مکه معظمه بود، چنان که اخبار بسیار از طرق خاصه و عامه دلالت بر این دارد و فتح مکه معظمه در ماه مبارک رمضان سال هشتم هجرت واقع شد، چنان که شیخ مفید و نیز طبرسی و ابن شهرآشوب و دیگرانی روایت کرده اند، و احادیث معتبره بر این دلالت کرده است، و اکثر برآن اند که در روز سیزدهم ماه بوده، و بعضی بیستم هم گفته اند، و حرکت حضرت از مدینه در روز جمعه دوم ماه مبارک رمضان، بعد از نماز عصر بوده، و روز غدیر خم در سال دهم

هجرت در حجه الـوداع در روز هجـدهم ذی الحجه الحرام بـود. پس چگـونه توانـد بـود که هر دو در روز، نوروز باشـد؟ چه، نوروز، از قرار حساب گذشـته، بعـد از شـش هفت سال از فتـح مکه معظمه، بلکه بیشتر، به ذی الحجه خواهد رسـید، نه بعد از یک سال، چنان که مقتضای این دو حدیث است. [۳۴]

وی ادامه می دهد:

و چـون هر دو به یـک طریـق از معلّی منقول است، پس ترجیـح احـدهما بر دیگری من حیث السـند متصور نیست، و بنـابراین، مضـمون هیـچ یـک حجـت نخواهـد بـود، و بر آن، اعتمـاد نشایـد کرد، و بـه او اسـتدلال نتـوان نمـود؛ چـه، تنـاقض در کلام معصومین(ع) غیر واقع است. پس، از این جا فهمیـده می شود که این دو حـدیث، کلاهما او احدهما از معصوم تلقی نگردیده، و چون از او نباشد، حجیت را نشاید و سند شرعی نتواند بود. [۳۵]

استاد محمد تقی مصباح در حاشیه بر «بحارالأنوار»، ذیل این روایت ها نگاشته است:

در بـاب نوروز، دو دسـته روایت مختلف روایت شـده است. یکی را معلّی از امام صادق(ع) آورده و بر عظمت و ارزش نوروز دلالـت دارد و دیگری حـدیث امـام کاظم(ع) است که آن را از سـنّت های پارسـیان دانسـته که اسـلام، آن را از میان برداشـته است.

باید دانست که هیچ یک از آنها صـحیح نیست و از اعتبار برخوردار نمی باشد تا بتوان بر پایه آن، حکم شـرعی را اثبات کرد. گذشته از آن که روایت معلّی، ایرادهای دیگری دارد، از جهت تطبیق نوروز بر مناسبت های ماه های عربی. [۳۶]

آن گاه می نویسد:

ظاهر روایت منصور، حرمت بزرگداشت نوروز است؛ چرا که این

کار، بزرگداشت شعائر کفار و زنده داشتن سنّت هایی است که اسلام، آنها را میرانده است. این روایت گرچه واجد شرایط حجّیت نیست اما مطلب کلی ای که در آن آمده (یعنی حرمت بزرگداشت شعائر کفار)، با ادلّه عامه به اثبات رسیده است و این که نوروز از آن آداب و رسوم است، به وجدانْ اثبات می شود.

و اما فتوای فقیهان، مبنی بر استحباب غسل و روزه در نوروز، مبتنی بر قاعده تسامح در ادلّه سنن است؛ ولی این جا محل اجرای آن قاعده نیست؛ زیرا قاعده تسامح در ادلّه سنن، از مواردی که احتمال حرمت تشریعی دارند، انصراف دارد. [۳۷]

جناب آقای سید جواد مدرّسی در مقاله ای در مجلّه «نور علم» می نویسد: با وجود تضارب روایات و عدم توجه قدما و کدورت متن و عدم صحت سند، فتوای به مشروعیت نوروز، و تعیین روز آن، مشکل است. راهی که باقی می ماند، تمسک به ادلّه «تسامح در ادله سنن» است؛ و لکن تعیین روز، گفتار بعض فقهاست نه مضمون روایت؛ و ادله مذکور، شامل کلام فقها نمی شود.

از جهت دیگر، عید نوروز از شعائر مجوسی و محتمل الحرمه است و ادله تسامح در سنن چنان که بعضی گفته اند از چنین موردی منصرف است. [۳۸]

آقای رسول جعفریان نیز در این باره گفته است: این بود آنچه در منابع شیعه قرن ششم درباره نوروزْ نقل شده است. در این باره، مهم، همان روایت معلّی بن خنیس است و جز آن، چیزی درباره تایید نوروز به چشم نمی خورد. منشأ آنچه در آثار بعدی درباره استحباب غسل روز نوروز و نماز و دعای مربوطه آمده،

همین نص است و بس. البته مطالب دیگری نیز افزوده شده که منشأ آنها را اشاره خواهیم کرد. [۳۹]

و در جای دیگر گفته است:

و مشکل این دو حدیث (منظور، دو حدیثی است که ابن فهد حلّی در تأیید نوروز از معلّی نقل کرده است)، آن است که در منابع کهن شیعه نیامده است. افزون بر آن، روایات مزبور که در اصل باید یکی باشد، حاوی دو نوع آگاهی درباره روز نوروز است که این، خود، منشأ شبهه درباره آن شده و احتمال جعل آن را تقویت می کند. افزون بر آن، دانسته است که، ابن غضایری گفته: «غالیان روایاتی را به معلّی بن خنیس نسبت داده اند و نمی توان بر اخبار وی اعتماد کرد». در این صورت، این روایت که بی گرایش غالیانه یا نگرش افراطی همه نیست ، از همان دسته مجعولاتی می باشد که غالیان به معلّی نسبت داده اند. باید این دو نکته را نیز یادآوری کرد که گفته شده قرامطه (گرایشی وابسته به مذهب افراطی اسماعیلیه) دو روز را در سال که نوروز و مهرگان بوده روزه می گرفته اند. بلافاصله باید تأکید کنیم که مجوسیان، نه تنها نوروز را روزه نمی گرفته اند، بلکه به نقل بیرونی اساساً «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان روزه بگیرد، گنه کرده است». [۴۰]

ب. موافقان

آداب نوروز از قبیل روزه، نماز، ادعیه، در کتب حدیثی و فقهی، از زمان شیخ طوسی در میان عالمان شیعه رواج داشته است.

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در «مصباح المتهجد»، [۴۱] پس از او ابن ادریس (م ۵۹۸ق) در «السرائر» [۴۲] و سپس یحیی بن سعید (م ۵۸۹ق) در «الجامع

للشرائع) [۴۳] و پس از وی، شهید اول (م ۷۸۶ق) در «القواعد و الفوائد) [۴۴] و نیز «الدروس) [۴۵]و «البیان) [۴۶] و «الذکری) [۴۷] و «اللمعه) [۴۸] بدان اشاره دارد.

ابن فهد (م ۸۴۱ق) در «المهذّب البارع) [۴۹] و محقق کَرَکی (م ۹۴۰ق) در «جامع المقاصد) [۵۰] و شهید ثانی (م ۹۶۶ق) در «المسالک) [۵۱] و «شرح اللمعه) [۵۲] و محقق اردبیلی(م ۹۹۳ق) در «مجمع الفائده و البرهان) [۵۳] و شیخ بهایی(م ۱۰۳۰ق) در «جامع عباسی) [۵۴] و «الحبل المتین) [۵۵] و فاضل هندی(م ۱۱۳۷ق) در «کشف اللثام) [۵۶] و شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) در «الحدائق الناضره) [۵۷] و کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) در «کشف الغطاء) [۵۸] و نراقی (م ۱۲۴۵ق) در «مستند الشیعه) [۵۹] و صاحب جواهر در (م ۱۲۶۶ق) «جواهر الکلام) [۶۰] و شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) در «کتاب الطهاره) [۶۱] بدین آدابْ فتوا داده اند.

همچنین در کتب فتوایی و فقهی معاصر، چون: العروه الوثقی، [۶۲] جامع المدارک، [۶۳] المستند [۶۴] فتوا بدین آداب به چشم می خورد.

در کتب روایی نیز چنان که در بخش نخست آوردیم ، آداب نوروز، در: مصباح المتهجِّد، وسائل الشیعه و بحارالأنوار، یاد شده است؛ چنان که روایت هایی نیز که به گونه ای ضمنی نوروز را تأیید می کنند در: الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه و دعائم الاسلام منقول است.

شاید همین کثرت فتواها و نقل ها سبب شده است که صاحب «جواهر» بگوید:

غسل روز نوروز، نزد متأخران مشهور است؛ بلکه مخالفی در آن ندیدیم. [۶۵]

بجز این، تلاش محدّثان و فقیهان در پاسخگویی به دیدگاه مخالفان نیز درخور درنگ است. علامه مجلسی در «بحارالأنوار»، بیشترین کوشش را در این باره به انجام رسانده و شبهه های مخالفان را پاسخ گفته است؛

وی در قسمتی از نوشتار مفصلش در نقد روایت ابن شهرآشوب (در مذمت نوروز)، می نویسد:

این حدیث، با روایت هایی که معلّی بن خنیس آورده مغایرت دارد و بر جایگاه نداشتن نوروز در شریعتْ دلالت دارد؛ لیک روایت های معلّی از نظر سند، قوی تر و نزد اصحاب ،مشهورتر ند.

از سوی دیگر می توان گفت که این، حدیث تقیه است؛ چرا که در روایات «مناقب»، مطالبی ذکر شده که زمینه تقیه دارد. [۶۶]

پس از وی نیز عالمان دیگری به پاسخگویی اجمالی یا تفصیلی گام برداشته اند.

شیخ انصاری در نقد روایت «مناقب» می گوید:

روایت «مناقب» نمی تواند با احادیث معلّی معارضه کند؛ زیرا روایت معلّی نزد اصحاب، از شهرت بیشتری برخوردار است و احتمال تقیّه در روایت «مناقب» وجود دارد. [۶۷]

همچنین صاحب «جواهر» در دفاع از روایت های معلّی و نقد حدیث «مناقب» می نویسد:

روایت معلّی جای مناقشه در سند و دلالت ندارد؛ چنان که حدیث «مناقب» نمی تواند با آن معارضه کند؛ چرا که با سستی ای که در آن مشهود است، احتمال تقیه نیز در آن می رود. [۶۸]

گفتنی است حمل روایت «مناقب» بر تقیه بعید نیست؛ چرا که اهل سنّت، روزه نوروز را مکروه می دانند. [۶۹] و بدین جهت، در تعارض روایت های معلّی و «مناقب»،

جانب روایات معلّی رجحان می یابد.

بجز اینها، رساله ها و کتبی نیز در تأیید فضیلت نوروز و روایات معلّی تدوین شده، که برخی به چاپ رسیده و برخی دیگر، خطی باقی مانده>اند. [۷۰]

سه ارزیابی نهایی

چنان که پیش از این یاد شد، این نوشتار، نوروز را از منظر حدیث و روایت می کاود و از تاریخ و تقویم

نگاری و فقه، تنها آن را برمی رسد که به گونه ای با حدیث و روایتْ مرتبط شود و در نقد یا تأیید آن، سودمند افتد.

اینک نکته هایی درباب این روایاتْ آورده می شود تا پس از آن به جمع بندی نهایی نزدیک شویم.

یکم: در نقد نوروز، چهار حدیث آوردیم. این احادیث، به هیچ رو قابل تصحیح و اعتبار نیستند؛ زیرا:

۱. روایت اول و چهارم، مضمونی واحد دارند که اوّلی در مصادر شیعه و دومی در مصادر اهل سنّت یاد شده است. روایت شیعی را به قطب راوندی (از عالمان قرن ششم) نسبت داده اند که در کتاب «مستدرک الوسائل» حاجی نوری (م ۱۳۲۰ق) روایت شده است. این روایت، گذشته از آن که در مصادر کهنْ موجود نیست، مضمون آن را هم نمی توان تأیید کرد؛ زیرا چگونه دو عید باستانی ایرانی در جزیره العرب در سال های نخستین اسلام، رایج و مرسوم بود که پیامبر(ص) آنها را با فطر و اضحی منسوخ بدارد؟! بی تردید، نوروز و مهرگان، از آیین هایی باستانی ایرانیان اند که آوازه شان، پس از ارتباط اعراب با ایرانیان، بدان سرزمین رفته است و پیش از آن، آن چنان مقبول مردمان نبوده اند که پیامبر(ص) آنها را با اعیاد اسلامی نسخ کند.

حدیث دیگر، آن است که آلوسی آورده است و تعبیرهای «نوروز» و «مهرگان» در متن آن نیست و ظاهراً راویان، این دو را از روی احتمال (نه قطع و یقین)، به روایت افزوده اند. بدین رو آلوسی پس از نقل حدیث می گوید: «قیل: هما النیروز والمهرجان». گفتنی است که برخی نویسندگان، این اضافه را به آلوسی نسبت داده اند

که جزو حدیث آورده است:

آلوسی در «بلوغ الارب»(ج ۱، ص ۳۶۴، قاهره، ۱۹۲۵م) نقل می کند که انصار، عید نوروز و مهرگان را بر حضرت رسول(ص) عرضه کردند. حضرت فرمودند: خداوند متعال، بهتر از آن را (فطر و اضحی را) به من داده است. [۷۱]

چنان که پیش از این آوردیم، روایت آلوسی چنین است:

قدم النبی(ص) المدینه و لهم یومان یلعبون فیهما. فقال: «ما هذا الیومان؟». فقالوا: کنّا نلعب فیهما فی الجاهلیه. فقال: «قد أبدله اللّه تعالی بهما خیراً منهما: یوم الأضحی و یوم الفطر». قیل: هما النیروز و المهرجان.

۲. روایت «مناقب»، گذشته از آن که مرسل است و با تعبیر «حُکیَ (آورده اند)» نقل شده است، نه حاکی آن معلوم است و نه مصدر نقل ابن شهرآشوب.

۳. روایت بخاری که علی(ع) هدیه نوروز را نمی پذیرفت، گذشته از آن که با روایت دیگر بخاری که علی(ع) هدیه نوروز را می پذیرفت معارضه دارد، با نقل های بسیار دیگر شیعی نیز ناسازگار است و نمی توان به آن، استناد جُست.

دوم: در ارزیابی سندی روایت های موافق، می توان چنین گفت:

۱. روایت کلینی از سند معتبر برخوردار است.

۲. روایت شیخ طوسی از معلّی، اگر چه بدون سند است، لیکن وی در کتاب «فهرست» به کتاب معلّی سند معتبر دارد. [۷۲] محتمل است آن روایت، براساس همین سند باشد.

۳. علامه مجلسی در« زاد المعاد» می گوید: «به اسانید معتبره از معلّی بن خنیس که از خواص حضرت صادق(ع) بوده است، منقول است) [۷۳] و سپس روایتی را نقل می کند که ذیل آن، مطابق روایتی است که شیخ در «مصباح» آورده است.

۴. نقل این روایت ها در مصادر کهنی چون:

الکافی، کتاب من لا یحضره الفقیه، مصباح المتهجّد و دعائم الاسلام، می تواند شاهدی بر اعتبار آنها باشد.

بر این پایه می توان گفت از مجموع احادیث دوازده گانه می توان این مطلب را به پیشوایان دینی نسبت داد که رفتار ایرانیان در گرامیداشت نوروز، در مرأی و منظر آنان بوده و نه تنها مخالفتی با آن نکرده اند، بلکه نسبت به اصل آن و پاره ای رفتارهای ضمنی آن، روی خوش نشان داده و تشویق کرده اند.

بلی؛ ما معتقدیم که بر پایه این احادیث و بدون شواهد تاریخی دیگر، نمی توان خصوصیت های موجود در آنها را به اثبات رساند و اشارات تاریخی موجود در آنها را تأیید کرد. چنان که به جهت برخی نکات تاریخی نامعلوم در آنها نمی توان این کلیّت را تضعیف کرد و نادیده انگاشت.

سوم: بررسی مصادر کهن، نشان می دهد که نوروز به عنوان یک آیین ایرانی، در فرهنگ مسلمانان و شیعیانْ رواج داشته است.

اینک شواهد این امر را بجز روایات یاد شده، بازگو می کنیم:

۱. به اعتقاد برخی متخصصان تبدیل گاه شمار، در جلسه مشورتی خلیفه دوم برای تعیین تقویم، هرمزان تازه مسلمانْ شرکت داشت و تقویم ایرانی را برای حاضران شرح کرد و خلیفه، آن تقویم را برای امور دیوانی و خراج پذیرفت [۷۴] و روشن است که نوروز، جزئی از تقویم ایرانی به شمار می رود.

۲. نجاشی در شرح حال ابوالحسن نصر بن عامر بن وهب سنجاری نوشته است که وی از ثقات شیعیان است و کتاب هایی دارد، از جمله: «کتاب ما روی فی یوم النیروز». [۷۵]

همچنین ابن ندیم درباره صاحب بن عبّاد، آورده است که «کتاب

الأعیاد و فضائل النیروز» نگاشته است. [۷۶]

در دوره صفویه نیز نوروزیه هایی بسیار به قلم علمای دینْ تحریر شد. [۷۷]

۳. خراج در دوره عباسیان بر اساس نوروز تنظیم می شده است. [۷۸]

۴. خلفای اموی و عباسی هدایای نوروز را می پذیرفته اند؛ بلکه دستور می داده اند تا برایشان ارسال گردد. [۷۹]

گفتنی است در برخی مناطق، حاکمان اهل سنّت، گرفتن هدایای نوروز را منع می کردند؛ چنان که از برگزاری مراسم نوروز، ممانعت به عمل می آوردند. [۸۰]

۵. از دیرباز تاکنون، نوروز در سروده های شاعران تازی گو و پارسی زبانْ حضور جدّی دارد و این نیز شاهدی گویا بر حضور نوروز در فرهنگ ایرانیان مسلمان است. [۸۱]

با توجه به این شواهد و امور دیگر، نوروز را در دوره اسلامی از شعائر مجوسی دانستن، سخنی نا صواب است؛ چنان که آن را ترویج آیین آتش پرستان انگاشتن، واقعیت خارجی ندارد. گذشته از اینها در روایات اسلامی و سخن فقیهان، فضیلت روزه نوروز مطرح است و به نقل بیرونی: «مجوس را روزه ای نیست و هر کس از ایشان روزه بگیرد، گناه کرده است». [۸۲]

گیریم روزگاری نیز نوروز چنان بود؛ ولی زمانی که در عرف ایرانیان مسلمان، آن حالت از میان رفت، دیگر ذَمّی بر آن نیست. همان گونه که امام خمینی فتوا داد که شطرنج، اگر روزی ابزار قمار نباشد، حرمتی در بازی با آن نیست [۸۳] و استاد مطهری، مجسمه سازی را مجاز دانست؛ چرا که فلسفه حرمت آن،به جهت فاصله گرفتن از دوران بت پرستی، از میان رفته است [۸۴] و نمونه های بسیار دیگر.

اصولیان را قاعده ای است که در این جا

به کار آید. آنان گویند اگر در میان مردمان، آداب و رسومی رواج داشت و در جان و دل آنان رسوخ یافته بود، چنانچه شرع با آن روی خوشی ندارد و می خواهد آن را طرد سازد، باید ادله ای روشن و قوی که همپای سیره باشد، ارائه دهد وگرنه نمی توان گفت شارع از آن سیره بیزار است و آن را طرد کرده است. به تعبیر دیگر، سیره های راسخ و استوار را نمی توان با عمومات یا ادلّه سست بنیان طرد کرد؛ بلکه دلیل مانع و رادع باید به اندازه قوت سیره، قوت داشته باشد.

بر این اساس و با توجه به آنچه در ریشه داری نوروز و گذشته اش در میان ایرانیان گفته شد، دلیلی بر منع و ردع آن از سوی شرع در دست نیست؛ چرا که ادلّه خاص چنان که یاد شد موهون است که وجهش گذشت و عمومات را نیز در چنین مواردی یارای رویارویی نخواهد بود.

چهارم: اگر بپذیریم که روایت های موافقْ قابل اعتماد نیستند و نمی توان بر پایه آنها رأی و حکمی را اثبات کرد، همچنان که نمی توان بر دسته دوم از احادیث تکیه زد، در این فرض باید حکم نوروز را با اصل اوّلی و قاعده عام دینی نشان داد.

همان گونه که در ابتدای مقاله گذشت، اسلام که دینی جهانی است و همه انسان ها را به سوی خود فراخوانده است، به اقتضای خصلت جهان شمولی اش، هیچ گاه به معارضه سنّت ها و آداب و رسوم ملّی نرفته، مگر آن جا که ترویج باطل باشد یا به تثبیت خرافه ای انجامد و یا ملازم

با محرّمات شرعی گردد.

آیین نوروز، قرن هاست در ایران اسلامی بر پاداشته می شود و مسلمانان، نه به عنوان ترویج آیین مجوس، بلکه به عنوان آیینی ملّی بدان می نگرند. بمانَد که رسم نوروز، پیش از آیین زردتشت نیز در ایران برپا بوده است. [۸۵]

از سوی دیگر، نوروز، تثبیت خرافه ای باطل که با دین ناسازگار باشد، نیست و در سرشت خود، محرّمات شرعی را به همراه ندارد؛ ولی اگر کسی یا کسانی آن را به محرّمات بیالایند، این بدان مانند که سایر کردارهای مباح و حتی امور شرعی را با محرّمات شرعی همراه کنند، که طبعاً معنایش ناپسند شدن آن امر مباح یا شرعی نیست؛ بلکه آنان که چنین می کنند، قابل سرزنش و مذمت اند.

از سوی دیگر، بسیاری از رفتارهای پسندیده، چون: پاکیزگی و آراستگی، سیر و سفر، دید و بازدید، بخشش و دلجویی، هدیه دادن در این رسم و آیین به انجام می رسد که از نگاه شرع و عقل، ستودنی است.

با این وصف، ایستادگی در برابر این آیین ملّی، از زاویه شرع و دین، مستندی محکم ندارد و نشاید بدان دامن زد.

پنجم: آنچه تأیید شده یا مورد ردع قرار نگرفته، چیزی است که در عرف عمومی ایرانیان، نوروز نامیده می شود. اگر در طول زمان، تغییراتی در آن صورت گرفته است که همین عرف عمومی آنها را برمی تابد، خللی در این امضا یا عدم ردع شرعْ وارد نمی سازد.

بر این پایه، ایرادی که برخی فقیهان و نویسندگان در این موضوع گرفته اند (که نامعلوم بودن روز نوروز و تغییر آن، به شرعی بودنش لطمه می زند)، پذیرفتنی نیست.

حاصلْ آن که

۱. روایت

های وارد شده در مخالفت با نوروز، به هیچ روی قابل تأیید و اعتبار نیستند.

۲. در روایت های موافق، به جهت شواهد و قرائن یاد شده، می توان گفت که اصل آیین نوروز، مورد امضا و تأیید است؛ گرچه خصوصیت های یاد شده در احادیث را نمی توان تأیید کرد.

۳. از آن رو که نوروز در میان ایرانیان در دوره اسلامی رایج بود و به عنوان سیره ای عمومی استمرار داشت، نمی توان طرد و ردع آن را از سوی شارع با قواعد کلّی یا ادلّه سست پذیرفت؛ بلکه ردع چنین سیره هایی نیازمند ادلّه خاص و قوی است.

۴. اگر بپذیریم که ادلّه موافق و مخالف، هیچ کدام قابل اعتماد و تأیید نیست، اقتضای قواعد عمومی دینی، عدم مخالفت با نوروز است. [۸۶]

پی نوشت ها

[۱]. سوره توبه، آیه ۵.

[۲]. سوره مائده، آیه ۲.

[۳]. کنزالعمّال، ج ۱۵، ص ۷۸.

[۴]. نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، ص ۴۳۱.

[۵]. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۴۲.

[۶]. دائره المعارف الاسلامیه، ج ۸، ص ۱۶۵.

[۷]. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۷۲.

[۸]. بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۱.

[۹]. جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۵۹.

[۱۰]. نظریه العرف، ص ۹۶.

[۱۱]. شرح اللمعه، ج ۱، ص ۳۰۸.

[۱۲]. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۹۶.

[۱۳]. بحارالأنوار، ج ۹، ص ۹۸.

[۱۴]. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۳.

[۱۵]. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۲۳۴.

[۱۶]. الکـافی، ج ۵، ص ۱۴۱؛ کتاب من لایحضـره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۵.

[۱۷]. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

[۱۸]. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

[۱۹]. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۶ .

[۲۰]. مصباح المتهجّد، ص ۵۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۸ و ج ۵، ص ۲۸۸ و ج ۷، ص ۳۴۶.

[۲۱]. المهذّب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

[۲۲]. بحارالأنوار، ج ۵۶، ص ۹۱.

[۲۳]. المهذّب البارع، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۶.

[۲۴]. مستدرک الوسائل، ج ۱،ص ۴۷۱؛ (چاپ سنگی)

ج ۶، ص ۳۵۴ (چاپ آل البیت).

[۲۵]. التاریخ الکبیر ،البخاری، ج ۱، ص ۴۱۴.

[۲۶]. الآثار الباقیه، بغداد: مکتبه المثّنی، ص ۲۳۰ .

[۲۷]. القاموس، ج ۲، ص ۲۷۹ (داراحیاء التراث العربی).

[۲۸]. آثار الباقیه، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۲۵.

[۲۹]. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۵۲ (چاپ آل البیت).

[۳۰]. المناقب، ج ۴، ص ۳۱۹، ج ۳، ص ۴۳۳؛ بحارالأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۸-۱۰۹ و ج ۹۵، ص ۴۱۹.

[۳۱]. التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۱.

[۳۲]. بلوغ الارب، ج ۱، ص ۳۶۴.

[۳۳]. نامه مفید، ش ۹، ص ۲۱۵.

[۳۴]. همان، ص ۲۱۸.

[۳۵]. همان جا.

[۳۶]. بحارالأنوار، ج ۵۶، ص ۱۰۰(پاورقی).

[۳۷]. همان جا.

[۳۸]. نور علم، ش ۲۰، ص ۱۱۵.

[۳۹]. نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۶.

[۴۰]. همان، ص ۲۱۰.

[۴۱]. مصباح المتهجد، ص ۵۹۱.

[۴۲]. السرائر، ج ۱، ص ۳۱۵.

[۴۳]. الجامع للشرائع، ص ۳۳.

[۴۴]. القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳.

[۴۵]. الدروس، ص ۲.

[۴۶]. البیان، ص ۴.

[۴۷]. الذکری، ص ۲۳.

[۴۸]. اللمعه، ص ۳۴.

[۴۹]. المهذّب البارع، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵.

[۵۰]. جامع المقاصد، ج ۱، ص ۷۵.

[۵۱]. شرح اللمعه، ج ۱، ص ۳۱۶.

[۵۲]. مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۱۷۱.

[۵۳]. مجمع الفائده والبرهان، ج ۲، ص ۷۳.

[۵۴]. جامع عباسی، ص ۱۱ و ۷۸.

[۵۵]. الحبل المتین، ص ۸۰.

[۵۶]. کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۱.

[۵۷]. الحدائق الناضره، ج ۴، ص ۲۱۲.

[۵۸]. کشف الغطاء، ص ۳۲۴.

[۵۹]. مستند الشیعه، ج ۱، ص ۲۰۸.

[۶۰]. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

[۶۱]. کتاب الطهاره، ص ۳۲۸.

[۶۲]. العروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۱ و ج ۲۲، ۲۴۲.

[۶۳]. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۰.

[۶۴]. جامع المدارك، ج ۳، ص ۱۸۲.

[۶۵]. المستند، ج ۱۷، ص ۲۹۹.

[۶۶]. بحارالأنوار، ج ۵۶، ص ۱۰۰.

[۶۷]. كتاب الطهاره، ص ۳۲۸.

[۶۸]. جواهر الكلام، ج ۵، ص ۴۰.

[۶۹]. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۷۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۹۹.

[۷۰]. چاپ شده ها مانند: رساله نوروزیه، سید هاشم نجفی یزدی، ۱۳۷۱قمری. برای نسخه های خطی بنگرید به: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۷۹-۳۸۴؛ نامه مفید، ش ۹، ص ۲۱۳-۲۱۵، مقاله« نوروز در فرهنگ شیعه».

[۷۱]. نور علم، ش ۸، ص ۱۰۸.

[۷۲]. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۹۳.

[۷۳]. زاد المعاد، ص ۴۸۲.

[۷۴]. گاهشماری هجری قمری و میلادی، دکتر رضا عبداللهی، ص ۲۵-۲۶.

[۷۵]. رجال النجاشی، ص ۴۲۸.

[۷۶]. الفهرست، ابن الندیم، ص ۱۹۰.

[۷۷]. بنگرید: الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۷۹-۳۴۸؛ نامه مفید، ش ۹،

ص ۲۱۳–۲۱۵، مقاله (نوروز در فرهنگ شیعه).

[۷۸]. تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۲۱۸ و ج ۱۰، ص ۳۹ و ج ۱۱، ص ۲۰۳.

[۷۹]. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۱۳؛ عیون أخبار الرضا(ع)، ص ۵۵۰.

[۸۰]. نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۸–۲۰۷.

[۸۱]. نوروزگان، ص ۱۶۷–۱۹۷؛ نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۷–۲۰۶؛ نور علم، ش ۲۰، ص ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷.

[۸۲]. الآثار الباقیه، ص ۲۳۰، آثار الباقیه، ص ۳۵۷.

[۸۳]. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۵.

[۸۴]. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۶ .

[۸۵]. آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، محمود روح الامینی، تهران: آگاه، ص ۳۸–۳۶.

[۸۶]. جهت آگاهی بیشتر، بنگرید به: بحارالأنوار، ج ۵۹، ص ۹۱–۱۴۳؛ زادالمعاد، ص ۴۸۵–۸۴۲؛ المهذّب البارع، ج ۱؛ بلوغ الارب، ج ۱، ص ۳۴۸–۳۵۷؛ الخطط المقریزیه، ج ۱، ص ۳۶۹–۳۶۷؛ الآثار الباقیه، ص ۲۱۲–۳۳؛ رساله نوروزیه، سید هاشم نجفی یزدی (یزد: پاینده)؛ نوروز در تاریخ و دین، سید عبدالرضا شهرستانی (نجف: مطبعه الآداب)؛ النوروزه أثره فی الادب العربی، فؤاد عبدالمعطی الصیاد (جامعه بیروت، ۱۹۷۲م)؛ نوروز، تاریخچه و مرجع شناسی، پرویز اذکایی (وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳)؛ النوروز فی مصادر الفقه والحدیث، مرکز المعجم الفقهی (قم)؛ نوروزگان، مرتضی هنری (سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷)؛ «نوروز در فرهنگ شیعه»، رسول جعفریان (نامه مفید، ش ۹، ص ۲۰۱۲۲۰)؛ «نوروز در تاریخ و اسلام»، سید جواد مدرسی (نور علم، ش ۲۰، ص ۱۱۵–۱۰۳)؛ (عید نوروز و صبغه های اسلامی آن)، ابراهیم شکورزاده (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۵، ش ۱و۲، ص ۲۵۸ ۲۴۲)؛ «نوروز ایرانی در تقویم اسلامی»، ابوالفضل نبئی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۵، ش ۴، ص ۷۳۸ ۷۰۳).

نگاهی عمیق به عید نوروز

نویسنده

علی نجفی

ماهنامه درسهایی از مکتب اسلام

نگاهی عمیق به عید نوروز

عیـد نوروز از جمله اعیـاد بسـیار کهن است که حرفهـای ضـد و نقیض زیادی درباره آن گفته شـده است: عـده ای آن را عید آتش پرستان دانسته [۲] و عده ای بر این باورند که نوروز یکی از اعیاد اسـلامی است. هرکدام از این دو گروه برای خود ادله ای دارنـد که در جـای خـود از آن بحث خـواهیم نمـود. این مطلب و چنـد عامـل دیگر مـا را بر آن داشت که در این موضوع مطالعاتی داشته باشیم:

عامـل اول: وجـود این عیـد به عنـوان یکی از بزرگـترین و بـا شـکوه ترین اعیـاد در بین مردم کشور مـا و برخی از کشورهـای همسایه.

عامـل دوم: وجود احـادیث کثیره در این خصوص که بی شـک می توان ادعـای تواتر آنها را نمود. بخصوص ما به احادیثی بر خوردیم که علل پیدایش این عید را بیان می کنند.

عامـل سوم: مـا هیـچ کتـاب فقهی را نیـافتیم مگر این که در مورد اعمال نوروز از قبیل اسـتحباب غسل، روزه، نماز در این روز سخن گفته است.

اینها مطالبی نیست که بتوان به آسانی از آنها گذشت، لااقل هر انسان خردمندی را وامی دارد که ببیند این عید، که آوازه آن، همه جا را فرا گرفته و یکی از اعیاد رسمی کشور اسلامی مان است، از جنبه اسلامی و تاریخی پای آن به کجا بند است؟

آیا عیدی است که روز تاج گذاری و به قدرت رسیدن جمشید، پادشاه ایران باستان را تداعی می کند؟

یا عیدی است که از اولین روز آفرینش و روزی که از همه انسانها در روز الست به یگانگی خداوند متعال و نبوت

پیامبر اسلام(ص) و ولایت امامان معصوم(علیهم السلام) عهد و پیمان گرفته شد، تداعی می کند؟

عامل چهارم: عامل دیگری که ما را به این کار واداشت، و حتی دل خوشـی ما هم همین بود، می دیـدیم که این روز به علی و اولاد آن حضـرت (علیهم السـلام) منتسب است به نحوی که نوروز را نام مبارک علی(ع) و این روز را روز اهل بیت و شیعیان آنها می نامند.

بخصوص در سـالی تنفس کردیم که بنـا به فرموده مقـام معظم رهبری، هم در آغـاز و هم در پایان خود، مزین به عیـد مبارک غـدیر است، خیلی مناسب است که ما این سال را به این مناسـبت سال امام امیرالمومنین علی بن ابی طالب(ع) بدانیم و بنامیم و خودمان را به آن بزرگوار نزدیک کنیم. [۳] این مطلب ما را مصمم به تحقیق در این مهم کرد که شاید قدمی هرچند کوچک برای نزدیکی به زوایای وجودی آن حضرت باشد. ان شإ الله.

به یاری خداوند متعال در این نوشـتار طی مباحثی مختلف از قبیل بحث روائی، فقهی، اصولی، تاریخی و رجالی پیرامون نوروز بحث می نماییم.

گزیده ای از روایات در شإن و عظمت نوروز

۱- به علی(ع) هدیه نوروزی عطا شد، فرمود: این (هدیه) چیست؟

گفتند: یا امیرالمومنین(هدیه) روز نوروز است پس علی(ع) فرمود: «هر روز را برای ما نوروز بسازید». [۴]

۲- محمد بن سیرین می گوید:به علی (رضی الله عنه) هدیه نوروزی عطا شد، فرمود: «هر روز را روز پیروزی قرار دهید».

ابو اسامه می گوید: (علی) اکراه داشت از این که بگوید: (هر روزی) نوروز است». [۵]

۳- اسماعیل بن حماد بن ابی حنیفه گفت: من اسماعیل پسر حماد پسر ابی حنیفه پسر نعمان پسر مرزبان از

فرزنـدان آزاده فارس هسـتم. خـدا اصـلا ما را بنـده قرار نـداده است، جدم در سال هشـتاد متولد شد، و او را پیش علی بن ابی طالب(رضـی الله عنه) بردنـد در حالی که او کوچک بود، پس علی برای جـدم دعا کرد که خداوند به او و به ذریه اش برکت بدهد و ما امیدواریم از جانب خدا که این دعا در حق ما به خاطر علی مستجاب شده باشد.

اسـماعیل بن حماد گفت: نعمان بن مرزبان، آن همان کسـی است که فالوذج را در روز نوروز به علی هـدیه داد، پس علی(ع) فرمود: هر روزی نوروز ماست». [۶]

۴- نیز از او(علی(ع» نقل شده است که به آن حضرت پالوده هدیه دادند، فرمود:

به چه مناسبت است؟ گفتند: به مناسبت روز نوروز، فرمود: اگر قدر بدانید پس هر روزی نوروز است». [۷]

روایـات دیگری هم در این خصوص داریم که نشان می دهـد در آن زمان بسـیاری از مردم به خـدمت علی(ع) هـدیه نوروزی می برده اند و آن حضرت قبول می فرمودند.

هدیه ها غالبا عبارت بودند از شـکر، پالوده، سـمنو و گاه لباسـهای گرانبهای زرباف که در ظرفهایی از نقره می گذاشـتند و به خدمت آن حضرت می بردند.

۵- معلی بن خنیس از امام صادق(ع) نقل می کند که فرمود:

همانا نوروز، همان روزی است که پیامبر(ص) برای علی(ع) در غدیر خم از مردم عهد گرفت پس مردم اقرار کردند به ولایت پس خوشا به حال کسی که به عهد خود ثابت قدم ماند و وای به حال کسی که آن را شکست.

و آن همان روزی است که رسول خدا(ص) علی(ع) را به سوی وادی جن روانه کرد پس

از آنها عهد و پیمان گرفت.

و آن همان روزی است که علی(ع) در آن روز بر اهل نهروان غالب شد و ذوالثدیه را کشت.

و آن همان روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحب امر ظاهر خواهد شد و خداوند او را به دجال غلبه می دهد، پس آن حضرت دجال را بر کناسه کوفه به دار می کشد. و هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن انتظار فرج را داریم، برای این که نوروز از ایام ماست، ایرانیان آن را حفظ کرده اند، و شما(عرب ها) آن را ضایع کرده اید.

پس پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند خواست که زنده کند قومی را که از ترس مرگ از خانه هایشان بیرون رفتند و آنها هزاران نفر بودند و خداوند همه آنها را بمیراند.

پس خداوند به آن پیامبر وحی کرد که در گورهای آنها آب بریزید، پس ریختن آب به آنها در همین روز بود پس زنده شدند و حال این که سی هزار نفر بودند پس آب ریختن در روز نوروز سنت قدیمی گردید، اما هیچ کس علت آن را نمی داند مگر راسخان در علم و آن اولین روز از سال ایرانیان است. [۸]

این حدیث و حدیث بعدی که معلی از امام صادق(ع) نقل کرده است، در چند کتاب روائی و فقهی آمده است که در آنها اختلافاتی دیده می شود ما در میان این چند کتاب به کتاب «المهذب البارع» اعتماد کردیم و حدیث را از آنجا نقل کردیم به چند علت که بعد در بحث سندی احادیث بیان می شود و مرحوم مجلسی در بحار این دو حدیث

را به یک سند متصلا نقل کرده است.

معلی گفت: امام(ع) این حدیث را به من املاء کرد و من از املاء امام نوشتم.

۶- و همچنین روایت شده از معلی گفت: وارد شدم بر ابی عبدالله(ع) در بامداد روز نوروز پس (حضرت) فرمودند:

ای معلی آیا این روز را می شناسی؟

گفتم: نه. و لکی روزیست که ایرانیان از آن تجلیل می کنند و در آن به همدیگر تبریک گفته و دعای خیر می کنند.

فرمود: این چنین نیست قسم به خانه کهن(کعبه) که در دل (شهر) مکه است نیست این روز مگر برای یک امر قدیمی که آن را برای تو تفسیر می کنم. تا این که از آن مطلع شو.

پس گفتم: اگر این علمی را که نزد شما را فرا گیرم برای من دوست داشتنی تر است از این که تا ابد زندگی کنم، و خداوند دشمنان شما را نابود کند.

فرمود: ای معلی روز نوروز همان روزیست که خداوند در آن از بندگانش عهد گرفت که او را عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک او ندانند و این که به رسولان و انبیاء و اولیایش ایمان بیاورند و آن اولین روزیست که خورشید در آن طلوع کرده، و بادهای باردار کننده در آن وزیده است و گلها و شکوفه های زمین آفریده شده است. و آن روزیست که کشتی نوح(ع) به کوه جودی قرار گرفته. و آن روزی است که در آن قومی که از ترس مرگ از خانه های خود خارج شدند و آنها هزارها نفر بودند پس خداوند آنها را میراند و سپس آنها را در این روز زنده کرد. و آن روزیست که جبرئیل

بر پیامبر(ص) نازل گردید.

و آن همان روزیست که ابراهیم(ع) بتهای قوم خود را شکست. و آن همان روزیست که رسول خدا(ص) امیرالمومنین علی(ع) را بر دوش خود سوار کرد تا بتهای قریش را از بالای خانه خدا به پائین انداخت و آنها را خرد کرد. [۹]

۷- معلی بن خنیس از آقا امام صادق(ع) درباره نوروز روایت کرد فرمود:

هر وقت نوروز شد، پس غسل کن، و پاکیزه ترین لباسهایت را بپوش و خوش بو کن خود را با بهترین عطرهایت.

و آن روز را روزه بدار.

پس زمانی که نافله های (نمازهای ظهر و عصر) و خود نمازهای ظهر و عصر را خواندید پس بعد از اینها چهار رکعت نماز بخوان (به این نحو:) در اول هر چهار رکعت سوره فاتحه الکتاب بخوان و ده بار سوره «انا إنزلناه فی لیله القدر» و در رکعت دوم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه «قل هو الله إحد» و در رکعت چهارم فاتحه الکتاب و بعد ده مرتبه سوره «ناس و خلق» را بخوان.

و بعد از خواندن این چهار رکعت (که به رو رکعت باید خوانده شود) سحده شکر کن و در سجده دعا کنه(برا یخودت) که گناه پنجاه سال تو آمرزیده شود. [۱۰]

۸- روایت شده از نبی اکرم(ص) که فرمود: برای علی(ع) هفده اسم است.

پس ابن عباس گفت: یا رسول الله به ما خبر بده که آن اسمإ چه هستند؟

پس پیامبر(ص) فرمود: اسم او نزد عرب «علی» و نزد مادرش «حیدره» و در تورات «الیا» و در انجیل «بریا» و در زبور «قریا» و نزد

روم «بظرسیا» و نزد فرس «نیروز» و نزد عجم «شمیا» و نزد دیلم «فریقیا» و نزد کرور «شیعیا» و نزد زنج «حیم» و نزد حبشه «تبیر» و نزد ترک «حمیرا» و نزد ارمن «کرکر» و نزد مومنین «سحاب» و نزد کـافرین «مرگ سرخ» و نزد مسلمین «وعـد» و نزد منافقین «وعیـد» و نزد من «طاهر مطهر» است و اوست جنب خـدا و نقس خـدا و دست راست خدای عزوجل. بعد پیامبر(ص) به این دو آیه شریفه استشهاد کرد قول خداوند:

«خداوند شما را از نفس خود بیم می دهد» و قول خداوند: «بل دستان او بازند، هر جور که بخواهد ، انفاق می کند». [۱۱]

شرح و توضیح مراد احادیث

در واقع ائمه اطهار(علیهم السـلام) نوروز را به روزی که خداوند در آن معبود و مسجود شده و دین و امر خداوند در آن ظاهر و غالب شده، تفسیر کرده اند.

و این معنا از احادیثی که از امیرالمومنین علی(ع) روایت شـده است، کاملا به دست می آید چنانکه آن حضـرت فرمودند: «هر روز ما نوروز است». [۱۲] چون پیداست که ائمه اطهار(علیهم السلام) همواره به طاعت و پرستش خداوند مشغولند.

و یـا در حـدیثی دیگر فرمودنـد: «هر چیزی را برای مـا اختیـار کنیـد که در این صورت هر روزتـان نوروز است». [۱۳] و یـا در حدیثی دیگر فرمودند: «اگر قدر بدانید هر روزی نوروز است». [۱۴] یعنی اگر معصیت خداوند نکنید و قدر عمر خود را بدانید و هر روزی پیشـرفتی داشته باشید، آن روزتان نو و تازه است و الا اگر پیشرفت نداشته باشید و درجا بزنید پیداست که این روز همان روز گذشته می شود و در این صورت نه نوروز بلکه

کهنه روز خواهد بود.

و چنانکه در حدیث آمده است که «هرکس دو روزش باهم مساوی باشد،زیان کرده است». [۱۵]

و بالاخره کلام گهربار علی(ع) که فرمود: «هر روزی که در آن معصیت نکنید، آن روز عید است». [۱۶] در مورد نوروز هم همین حکم صادق است.

بنابراین از دیدگاه ائمه اطهار(علیهم السلام) هر روزی که در آن معصیت خداوند نشود و بلکه در آن روز امر دین خداوند ظهور و تبلور داشته باشد آن روز نوروز است و به همین خاطر امام صادق(ع) آن ایام را نوروز می خواند چون در غدیر خم امر خداوند ظاهر و غالب شد و دین او کامل شد و یا در بیعت دومی با علی(ع) [۱۷] و یا در جنگ نهروان که علی(ع) پیروز شد در واقع دین خدا پیروز شد و به این سبب خداوند عبادت شد.

و یا روز نزول جبرئیل به پیامبر اکرم(ص) به این خاطر نوروز است که سرآغاز توحید و عبادت خداوند و دوری از شرک و جهالت است.

و بالاخره اگر روز ظهور مهدی(ع) نوروز نامیده می شود، به خاطر پیروزی کامل دین و امر خداوند بر شرک و نفاق می باشد و به همین خاطر روزی تازه و نو نامیده می شود چون دنیا روزی تازه را شروع می کند و در تمام این امور که در حدیث ذکر شده، اگر نوروز نامیده می شود به خاطر این است که دنیا با این اتفاقات مهم روزی جدید و تازه را آغاز می کند و به همین اعتبار ۲۲ بهمن ۵۷ را هم باید نوروز بنامیم.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که نوروز در احادیث، یک روز

خاصی از سال نمی باشد پس احادیث نمی توان برای اثبات مدعای خود تمسک بجوییم چه مدعای ما نوروز معروف و مشهور در موقعی خاص از سال است.

نوروز سند افتخار ایرانیان

اما تحقیق مطلب این است که هر چند در نظر ابتدائی از این احادیث چنین مطلبی استفاده می شود بخصوص از احادیث امام علی(ع). اما با توجه به سوال و جواب راویان این احادیث به نظر می رسد که مقصود از نوروز، همان روز خاص است. مثلا «معلی» می گوید:

«در روز نوروز بر امام صادق(ع) وارد شدم امام سوال می کرد: «آیا این روز را می شناسی؟»».

معلی: «این روزی است که ایرانیان آن را تعظیم می کنند و در آن به همدیگر هدیه می دهند».

امام: «قسم به خانه کعبه که در مکه است، این روز نمی باشد مگر به خاطر یک امر کهن». و یا جملات پایانی حدیث امام(ع) که می فرمایند:

«هیچ روز نوروزی نمی باشد الا این که ما در آن انتظار فرج را داریم برای این که آن از ایام ما و ایام شیعیان ما است [۱۸] که ایرانیان آن را حفظ کرده اند و شما (اعراب) آن را تباه کرده اید».

همه اینها شاهد بر این مطلب است که از نوروز روز خاصی را اراده کرده اند که همان اول سال ایرانیان باشد و حتی در بعضی از احادیث تصریح شده است که آن نوروز اول سال ایرانیان است.

پیداست آن نوروزی که ایرانیان آن را از قدیم الایام حفظ کرده اند، غیر از همان عید نوروز معروف و مشهور چیز دیگری نمی باشد.

پس این شبهه که منظور از نوروز در احادیث، نوروز «وصفی» است، نه

نوروز «علمی» بی مورد است.

همین جواب را می شود در مورد احادیث مروی از علی(ع) هم داد چون علی(ع) این سخنان را برای کسی که در روز نوروز برای حضرت فالوده برده بود، بیان داشتند. مطلبی که از این احادیث استفاده می شود، این است که نوروز در طول اعصار مختلف به وسیله وقوع تحولات بزرگ دینی و اجتماعی در آن همواره روح و حیات تازه ای به خود گرفته است به نحوی که آن تحولات که در نوروز واقع شده اند، شایسته این بوده اند که آن روز را نوروزی دیگر بنامیم.

شاید کسانی که جلوس جمشید به پادشاهی [۱۹] و یا ورود او را به آذربایجان [۲۰] علت پیدایش نوروز می دانند همین مطلب را در نظر داشته اند یعنی چون تجدید آئین ایزد پرستی در روزگاری که صابئیت حتی پادشاه زمان را هم به پیروی از خود وادار کرده بودند، در نظر مردم بسیار با اهمیت و بزرگ جلوه کرد آن روز را نوروز خواندند.

و همین باعث شد، کسانی که اطلاع دقیقی از تاریخ پیدایش نوروز نداشتند، آن روز را علت پیدایش نوروز بدانند غافل از این که نوروز از زمان حضرت آدم(ع) موجود بوده است.

در واقع منظور از خواندن چنین ایامی به «نوروز» نه این بوده که آنها این امر را منشإ پیدایش نوروز بدانند، بلکه فقط خواسته اند، اهمیت و عظمت آن روز را بیان و معرفی کنند.

بنابراین با کمی دقت به این نتیجه می رسیم که احادیث، نوروز را به روزی که برای تمام انسانها روزی نو و تازه است تفسیر کرده اند نه روزی نو و تازه برای هر

فردی که در طول شب و روز فردی مومن و موفقی بوده است، یعنی احادیث -همانطور که از مواردی که برشمرده اند، به دست می آید- به افراد و جزئیات زندگی روز مره آنها نظری ندارند، بلکه به تحولات اجتماعی و سیاسی که به تمام انسانها و عقاید آنها حکومت دارد، نظر داشته و نوروز را از این حیث و جهت تعریف و تفسیر می کند.

نوروز آئینه تمام نمای ولایت علی(ع)

اشکال: استظهار مذکور با احادیث مروی از علی(ع) مخالف است چون احادیث ظهور در امور جزئی و فردی دارند نه امور کلی و عام.

جواب: امام علی(ع) در زمانی نبوده اند که بتوانند واقعیت مطلب را آن جور که هست، بیان کنند یعنی چنانکه از قرائن به دست می آید، دشمنان علی(ع) و اولاد آن حضرت با نوروز مخالف بوده اند و علت مخالفتشان هم با نوروز نه به خاطر این بوده که نوروز را از رسوم مجوسیان و کفار می دانسته اند، بلکه علت مخالفتشان این بوده است که آنها می دیده اند.

این روز از قدیم الایام در عالم به نام علی(ع) و اولاد آن حضرت معروف و مشهور بوده است یعنی می دیدند که از اول خلقت خداوند سکه این روز را به نام نامی علی(ع) و پیروان آن حضرت زده است لذا با این روز مخالفت می کردند.

دلیل ما همان حدیثی است که «ابن عباس» از پیامبر اکرم(ص) نقل می کند و همانطور که ملاحظه نمودید، در این حدیث پیامبر اکرم(ص) نوروز را نام و اسم علی(ع) می داند و می فرماید: در میان ایرانیان اسم علی(ع) نوروز است یعنی ایرانیان در زمان های گذشته علی را به

نام نوروز می شناخته اند. و عید بزرگ خود را متبرک و متصف به نام علی(ع) کرده اند هرچند حقیقت و مقصود این عید چیزی غیر از علی(ع) و اولاد آن حضرت نمی باشد.

البته ایرانیان این عید را نسل اندر نسل از پیامبران و طبق حدیثی که از امام باقر(ع) نقل خواهیم کرد، از حضرت آدم(ع) به ارث برده اند.

بنابراین علت مخالفت اهل سنت با عید نوروز کاملا روشن می شود و آن این که آنها چون از پیامبر اکرم(ص) این حدیث و دهها حدیث مشابه دیگر را درباره نوروز و علی(ع) شنیده بودند، با این روز مخالفت می کردند.

آنها می دانستند که اگر با نوروز مخالفت و مقابله نکنند، باید مقام خلافت و سرپرستی مسلمانان را که به بهای دین و آخرت خود به دست آورده اند، از کف بدهند چون می دیدند حیات و گسترش این عید حیات و گسترش علی(ع) و یاران آن حضرت را به دنبال خواهد داشت.

پیداست که این یک پیام بزرگ داشت و آن این که از اول خلقت و آغاز حیات اولاد آدم(ع) علی (ع) را به عنوان وصی و کامل کننده دین پیامبر آخرالزمان می شناختند و به او اعتقاد داشته اند.

و الا اگر آنها با سنت کنار مخالف بودند در نماز تکتف. [۲۱] نمی کردند.

لذا آنها با نوروزی که به روز میثاق و پیمان به توحید و نبوت و امامت ائمه اطهار(علیهم السلام) تفسیر شده است، مخالف هستند نه با نوروزی که به هر روز پر خیر و سعادت تفسیر شود، بنابراین علی(ع) ناچار بود که از تعریف نوروز واقعی دست بردارد و نوروز را جوری تفسیر و

تعریف کند که با مذاق آنها سازگار آید.

پس علی(ع) در واقع در کلام خودشان تقیه کرده اند و در صدد بیان نوروز واقعی نبوده اند و از جمله دلائلی که دلالت بر تقیه بخصوص در زمان علی(ع) می کند، عبارت از حدیث امام صادق(ع) است که فرمود: «شما (اعراب) نوروز را ضایع کردید».

مخالفت اهل سنت با نوروز در کتب فقهی

مخالفت اهل سنت با نوروز در کتب فقهی آنها هم کاملا آشکار است که ما در اینجا قسمتی از چند کتاب معتبیر فقهی آنها ذکر می کنیم:

در بدائع الصنائع: ج ۲، ص ۷۹ گفته است: «روزه گرفتن در روز شنبه به تنهائی کراهت دارد چون تشبه به یهود است و همچنین روزه گرفتن در «نیروز» و «مهرجان» بدان این که تشبه به مجوس است».

و در المغنی ج ۳، ص ۹۹ گفته است: «روزه گرفتن روز «نیروز» و روز «مهرجان» به تنهائی کراهت دارد برای انی که آن روزها روزهایی هستند که کفار آنها را بزرگ می شمارند».

از جمله دلائل دیگر که دلالت می کند که ائمه اطهار(علیهم السلام) بخصوص علی(ع) تقیه می کردند حدیثی است که قبلا از «سنن بیهقی» نقل کردیم. در پایان این حدیث «ابو اسامه» می گوید: «علی کراهت داشت بگوید نیروز» و به جای نیروز گفت: «فیروز».

آیا امام نوروز را تفسیر کردند یا تحریف؟

در این جا این سوال پیش می آید که چرا امام صادق(ع) در هر دو روایت فرمودند: «افسره لک حتی تفهمه» و نفرمودند: «اخبره لک» و یا «اقوله لک»؟ با توجه به این که امام(ع) در مقام اخبار از گذشته بودند.

به تعبیر دیگر: می بایست امام(ع) می فرمودند علت حدوث نوروز را برای تو نقل و یا بیان می کنم نه این که بفرمایند علت حدوث نوروز را برای تو تفسیر می کنم و چون کلمه تفسیر ظهور در این دارد که بدون این که به علت پیدایش این روز و یا حتی خود این روز در نظر دیگران کاری داشته باشیم، بیائیم آن را بر محمل مورد نظر خود حمل کنیم یعنی در واقع بگوئیم

نوروزی که آنها می گویند، و به آن اعتقاد دارند، نوروز نیست، بلکه نوروز این است که من برای تو تفسیر و بیان می کنم بخصوص با توجه به این که امام(ع) در جواب معلی که گفت: روزی است که عجم از آن تجلیل می کنند و در آن به همدیگر تبریک می گویند فرمود: نه این چنین نیست با این که معلی هم می دانست که نوروز در چه موقعی از سال است و رسم و رسوم آن را هم می دانست و برای امام(ع) تعریف کرد و اتفاقا تعریف معنی کاملا منطبق بر نوروز بود ولی با این حال امام این تعریف را رد فرمودند و این دلیل بر این است که امام خواسته اند نوروز را که به معنی روز نو و تازه است، بنا به نظر و معتقدات خودشان تعریف و تفسیر کنند؟

جواب: تفسیر به معنی پرده برداشتن و ظاهر نمودن حقیقت و واقعیت چیزی است و گویا معنایی که مجمل است، آن را با یک پرده و پارچه ای پوشانده اند و همین امر، سبب اجمال و دوری از معنی واقعی آن می شود، و تفسیر این است که این پرده کنار زده شده و معنی واقعی آشکار گردد.

نوروز هم گذشت زمان بر آن یک پرده ضخیم و تاریک انداخته که ماهیت و حقیقت واقعی آن را از ما پوشانیده بود، و همین باعث شده که مردم از نوروز و علت حدوثی آن برداشتها و تفسیرهای مختلف و نادرستی بکنند. ولی در این میان این امام(ع) است که با علم الهی خود از نوروز و علت حدوث آن به درستی

خبر می دهد چون به اعتقاد ما شیعیان امام(ع) چنان که این که از گناه به دور است، همچنین از اشتباه و خطا که ناشی از جهل و غفلت و غیره است، نیز به دور می باشد. در حدیث، کلمه و یا قرینه ای دال به این که منظور از نوروز غیر از نوروز معروف و مشهور در نزد ایرانیان است وجود ندارد مگر «کلما» که صرف ردع و منع است اما منظور امام این نیست که با این جواب باور ایرانیان در مورد نوروز را رد کند، بلکه می خواهد از علت واقعی نوروز خبر دهد توضیح این که اگر امام تعریف معلی را رد کردند نه به خاطر این بود که تعریف معلی نادرست بود و یا این که امام(ع) می خواست نوروز مورد اعتقاد و منظور خود را بیان کند ولی معلی از نوروز مورد اعتقاد ایرانیان خبرداد و امام هم رد فرمود، بلکه اگر امام این تعریف را رد فرمودند به خاطر این بود که این تعریف یک تعریف سطحی و تعریف به رسم و رسوم بود و در این تعریف هیچ اشاره به علت وجودی نوروز نشده است و خود معلی در صدر حدیث هم بیان داشت که من این روز را نمی شناسم اما ایرانیان چنین برخوردی با این روز دارند و گویا معلی می خواست از این طریق نوروز را بشناساند که امام معلی را از چنین تعریف منع و بازداشتند و خود در صدد تعریف واقعی آن برآمدند که گذشت زمان باعث فراموشی علت واقعی نوروز و مراسم آن شده است.

حقیقت و جان مایه نوروز

حال امام می خواهند با این بیان

ما را متوجه علت واقعی نوروز بکنند که نوروز یک تحویل سال و یا ابتدای فصل بهار به تنهائی نیست، بلکه اگر نوروز را نوروز می خوانند این به خاطر وقایع و تحولات بزرگی چون غدیر و ظهور امام زمان در چنین روزی می باشد و همین تحولات عظیم و بزرگ باعث بزرگی و عظمت این روز شده است و الا همه روزها در این که یک روز هستند، هیچ فرقی باهم ندارند و عباراتی چون «برای این که نوروز از ایام ماست، ایرانیان آن را حفظ کردند و شما آن را ضایع کردید» و یا آن اولین روز از سال ایرانیان است و یا پس آب پاشیدن در نوروز سنت شرعی گشت همه این عبارات که در احادیث آمده است، دلالت می کند که منظور از نوروز همان نوروز مورد اعتقاد ایرانیان است نه چیز دیگر.

بنابراین با اطمینان کامل می توانیم بگوئیم که احادیث، نوروز را به عنوان روزی خاص از سال که همان اول سال ایرانیان باشد، به روزی که امر دین و قدرت خداوند در میان مردم و جامعه ظهور و تبلور یافته و استوار می شود، تفسیر نموده اند.

دنباله دارد

پی نوشت ها

[۱]. اگر خواننده گرامی در محتوای مقاله نظری داشته باشد، برای ما ارسال بدارد تا در مجله منعکس شود.

[۲]. المنجد، اقرب الموارد، معجم مفردات الفاظ القرآن، معجمع الفروق اللغویه، مجمع البیان، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تحریم النوروز به نقل از کتاب «نوروز چه روزی است».

[۳]. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱/۱/۷۹ پیام رهبری به مناسبت سال. گفتنی است که این مقاله در سال ۷۹ نوشته شده است.

[۴]. «و اتی علی (ع) بهدیه النیروز، فقال:

ما هذا؟ قالوا: یا امیرالمومنین الیوم النیروز، فقال: اصنعوا لنا کل یوم نیروزا» (من لا یحضره الفقیه: ج ۳، ص ۳۰۰).

[۵]. «اخبرنا ابوعبدالله الحافظ، ثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، ثنا الحسن بن علی بن عفان ثنا ابو اسامه عن حماد بن زید، عن هشام عن محمد بن سیرین قال: اتی علی(رضی الله عنه) بهدیه النیروز، فقال: ما هذه؟ قالوا: یا امیرالمومنین هذا یوم النیروز. قال: فاصنعوا کل یوم فیروز» قال ابو اسامه کره إن یقول نیروز» (سنن بیهقی: ج ۱، ص ۲۳۴).

توضیح : این که ابو اسامه می گوید: علی اکراه داشت از این که بگوید «نیروز است» برداشت نادرستی است چون ابواسامه در محضر علی نبوده تا بگوئیم از چهره و یا کفیت کلام آن حضرت این مطلب را فهمیده است چون او این حدیث را به سه واسطه نقل می کند بلکه علی می خواسته بگوید: «پیروزید» اما چون حرف «پ» در کلام فصیح عرب به کار نمی رود، لذا تعبیر به «فیروز» نمودند.

[۶]. قال اسماعیل بن حماد بن ابی حنیفه انا اسماعیل بن حماد بن ابی حنیفه بن النعمان بن المرزبان من ابنإ فارس الاحرار و الله ما وقع علینا رق قط، ولد جدی سنه ثمانین(نسخه ای که نگارنده دیده، «ثمانین» می باشد. ولی احتمال هست که در اصل «ثلاثین» باشد؛ زیرا اگر ثمانین باشد با دوران زندگانی امیرالمومنین(ع) سازگار نیست) و ذهب به الی علی بن ابی طالب و هو صغیر فدعا له بالبرکه فیه و فی ذریته و نحن نرجو من الله إن یکون قد استجاب لعلی. قال : و النعمان بن المرزبان هو الذی اهدی الی علی بن ابی طالب

الفالوذج فی یوم النیروز، فقال علی «نوروزنا کل یوم». (الانساب: ج ۲، ص ۳۷).

[۷]. دعائم الاسلام: ج ۲، ص ۳۲۶.

[۸]. حدثنی المولی السید المرتضی العلامه بهإ الدین علی بن عبدالحمید الساریه باسناده الی المعلی بن خنیس عن الصادق ان یوم الینروز هو الیوم الذی اخذ فیه النبی لامیرالمومنین علی العهد بغدیر خم فاقروا فیه بالولایه فطوبی لمن ثبت علیها و الویل لمن نکثها و هو الیوم الذی وجه فیه رسول الله علیا الی وادی الجن فإخذ علیهم العهود و المواثیق. و هو الیوم الذی ظفر فیه بإهل النهروان و قتل ذا الثدیه. و هو الیوم الذی یظهر فیه قائمنا إهل البیت و ولاه الامر، و یظفره الله تعالی بالدجال فیصلبه علی کناسه الکوفه. و ما من نیروز الا و نحن نتوقع فیه الفرج لانه من ایامنا حفظه الفرس و ضیعتموه ثم ان نبیا من انبیإ بنی اسرائیل سإل ربه إن یحیی القوم الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فإماتهم الله فإوحی الیه ان صب علیهم المإ فی مضاجعهم، فصب علیهم المإ فی هذا الیوم فعاشوا و هم ثلاثون الفا. فصار صب المإ فی یوم النیروز سنه ماضیه لا یعرف سببها الا الراسخون فی العلم و هو اول یوم من سنه الفرس قال المعلی و املی علی ذلک و کتبته من املائه. و عنه انه اهدی الیه فالوذج فقال: ما هذا؟ قالوا: یوم نیروز قال: فنیروزا ان قدرتم کل یوم یعنی تمادوا و تواصلوا فی الله. (عوالی اللئالی: ج ۳، ص ۴۱ - المهذب البارع، بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۱۱۶ - وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۸۸).

[۹]. و روی عن المعلی ایضا قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه

السـلام فی صبیحه یوم النیروز، فقـال: یـا معلی اتعرف هـذا الیوم؟ قلت لاـ و لکنه یوم یعظمه العجم و تتبـارک فیه قـال: کلاـ و البیت العتیق الـذی ببطن مکه، ما هـذا الیوم الا لامر قدیم، افسـره لک حتی تعلمه. فقلت: لعلمی هذا من عندک احب الی من إن اعیش ابـدا. و یهلک الله اعـدائکم. قال: یا معلی یوم النیروز، و هو الیوم الـذی اخذ الله فیه میثاق العباد إن یعبدوه و لا یشـرکوا به شیئـا و ان یـدینوا فیه برسـله و حججه و اولیـائه، و هـو اول یوم طلعت فیه الشـمس و هبت فیه الریـاح اللواقـح، و خلقت فیه زهره الارض، و هو الیوم الذی اسـتوت فیه سفینه نوح علی الجودی. و هو الیوم الذی احیا الله فیه القوم الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حـذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم. و هو الیوم الـذی هبط فیه جبرئیل علی النبی و هو الیوم الذی کسـر فیه ابراهیم اصـنام قومه. و هو الیوم الذی حمل فیه رسول الله امیرالمومنین علی علیه السلام علی منکبیه حتی رمی اصنام قریش من فوق بیت الحرام فهشمها. (مدرک قبل).

[۱۰]. عن المعلی بن خنیس عن مولانـا الصـادق(ع) فی یـوم النیروز قـال: اذا کـان یـوم النیروز فاغتسـل و البس انظف ثیابـک و تطیب باطیب طیبک، و تکون ذلک الیوم صائما. فاذا صلیت النوافل و الظهر و العصر فصل بعد ذلک إربع رکعات، تقرإ فی اول کـل رکعه فاتحه الکتاب و عشـر مرات «انا انزلناه فی لیله القـدر» و فی الثانیه فاتحه الکتاب و عشـر مرات «قل یا ایها الکافرون» و الثالثه فاتحه الکتاب و عشر مرات «قل و الله

احـد» و فی الرابعه فاتحه الکتاب و عشر مرات المعوذتین و تسجد بعد فراغک من الرکعات سجده، الشکر و تدعوا فیها یغفر لک ذنوب خمسین سنه. (مصباح المتهجد ص ۵۹۱، وسائل ج ۵، ص ۲۸۸).

[۱۱]. قد روی عن النبی(ص) انه قال: لعلی(ع) سبعه عشر اسما فقال ابن عباس اخبرنا ما هی یا رسول الله؟ فقال: اسمه عند العرب علی و عند امه حیدره و فی التوراه الیا و فی الانجیل بریا و فی الزبور قریا و عند الروم بظرسیا و عند الفرس نیروز و عند العجم شمیا و عند الدیلم فریقیا و عند الکرور شیعیا و عند الزنج حیم و عند الحبشه تبیر و عند الترک حمیرا و عند الارمن کرکر و عند المومنین السحاب و عند الکافرین الموت الاحمر و عند المسلمین وعد و عند المنافقین وعید و عندی طاهر مطهر و هو جنب الله و نفس الله و یمین الله عزوجل قوله «و یحذرکم الله نفسه» و قوله: «بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشإ» (الفضائل تإلیف شاذان بن جبرئیل قمی، ص ۱۷۵).

[۱۲]. الفقیه: ج ۲، ص ۳۰۰ ح ۴۰۷۴ قال(ع) : «نیروزنا کل یوم».

[۱۳]. همان.

[۱۴]. همان.

[۱۵]. بحارالانوار: ج ۷۱، ص ۱۷۳ ح ۵، باب ۶۴.

[۱۶]. بحار: ج ۹۱، ص ۱۳۶، ح ۵، باب ۵.

[۱۷]. این قسمت در حدیث بحار موجود است ولی در سایر نسخ احادیث موجود نیست.

[۱۸]. این قسمت حدیث در بحار موجود است «لانه من ایامنا و ایام شیعتنا»ج ۵۶، ص ۹۱.

[۱۹]. بحارالانوار: ج ۵۶، ص ۱۴۱، المحاسن و الاضداد، ص ۲۷.

[۲۰]. التفهیم لاوائل صناعه التنجیم: ص ۲۵۳.

[۲۱]. تکتف یعنی دو دست را رویهم بر سینه گذاشتن، عملی است که اهل سنت هنگام نماز به آن معتقدند.

می گویند بزرگ اهل سنت(عمر) این عمل را از مجوسان ایرانی اقتباس کرد و دستور داد از این پس همه مسلمانان هنگام نماز، به عنوان خضوع در برابر خدا (همچون خضوع ایرانیان در برابر پادشاه) به آن ملزم شوند.

عید نوروز

رستاخیز طبیعت

به شیدایی بهار است، اگر نگاه شوخ گل و ناله بلبل به هم پیوند می خورد؛ از نسیم بهار است، اگر گل ها زیباییِ عریان خویش را به دیده تماشاگران هدیه می کنند؛ حاصل مستی بهار است، اگر چکاوک با موسیقی رود، سرود سبز زیستن می سراید.

چه زیباست در این رستاخیز طبیعت، نقش بندهای قشنگ نقاش آفرینش را با تأملی ژرف بنگریم و در زایش بی امان زمین و دگرگونی مقتدرانه زمان، دگرگونی درونی خویش را از خالق نوروز آرزو کنیم.

پلی به فردا

بهار، قطع نامه ای است که علیه سردی و خشونت، انجماد و خواب، سکون و سکوت و رخوت و یخ زدگی صادر می شود. پلک بسته سبزه ها باز می شود. خاک خمیازه می کشد و گل به تبسم و خنده می ایستد. بهار که می آید صولت زمستان می شکند و ناز و تنعم خزان پیش پای باد فرو می ریزد. آب ها در سفر طولانی خویش، شکفتن را در گوش درختان زمزمه می کنند. در قیامت شگفت خاک، رازهای پنهان زمین آشکار می شود و گل ها و شکوفه های لرزان به پای می ایستند تا من و تو، پلی به فردای ناگزیر ببندیم تا غبار برانگیخته دیروز و امروز، فردا را از ما نگیرد.

فرصت ها را غنیمت شماریم

اینک ۳۶۵ روز، فرصت شکوه مند را پشت سر نهاده ایم، و روزهایی که هرکدام می توانند یک قرن شکفتن و بالیدن همراه داشته باشند، پیش روی ماست. چه کسی می گوید همه روزها و لحظه ها برابرند؟ گاه یک لحظه ما، ارج و عظمت یک قرن را می یابد و گاه یک قرن زیستن، به یک لحظه نمی ارزد. مگر نیستند آنان که شبی را آن سان می گذرانند که از هزار ماه برتر و والاتر است. اینک سالی نو، با روزهایی سبز، با لحظه هایی که می توانند پیک بهارانی بزرگ، فرداهایی شورانگیز و آینده هایی آینه رنگ باشند، پیش روی ماست. پس فرصت ها را غنیمت شماریم.

طرح دوستی با خود و خدا

همواره گفته اند سالی که نکوست از بهارش پیداست. اگر اوّلین روز سال، با خودمان آشتی کنیم و با خدا طرح دوستی استوارتر بریزیم و با دیگران نیکوتر شویم، سال نیکویی را آغاز کرده ایم، و اگر جز این چهار فصل، زندگی را زمستانی و خزان زده پسندیده ایم، بیاییم بهار را در خویش جشن بگیریم و آن گاه لبخند بزنیم که ستاره لبخند بر آسمان چهره دیگران بدرخشد.

تقاضای سبز شدن

نوروز، حکایت نو شدن و نوخاستن است، حکایت بهار، حکایتِ سر زدن حیات پس از مرگ زمستانی و حکایتِ سبز سرسبز شدن و سبز ماندن؛ نوروز، سرفصل کتاب سبز آفرینش است که در هر سال با تجدید مطلع خود، شور حیات را در گوش جان هستی با ترنمی دل نشین می نوازد؛ نوروز آغاز است، آغاز بهار و آغاز حیات. آغازی که درختان با زبانی سبز و بانگی بلند آن را اعلام می کنند؛ نوروز، برهان رستاخیز است و مجالی برای بازگشت و رجعت به اصل شکفتن و سبز برخاستن؛ نوروز، تقاضای سبز شدن است که: «یا محول الحول و الاحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال.»

آبشار مهر

نوروز، فرصت آشتی انسان هاست با طبیعت، پس از چشیدن سوز زمستان؛ روزی است که ما در آن زبان به هم دلی می گشاییم؛ فرصت زُدودن کینه ها از سینه هاست؛ زمان تابش آفتاب مهربانی بر سرزمین قلب های مردمان است؛ هنگام تداعی پاکی و طهارت در ذهن زمین و زمان است؛ و آبشار مهری است که باید در جانمان سرازیر شود و در دستمال جاری.

نوروز، نشان ملیّت و پذیرفته شده مذهب

عید نوروز، عیدی ملّی و باستانی است که هم زمان با نخستین روز از اوّلین ماه شمسی برگزار می شود. این روز، ریشه در آیین ها و سنت های کهن ایرانیان دارد و از قدیمی ترین دوران تاریخی این مرز و بوم، تا کنون پاینده و پایدار مانده است. بی شک، در میان همه عیدها و آیین های قومی و مذهبی، نمی توان رویدادی را به مانند نوروز، جست وجو کرد که هم پذیرفته شده مذهب باشد و هم نشان ملیّت. از این روست که این عید در میان ایرانیان که آموزه های دینی را باور دارند و به سنت های ملّی وفادار بوده اند، ارزشی ماندگار یافته است.

روز بزرگ امید

آغاز سال، همیشه با امیدها و آرزوهای فراوان همراه بوده و لحظه وا نهادن غم ها و رنج هاست؛ بنابراین، شروع سال نو و آمدن بهار و تحولی که در طبیعت ایجاد می شود، انسان را به آینده ای دگرگون، دل بسته می سازد که سرشار از امید به زندگی است و از این روست که آن را نوروز، روز نیک بختی و روز بزرگ امید نامیده اند.

نوروز جشنی دیرینه

بی تردید، سنت های ملی و آداب و رسوم قومی، ریشه در باورها و اعتقادهای مردم دارند و طبعا نیاکان ما، نوروز را به همین دلیل، در هاله ای از تقدس، فال نیک، فرخندگی و نیک روزی قرار داده اند، و برای توجیه تقدس و خجستگی آن، داستان ها و افسانه ها ساخته اند. از مجموع این داستان ها می توان به دیرینگی نوروز، اهمیت و خجستگی آن پی برد و نقش آن را در تعمیم عدالت، مهربانی، دستگیری از ناتوانان و رفع دشمنی ها و زشتی ها باز شناخت.

پیدایی نوروز

در بیشتر نوشته ها درباره جشن نوروز، پیدایی این عید را به «جمشید» پادشاه هخامنشیان نسبت داده اند؛ بدین صورت که «جم» پادشاه آن زمان، پس از در نوردیدن سرزمین های بسیار، وقتی که به آذربایجان رسید، دستور داد تخت جواهر نشانی را بر مکان بلندی به سمت مشرق بگذارند و خود نیز تاج جواهر نشانی را بر سر گذاشت و بر آن تخت نشست. همین که پرتو خورشید بر تاج افتاد، شعاعی در نهایت روشنایی به وجود آمد، مردم شاد شده و گفتند: امروز، روز «نو» است و به این دلیل که به زبان پهلوی، شعاع نور را «شید» می گفتند، از آن روز این کلمه را بر نام جم افزودند و او را «جمشید» نامیدند و جشن بزرگی برپا کردند.

ماندگاری و استمرار نوروز

همواره در طول تاریخ، مردمان به جشن نوروز توجه می کرده اند. حوادث روزگار، اگرچه گهگاه آن را از شور و گرمی می انداخته، اما هرگز به فراموشی سپردن آن نینجامیده است. در میان جشن های ملی ایران: نوروز، مهرگان و سَده از دیگر جشن ها پر رونق تر بوده است ؛ اما به تدریج، مهرگان و سده، در میان ایرانیان رونق خود را از دست داد. این جشن ها در دوران پس از اسلام، نه تنها عمومیت و آوازه نوروز را نیافت، بلکه رفته رفته کم رنگ تر شد و تدریجا برخی از آداب آن ها در نوروز حل شد و خود نیز عملاً منحل شده اند. تنها نوروز توانست، هم چنان عید بزرگ ایرانیان به جا بماند و حتی به دلیل بعضی از رسوم متناسب با آداب اسلامی، نوعی تقدس و

اهمیت نیز بیابد.

معنای لغوی عید

«عیـد» از ریشه «عـاد یَعـود» و به معنـای بـازگشت است. هم عیـدهایی که بشـر در تاریـخ خـود ثبت کرده، در این خصوصـیت مشترکنـد؛ از اعیاد کهن گرفته تا عیدهای ملی و مذهبی، همه حکایت از واقعه ای خاص و شایان توجه دارند؛ واقعه ای ارزش مند که انسان ها از یادآوری آن به وجد می آمده اند و لذت می برده اند.

عید نوروز نیز از سنت ها و باورهای کهن ایرانیان و فصل شور و شادی و شعف آنان بوده است.

معنای اصطلاحی عید

اگرچه «عیـد» به جشن سالانـه ای گفته می شود که هرسـال بـا بـازگشت خود، سـرور و نشـاط را به قوم، نژاد یـا ملـتی بـاز می گرداند، معنای ژرف تر آن، بازگشت انسان به ریشه آسمانی خویش و رجعت روحی و معنوی به مبدئی است که او را آفریده و از او پیمان گرفته است تا شأن بندگی و اطاعت را رعایت کند. آداب مذهبی و معنوی، همانند غسل و نماز و روزه مستحبی نوروز، به همین امر توجه می دهـد که عیـد را فرصتی برای غفلت از خـدا و غرق شـدن در بازی های دنیا نپنداریم؛ چه آن که جشن حقیقی انسان، زمانی است که بتوانـد شیطان را از حریم خویش برانـد و به گونه درونی و معنوی به سوی خدای خویش بازگردد.

نماد هویت یک ملّت

عیـدها و جشن هـا، افتخـار ملی هر قوم و سـرزمین، و نشـان ساختـار و پیشـینه فرهنگی و تمـدن آنـان است. اعیـادی که از نظر دیرینگی تـاریخی و مـذهبی ریشه دار بوده و در طول زمـان با اعتقادها و آداب و رسوم ملت ها در هم آمیخته، جلوه و جایگاه ویژه ای دارنـد و بی آن هیـچ ملتی هویت واقعی نـدارد و به بیگـانگی از خود دچـار خواهـد شـد. عیـد نوروز از این جهت که اعتقادها و باورهای مذهبی و سنن کهن ملی، در آن به هم آمیخته، اهمیتی گسترده یافته است.

عامل هم بستگی احساسات ملی

عید نوروز و دیگر جشن های ملی و میهنی، جدای از تربیت های اوّلیه اجتماعی و سیاسی، هم بستگی احساسات ملی را هدف قرار می دهند. ویژگی نمادین این جشن ها، برخاستن از روح هم بسته عواطف ملی و هم دلی همه مردمان است. عید نوروز، تصویری روشن از فرهنگ ملی و مذهبی ایرانیان و عامل مهمی در هم بستگی احساسات آنان می نماید.

نوروز عمومی ترین و دیرپاترین جشن مردم ایران

«نوروز» که به نـام هـا و اوصـاف بسیار، چون: عیـد نوروز، جشن فروردین، نوروز جمشـیدی، نوروز سـلطانی و نوروز جلالـی مشـهور شـده، مهم ترین، عمـومی ترین و دیرپـاترین جشن ملی مردم ایران است. این جشن، قرن هـای متمـادی است که توجه مردم کشور ما و سرزمین هایی را که با ما دیرینه فرهنگی مشترکی دارند، به خود جلب کرده است.

نوروز، عمومی ترین جشن ملی ایرانیـان هم هست؛ زیرا مرزی نمی شـناسد و از هر دیواری در ایران زمین وارد می شود و تمام اقوام، مذاهب و گروه های فکری و عقیدتی را که در این مرز و بوم مقدس زندگی می کنند یک سال شادمان می کند .

اسلام و آداب و رسوم پیشینیان

منطق فرهنگ غنی اسـلام، منطق خردورزی، گفت وگو و داد و سـتد با آداب و رسوم و فرهنگ های گذشـته و هم عصر خود است، و تـا بـا سـنتی غیر اخلاقی و غیر عقلانی رو در روی نگردد، سـنت ها را در دل خود جای می دهـد و آن ها را به رنگ الهی در می آورد. عیـد نوروز نیز از آن جـا که سـنتی دیرپـا و هماهنـگ بـا عقل سـلیم انسانی بود، نه تنها مهر تأییـد اسـلام را گرفت، بلکه بر آداب وسنت های پسندیده اسلامی آن نیز تأکید شد.

اسلام، نوروز را به رسمیت می شناساند

نوروز و آداب و رسوم آن، از سـنت هـای باسـتانی ایرانی است. اسـلام این سـنت نیکو را بـا صـبغه و رنـگ دینی درآمیخت و دعاها و اعمال مسـتحب بسیار را در آن گنجاند ؛ در واقع اسلام، نوروز را به رسمیت شناخت و محتوای انسانی و معنوی به آن بخشید.

اسلام وا حترام به سنت های قومی

مرحوم دکتر زرین کوب، در کتـاب کارنـامه اسـلام، درباره این که مسـلمانان و حکومت اسـلامی، آداب و رسوم هر منطقه را محترم می شـمرد، آورده است: «ضـمن این که حوزه وسیعی، تحت حکومت و شـریعت اسـلامی اداره می شد، سـنت های هر محـل تـا آن جـا که بـا شـریعت سازگـاری داشت، حفظ می شـد و ادامه می یافت؛ در شام و مصـر، سـنت رومی و در عراق و فـارس، سـنت ساسـانی. فرهنـگ و آداب و رسوم خاص هر قوم تا آن جا که در تضاد با روح اسـلام و توحیـد و یگانگی خـدا نباشد، ملحوظ و محترم است».

روایات نوروز

بیشتر روایـاتی که در کتـاب های حـدیث درباره نوروز آمـده است، به نوعی به تأییـد این واقعه و موقعیت تاریخی اشاره دارد. شایـد مهم ترین و مفصـل ترین روایتی که در تأییـد نوروز مورد اسـتفاده قرار می گیرد، روایتی است که «مُعلّی بن خُنیس» که یکی از یاران امام جعفر صادق علیه السـلام بوده، از آن حضـرت نقل کرده است. در این روایت به چندین واقعه بزرگ و مهم در نوروز اشاره شده و به گونه ای ضمنی، بر احترام به این روز سفارش شده است.

جایگاه نوروز در میان روزهای دیگر

«مُعلی بن خنیس»، از یـاران امـام صـادق علیه السـلام ، می گویـد: در روز نوروز به خـدمت امـام صـادق علیه السـلام رسـیدم، حضـرت فرمودنـد: «آیا این روز را می شناسـی؟» گفتم: «فـدای تو گردم، این روزی است که عجم آن را تعظیم می کنـد ود ر این روز هدیه ها برای یک دیگر می فرسـتند». سـپس حضـرت به توصـیف نوروز پرداخته و فرمودند: «ای معلی! نوروز، روزی

است که خداوند از بندگان خود عهد گرفت که او را به یگانگی بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند و ایمان به پیامبران و امامان آورند. و آن روز، نخستین روز طلوع خورشید است و در این روز، گل ها و شکوفه های زمین آفریده شد.»

هم زمانی نوروز با بسیاری از رخدادهای تاریخی

یکی از دلایل ارجمندی نوروز، هم زمانی این روز با بسیار از رخدادهای تاریخ ساز و ارزشمند دینی است. در روایت معلّی بن خُنیس از امام صادق علیه السلام آمده است که نوروز، روز استقرار کشتی نوح بر کوه جودی، نزول جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، شکسته شدن بت های کعبه به دست ابراهیم علیه السلام و حضرت علی علیه السلام ، روز بیعت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با علی علیه السلام به دلیل امیرمؤمنان شدنش و روز پیروزی ایشان بر اصحاب نهروان بوده است.

اعمال مستحبی عید نوروز

معلی بن خُنیس، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که ایشان می فرمایند: «هنگام نوروز غسل کن و پاکیزه ترین لباست را بپوش و به خوش بوترین عطر، خود را معطر ساز و آن روز را روزه بدار.» از این روایت، مبارکی عید نوروز در فرهنگ دینی به روشنی مشخص می شود.

امیر مؤمنان شیرینی نوروز را پذیرفت

در فرهنگ اسلامی، بر تأیید نوروز، دلایل عقلی و نقلی بسیار آورده اند؛ از جمله آن که مقداری شیرینی، خدمت حضرت علی علیه السلام تقدیم کردند. حضرت از علت آن پرسیدند، در پاسخ گفتند: این شیرینی به سبب نوروز است. حضرت فرمودند که نوروز ما هر روز است و در نقلی دیگر فرموده اند که هر روز را برای ما نوروز قرار دهید. پذیرفتن شیرینی و شوخی آن حضرت که چون هر روز ما نوروز است پس برای ما شیرینی بیاورید، می تواند تأیید ضمن نوروز نیز پنداشته شود.

جنبه های آموزنده و مثبت نوروز

نوروز، هم گام با نسیم بهاری، رویش شکوفه ها، زنده شدن زمین و در کنار این همه، صله رحم، دید و بازدیدها، خانه تکانی و بهداشت و نظافت، فراهم آمدن زمینه آشتی ها و پیوندهاو مجموعه ای ازخوبی ها و نیکی هاست که هر خردمندی آن را می پسندد و تأیید می کند. بی شک اگر هیچ روایت و سند صریحی در تأیید و نکوداشت نوروز وجود نداشته باشد، توجه به جنبه های مثبت و آموزنده نوروز، این اطمینان را پدید می آورد که بزرگداشت نوروز را باید اسلام تأیید کند .

بهار، درس خداشناسی و نوروز آغاز بهار

بهار، درس خداشناسی و معاد و تحول و رشد و تکامل است. اگر انسان ها از این طبیعت زیبا، درس بیاموزند، در حقیقت اعتقاد به رستاخیز را آموخته اند. در این صورت باید سرآغاز چنان بعثتی را روز برتر و نوروز نامید و آن را جشن گرفت. اگر مراسم نوروزی بر این اساس پی ریزی گردد و انسان ها خود را با محتوای دعای آغاز سال که بیان کننده تحول و نغمه

توحیدی است هم گام و هم گون سازند. چنین نوروزی سرشار از مبارکی و میمنت خواهد بود.

نوروز، فرصت مغتنم موحدان

آنـان که طعم توحیـد را چشـیده انـد، در ایـام دل انگیز و پرنشاط آغاز بهار، به پیروی از امامان، آیاتی از قرآن کریم هم چون آیه ۱۹۰ سوره آل عمران را تلاوت کرده و مفاهیم آن را دراعماق جانشان دریافت می کنند که: «همانا در خلقت آسمان ها و زمین و آمـد وشـد شب و روز، نشـانه هـایی برای صاحبان انـدیشه است.» هرگاه در مراسم نوروزی، به دنبال این چنین مفاهیم آموزنده و ارزنده ای باشیم، بی تردید حقیقت نوروز، این رستاخیز عظیم طبیعت را دریافته ایم.

حضور گسترده قرآن کریم در مراسم نوروز

از مهم ترین تحولاـتی که فرهنـگ اسـلامی در آداب جشن نوروزی پدیـد آورده، حضور ثـابت و گسترده قرآن کریم در این مراسم است؛ قرار گرفتن قرآن کریم بر سر سـفره سال نو (هفت سـین)، خوانـدن قرآن در ساعات متصل به لحظه تحویل سال، قرآن بوسی یکایک افراد گردآمده در اطراف سفره عید، قرار دادن پول در بین صفحات قرآن و هدیه دادن آن به دلیل تبرّک و برکت یافتن مال و دارایی افراد خانواده

و...، همه نشانی از احترام و تقدس بخشی مردم، به این سنت باستانی است.

نمادهای تأثیر فرهنگ اسلامی در مراسم نوروز

بعد از ورود اسلام به ایران، مراسم نوروز تأثیر یافته از فرهنگ اسلامی، آداب ویژه ای یافت.

حضور قرآن بر سفره سال نو و قرائت آن در هنگام تحویل سال؛ اجتماع مردم در مساجد و زیارت گاه ها و نیایش های اسلامی به صورت دسته جمعی در هنگام تحویل سال؛ رفتن به دیدار سادات و علمای محل بعد از تحویل سال؛ صلحه رحم در نخستین روزهای سال نو؛ و بعضی دیگر از آداب و سنت های نوروز، الهام گرفته از فرهنگ غنی اسلامی است.

دیدار با دوستان و آشنایان

از آموزه های دینی درباره آداب نوروز، سنت حسنه دیدار با دوستان و آشنایان است. از موجبات گسترش دوستی و محبت و از عوامل توسعه مودت و دیگرخواهی در جامعه آن است که مرد م همدیگر را فراموش نکنند و گاه و بی گاه به دیدار هم بشتابند. بر این امر، در فرهنگ اسلامی سفارش بسیار شده و بر این عمل خداپسندانه و نیکو، پاداش هاو آثار فراوانی ذکر شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «زیارت و ملاقات، دوستی و محبت را در دل می رویاند». و هم چنین فرموده اند: «دیدار برادران دینی، هم چون افطار و تهجد آخر شب، مایه فرج و شادمانی مؤمن است».

احسان و نیکوکاری

از سنت های نیکوی سال نو، احسان به مردمان و دستگیری از نیازمندان است. این امر، در میان آموزه های دینی، جایگاه ویژه ای به خود داده است. در قرآن کریم آمده است: احسان و خوبی کنید که خداوند محسنان و نیکوکاران را دوست دارد. ودر آیه ای دیگر آمده: ما به محسنان و مردمان نیکوکار پاداشی افزون خواهیم داد.

اسلام در شیوه های خاص خود در زمینه تعلیم و تربیت می کوشد که انسان ها را در یک سطح عالی از اندیشه و عمل قرار دهد. اسلام در عین حال که افراد توان مند جامعه را به احسان و نیکوکاری درباره دیگران ترغیب و تشویق می کند، مردمان فقیر و مستمند را نیز به عفت و بلندنظری و غنای نفس فرا می خواند.

صله رحم

از آداب نوروز، صله رحم و دیدار خویشاوندان و نزدیکان است، این سنت اسلامی که در مراسم نوروز جلوه خاصی یافته، در روایات اسلامی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است.از مجموعه آیات و روایاتی که به موضوع رسیدگی به خویشاوندان و صله رحم اشاره دارند، نتیجه می گیریم که احسان و خوبی به خویشاوندان، گاه به اندازه پرستش خدا واطاعت والدین، اجر و پاداش دارد و از اهمیتی برابر برخوردار است. ارتباط عاطفی با خویشاوندان نزدیک، کار مؤمنانی است که به مقام بلندی از ایمان دست یافته و از حساب سخت قیامت بیم دارند. مؤمنان واقعی، از بهترین اموال و دوست داشتنی ترین دارایی شان برای ارحام فقیر و مستمند خود، انفاق و احسان می کنند.

سال نو فرصتی برای تزکیه نفس

رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله ، تحویل سال را آغازی برای دگرگونی درونی در خویش می دانست و فرموده است: «ما امیدواریم که ملت ما در این سال نو به طوری عمل بکنند که سیره انبیا بوده است، به طوری عمل بکنند که سیره اولیا بوده است و عمده این است که هواهای نفس از بین برود. انسان در طول عمر، مبتلای به این هوای نفس است که محتاج به ریاضت است... من امیدوارم که ملت ایران و همه مسلمانان دنیا یک تحولی پیدا کنند در این سالن نو، که برای خداکار کنند، برای سلطه خودشان نباشد، برای هواهای نفسانی نباشد و خداوند ان شاءاللّه همه را توفیق بدهد که در راه خدای تبارک و تعالی مجاهدت کنند و ان شاءاللّه این روز بر همه مبارک باشد و خداوند همه مسلمین را با هم متفق کند

در مقابل کفر جهانی».

کارنامه

سالی دیگر هم به پایان رسید، با همه تلخی ها و شیرینی هایش، با همه فرازها و نشیب هایش، رنج ها و شادی هایش، ترس ها و امیدهایش. سال گذشته، برای عده ای سال رشد و پیشرفت و تکامل بود و برای عده ای دیگر، سال عقب گرد، یا در جا زدن و رکود بود. کسانی آبرو یافتند و کسانی آبرو باختند. کسانی عزیز شدند، و دیگرانی خوار و حقیر گشتند. ما در کجای زمان ایستاده ایم؟ پیش رو و زیر پایم......پشت سر و اطرافمان و در افق های دور دست ونزدیک چیست و چه می گذرد؟

بیایید و برگردیم و نگاهی به خویشتن کنیم، به کارها و رفتارمان، به اخلاق و عملکردمان، به آموخته ها و اندوخته هایمان، به حرف ها و نیت هایمان، به هدف ها و آرزوهایمان، به دوستی ها و دشمنی هایمان، به دیده ها و گفته ها و شنیده هایمان، بیاییم در آغاز سال نو، کارنامه مان را باری دیگر مرور کنیم.

هنگام محاسبه

«طی شدن عمر، سب افزوده شدن سن و سال ما نمی گردد، بلکه عمر ما کاهش می یابد و هر روز، قدمی به «خط پایان» نزدیک می شویم و هر لحظه یک گام به انتهای فرصت دنیایی پیش می گذاریم. وقتی یک کشاورز، در فصل برداشت، محصول خود را حساب می کند، من چرا برداشت خود را در مزرعه زندگی حساب نکنم؟ مگر نه این که دنیا مزرعه است و من، دهقان بذر وجودی خویشم؟ پس باید ببینم چه کاشته ام و چه درو می کنم؟

وقتی یک تاجر و کاسب و حتی دست فروش ساده، برای خود حساب سال

و دفتر کل و جزء

دارد و سود و زیـان و دخـل و خرج خویش را می سـنجد، چرا من در بـازار دنیـا، که کالای عمر و متاع فرصت را می دهم، به دستاورد خود نیندیشم و سود و زیان خود را محاسبه نکنم؟»

خبر آمدن گل

گل جامه دران بار دگر سر به در آورد

وز حال رفیقان گذشته خبر آورد

رخساره سروی و خط سبز نگاری است

هر لاله و سنبل که سر از خاک برآورد

ساقی قدح باده گلرنگ به چرخ آر

چون گل خبر از نغمه مرغ سحر آورد

هر گوهر اشکی که دلم داشت نهانی

چشمم چو تو را دید روان در نظر آورد

از عمر، خیالی به جز این بهره ندارد

کاندر قدم یار گرامی به سر آورد

خیالی بخارایی

اشاره

مـدت هـا بود که ضـرورت پرداختن به مبـاحث و معـارف قرآنی را در مجله احساس می کردیم، اگرچه به دلیل هایی موفق به انجام آن نگردیده بودیم. سپاس خداوند را که از هم اکنون به بعد، در بخش مقالات ثابت، مقاله ای با عنوان آشنایی با قرآن تقـدیم می گردد. در این بخش، خواهیم کوشـید که پس از آشـنایی با قرآن، از نگاه قرآن و معصومان علیه السـلام و انـدیش مندان مسلمان و غیر مسلمان، به تدریج مباحثی را درباره برخی موضوعات قرآنی ارائه دهیم.

آنـان تحت نظـارت آن حضـرت، آیات قرآن را به همان ترتیب که نازل می شـد، می نوشـتند. در حـدود سال بیست و هشـت هجری، در عصـر خلافت عثمان، این معجزه جاودان الهی، مـدوّن شد که با سوره فاتحه آغاز می گردد و با سوره ناس به پایان

می رسد و صد و چهارده سوره را در بر می گیرد.

اعمال عید نوروز

اعمال عید نوروز

حضرت صادق علیه السلام به معلی بن خنیس تعلیم فرمود : چون روز نوروز شود، غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان و در آن روز روزه بدار. پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های آن فارغ شوی چهار رکعت نمازبگذار (یعنی هر دو رکعت به یک سلام) و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره «انا انزلنا» بخوان و در رکعت دوم، بعد از حمد ده مرتبه سوره «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم، بعد از حمد ده مرتبه سوره «قل هو الله احد» و در رکعت چهارم، بعد از حمد ده مرتبه «قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس» بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا بخوان:

«اللّهمَّ صلِّ علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلت بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک وصل علی ارواحهم و اجسادهم. اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضّلته و کرّمته و شرّفته و عَظّمت خطره. اللهم بارک لی فیما انعمت به علیّ حتی لا ـ اشکر احداً غیرک و وسّع علیَّ فی رزقی یا ذاالجلال و الاکرام. اللهم ما غاب عنّی فلا یغیبنَّ عنی عونک و حفظک و ما فقدتُ من شی ءٍ فلا تفقد نی عونک علیه، حتی لا اتکلّف ما لا احتاج الیه یا ذاالجلال و الاکرام» چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود .

و بسیار بگو: «یا ذالجلا ل و الاکرام». [۱]

پی نوشت

[۱]. مفاتیح الجنان، ص ۴۹۶

تفسیر نمادهای هفت سین

تزئین سفره هفت سین, تاریخچه عید نوروز

در آیین های باستانی ایران برای هر جشن و یا مراسم مذهبی خوانی گسترده می شد که در آن علاوه بر آلات و اسباب

نیایش مانند : آتشدان ، ماهروی و برسم ، فراوردهای فصل و خوراکی های گوناگونی نیز بر سر خوان نهاده می شد.

زیرا خوردن خوراک مذهبی یکی از رسم های دینی بود عدد هفت از هفت امشاسپند در دین زرتشتی (اورمزد، وهمن،)

اردیبهشت، شهریور، سپندامذ، خورداد و اَمُرداد) گرفته شده خانواده های ایرانی هفت سین می چینند که حاوی مجموعه ای از نمادهای استقبال از بهار است. هفت سین حداقل باید حاوی هفت عنوان باشد که با حرف سین شروع می شوند

سبزه: تولد دوباره ، حیات نو و سبز بودن

سمنو: ثروت و فراوانی و وفور

سنجد: عشق

سیر: دارو و درمان و بعنوان ماده ای گندزاد می باشد

سیب: زیبایی و سلامت

سماق: رنگ طلوع آفتاب

سرکه قرمز : سن و صبر و عقل

سنبل: آمدن بهار و نشان دهنده زیبائی

سکه زرد : ثروت

همچنین برسرسفره هفت سین شمع هایی روشن دربرابر آینه قرارمی دهند که نشان دهنده آینده ای روشن است .

تخم مرغ رنگ شده نیز نشانه باروری است .

آینه نیز نمادی از خلقت است .

ماهی قرمز نشانه زندگی است

از دیگر چیزهایی که بر سر سفره ی ایرانیان بوده نان به نماد فراوانی،شیر تازه به نشان غذای نوزادی که تازه متولد شده و شمعدان که شمع ها را به احترام آتش روشن می کردند می توان نام برد.

درشب عید، در بیشتر خانه های ایرانیان ، غذای مخصوص عید یعنی سبزی پلو با ماهی تهیه می شود.

تخم مرغ

برای طراحی تخم مرغ های رنگی بعد از آنکه آنها را به هر طریقی رنگ کردیدمی توانید

با نوارهایی که به شکل زیگزاگ هستند و یا ریشه های رنگی (کهبرای تولدها در تزیین دیوار استفاده می کنیم) که قدری آنها را کوتاهکردید لباس سرخ پوستی تن تخم مرغ ها کنید و بعد با ماژیک صورت بچه هایآفریقایی یا سرخ پوست را روی آن بکشید

برای تزیین سبزه و گیلاس ها یا ظروفی که وسایل هفت سین را روی آن گذاشتید هم از این ریسه ها استفاده کنید (نقره ای طلایی سرخابی سبز آبی)

برای تزیین سفره ی هفت سین می توانید ایده های خوبی هم از تزیین دستمال سفره بویژه آنهایی که در گیلاس ها هستند بگیرید منتها به جای دستمال های ساده با خرید ساتن یا تافته یا حتی تورهای ساده و گل دار که این روزها پرده فروشی ها و پارچه فروشی ها پارچه های ته توپ را به قیمت مناسبتری میفروشند این تزیینات را استفاده کنید و یا حتی با دستمال های سفره ای طرحدار که این روزها ایرانی و ترکیه ای آن در اکثر جاها عرضه می شود

برای سفره هم می توانید از حریر های شیشه ای که به صورت پراکنده پولک هایدرشت رنگی روی آن چسباندید ویا تافته که به صورت چروک روی میز بچینید و یارومیزی های ترمهبرای تزیین سفره ی هفت سین می توانید با روبان گل رز درست کنید

روبان سایز متوسط را برداشته و یک لبه ی آن را با سوزن کوک بزنید وبعد نخ را بکشید تا چین بخورد یک مفتول باریک را در نظر بگیرید واین روبانچین خورده را مانند گل رز دور آن بپیچید و انتهایش را با اضافی

نخ و چسب مهار کنید این کار تمرین زیاد می خواهد

روش دیگر این است که دوتـا نوار روبان هم سایز در نظر بگیریـد یکسـر آنها رابهم وصل کنیـد و بعـد یکی در میان روی هم بگذاریـد مثا اول روبان راست راروی روبان چپ بگذاریـد و بعـد روبان چپ را روی روبان راست و همی طور تا آخرروبان ها بعد یکی از روبان ها را بگیرید بکشیـدروبان دیگر در بالا به شـکل رز جمع می شود این کار را با نوارهای پارچه ای حریر هم می توانید انجامدهید

پاپیون با روبان

طریقه ی در ست کردن پاپیون با روبان برای تزیین سفره ی هفت سین روبان رادور ۴ انگشت بسته ی دستتان بپیچید بعدروبان را از دسـتتان در آورده و از وسط نصف کنیـد با یک قیچی از دو طرف روبان سه گوش ببرید به طوریکه وقتی که تای روبان را باز می کنید

وسـط آن یـک فرو رفتگی از لبه ی بالایی و یک فرو رفتگی از لبه ی پایینی دارد با یک نـخ یا قیطان یک گره روی وسط رو بان محکم بزنیـد حالامی توانیـد ورق های روبان را یکی یکی از هم باز کنیـد اگر روبان را ? بار دور انگشـتتان پیچیدید حالا یک گل شش پر دارید

تخم مرغ تمام رنگی

از آن جا که رنگ کردن تخم مرغهای سـفره هفت سین، هنری سنتی است. شما می توانید با استفاده از رنگهای ساده و طبیعی این عمـل را انجـام دهیم. به عنوان نمونه اگر تخم مرغ را همراه بـا علف سبزماننـد چمن، اسـفناج یا سبزی بجوشانیـد، سبز می شود.

اگر با پوست پیاز بجوشانیـد، زرد رنگ یا (پوست پیازی) می شود. اگر با چغنـدر بجوشانیـد، سـرخ رنگ می شود و اگر تخم مرغ را در پارچه ای که رنگ

پس می دهد، بگذارید و روی آن نخ بپیچید و بجوشانید، شکل زیبایی حاصل می شود.

اگر با مداد شمعی، روی تخم مرغ نقاشی رسم کنید و چند ثانیه داخل رنگ بگذارید، از آن شکل زیبایی به دست می آید.

ابتـدا به وسـیله مداد شـمعی تصاویری از گل روی تخم مرغ نقاشـی کنید و قسـمت میانی پوسـته تخم مرغ را به صورت نواری سفید بگذارید و دو سر تخم مرغ

را درون رنگ

بنفش روشن فرو کنید.

همچنین می توانید به وسیله مداد شمعی روی بدنه تخم مرغ خطوط عمودی رسم کنید و آن را درون رنگ زرد فرو ببرید.

تزیین تخم مرغ به شکل خرگوش

برای تزیین تخم مرغ به شکل خرگوش، ابتدا چهره خرگوش را با مداد شمعی نقاشی کنید و سپس آن را درون رنگ صورتی فرو ببرید و از کاغذ صورتی به شکل دوگوش ببرید و این گوشها را با چسب به قسمت بالای تخم مرغ بچسبانید و دو چشم مشکی و یک بینی نقاشی کرده و آن را داخل یک تخم مرغ خوری که زیاد گود نباشد، بگذارید، سپس روبانی صورتی را به شکل پاپیون در آورید و به لبه یا پایه تخم مرغ خوری وصل کنید.

تزیین تخم مرغ به شکل خروس

برای تزیین تخم مرغ به شکل خروس، ابتدا تخم مرغ را درون رنگ زرد فروکنید و سپس با کاغذ قرمز به شکل تاج خروس بریده، بالای تخم مرغ بچسبانید و با کاغذ نارنجی یک نوک و با کاغذ قرمز زایده زیر گلوی خروس را بچسبانید. سپس با استفاده از کاغذ آبی و یا سبز دمی قیچی کنید و روی تخم مرغ بچسبانید. برای کشیدن چشم خروس هم می توانید از یک مروارید مشکی استفاده کنید و یا با روان نویسی مشکی چشم آن را رسم کنید.

این آقا خروس را داخل تخم مرغ خوری که مقداری شکر یا نمک در آنریخته اید، قرار دهید و با روبان ریش، ریش شده به پایه آن گره بزنید.

تغذیه در عید نوروز

شیرینی ها

یکی از مهم ترین مواد غذایی که زینت بخش میهمانی های نوروز است، انواع شیرینی هاست. مصرف شیرینی در دید و بازدیدهای عید رواج زیادی دارد. به طور کلی در انواع میهمانی ها، شیرینی یکی از مهم ترین موادی است که مورد استفاده قرار می گیرد. افراط در مصرف شیرینی می تواند لطمات فراوانی به سلامت انسان وارد سازد. یکی از زیان های مهم مصرف زیاد شیرینی، چاقی و عوارض و اختلالات ناشی از آن است. مواد قندی و نشاسته ای به آسانی تبدیل به چربی شده و در بدن ذخیره می شوند و ایجاد چاقی می کنند.

ضمنا افراط در مصرف شیرینی به سلامت دندان ها لطمه وارد کرده و موجب پوسیدگی دندان ها می شود. همچنین باعث افزایش فشار خون و چربی های نامطلوب خون شده که در نهایت سلامت قلب و عروق را دچار اختلال می نماید.

بنابراین بهتر است در ایام نوروز و اصولا در همه اوقات زندگی از افراط در مصرف شیرینی

و انواع مواد شیرین خودداری نماییم. برخی از هموطنان مان تصور می کنند در ایام جشن ها و مراسم خاص، مجاز به تغییر گسترده در برنامه غذایی معمول روزانه هستند و می توانند در این اوقات، در مصرف برخی موادی که برای سلامت انسان مضر است، افراط کنند.

مواد غذایی حاوی فیبر

یکی دیگر از عوارضی که معمولا بعد از تعطیلات نوروز گریبان گیر اشخاص می شود، یبوست و اختلالات گوارشی است. علت مهم بروز اختلالات گوارشی، افراط در مصرف غذا و نیز استفاده زیاد از غذاهای چرب و سرخ کرده است. یکی دیگر از مهم ترین دلایل یبوست، عدم یا کمبود استفاده مواد فیبری دارای باقیمانده است.

در ایام تعطیلات نوروز معمولا افراد از میوه، سبزی، سالاد، حبوبات و سایر مواد غذایی حاوی فیبر، کمتر استفاده می کنند. این قبیل مواد خوراکی علاوه بر فیبر، حاوی مواد مغذی مفیدی هستند که تاثیر قابل توجهی در جهت سلامت انسان دارد. یکی از مهم ترین خواص فیبری غذایی، پیشگیری از یبوست و نیز درمان این اختلال شایع قرن حاضر است.

مواد غذایی حاوی فیبر، باعث تسریع عبور غذا از دستگاه گوارش شده و از بروز یبوست پیشگیری می نمایند. ضمنا خواص مهم دیگری نیز در بردارند، از جمله آن که موجب کاهش چربی های نامطلوب خون و تنظیم تعادل فشار خون می شوند و در پیشگیری از بیماری های قلبی عروقی و سرطان به خصوص سرطان کولون(روده بزرگ) موثرند.

مصرف آب کافی

اختلال دیگری که در ایام نوروز به طور معمول در برنامه غذایی افراد رخ می دهد، کمبود مصرف آب است. در تعطیلات عید به علت آنکه افراد بیشتر اوقات خود را به سفر می گذرانند و یا صرف دید و بازدید دوستان و اعضاء فامیل می کنند، به طور معمول کمتر آب مصرف می نمایند. کمبود مصرف آب می تواند اختلالات مهمی در سلامت انسان به جا گذارد؛ از جمله آن که موجب بروز یبوست و ناراحتی های گوارشی ناشی از آن شود.

کمبود مصرف آب در انجام واکنش های بیوشیمیایی حیاتی که در

داخـل بـدن انجـام می شود، اختلال ایجاد می کنـد. آب در حفظ سـلامت، شادابی و طراوت پوست تاثیر مهمی دارد و کمبود مصـرف آن بـاعث کـاهش رطوبت و طراوت پوست شـده و یکی از عوامـل موثر در خشـکی و پژمرده شـدن پوست و پیری و چروک شدن آن است.

ضمنا مصـرف آب کافی، باعث فعالیت بهتر و مناسب تر کلیه ها در تصفیه خون و دفع مواد زائد از بدن می شود. پس مصرف آب کافی را در برنامه غـذایی روزانه خود فراموش نکنیم. این موضوع بایـد در تمام اوقات زندگی، اعم از روزهای عادی و یا ایام خاصماننـد نوروز، مسافرت و غیره رعایت شود. برخی از افراد فقط در تابسـتان و روزهای گرم سال آب میل می کننـد و در فصل سـرد، به علت آنکه تشـنه نمی شوند، آب کافی مصـرف نمی کنند. توجه داشـته باشـیم که در تمام اوقات و روزهای زنـدگی، مـا نیـاز به مصـرف آب داریم و هرگز نبـایستی میزان آب مصـرفی را کاهش دهیم، مگر در بیماری های خاصـی که پزشک مصرف آب را ممنوع یا محدود کرده باشد.

انجام ورزش و پیاده روی

مشـکل دیگری که به هنگام تعطیلات عیـد معمولا در زنـدگی افراد رخ می دهـد، کمبود تحرک و فعالیت جسـمی مانند پیاده روی، ورزش و غیره است. به همین علت بسـیاری از اشـخاص، بعد از ایام نوروز افزایش وزن پیدا می کنند و یا افراد در سـنین بالاتر مبتلا به افزایش فشار یا چربی های خون می شوند.

ورزش و تحرک جسـمی منـاسب روزانه برای همه افراد اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک و پیر و جوان ضـروریست. فعالیت جسمی علاوه بر آن که موجب کاهش چربی های نامطلوب خون می شود و در تنظیم تعادل

فشـار خون موثر است، از افزایش وزن و چـاقی نیز پیشـگیری کرده و در سـلامت قلب و عروق تـاثیر مهمی دارد. علاوه بر آن، روحیه سازی و حفظ شادابی، نشاط و نیز پیشگیری از افسردگی، بی حوصلگی و احساس کسالت بسیار موثر است.

توصیه های مهم

بـا نگاهی اجمالی بر نکات مورد بررسـی در این مجموعه، می توانیم موارد زیر را به طور خلاصه، جهت برخورداری از تغـذیه صحیح و حفظ هر چه بیشتر سلامت، در ایام نوروز به خوانندگان محترم، پیشنهاد نماییم:

- در مصـرف مغزهـا اعتـدال را رعـایت کنیم و از آجیـل بـدون نمـک استـفاده کنیم. به خصوص از مصـرف آجیـل در اوقات نزدیک وعده های اصلی غذایی خودداری شود.

- از میوه هـا به خصوص میوه های دارای پوست مثل مرکبات، کیوی و امثال آن در دیـد و بازدیـدهای عیـد اسـتفاده کنیم. در صورت اسـتفاده از میوه هایی که با پوست مصـرف می شونـد (مانند سـیب، انگور و...) بهتر است از شـست وشو و ضدعفونی کردن آنها مطمئن شویم.

- از مصـرف سبزی خوردن و سالاد در خـارج از خـانه خودداری نماییمریـال ولی حتما از این مواد غـذایی در ایام نوروز، در خانه به مقدار کافی استفاده کنیم.

- در مصـرف شـیرینی و مواد شـیرین به هیـچ وجه نبایـد افراط کنیم. سـعی نمـاییم مصـرف شـیرینی را در ایام عیـد به حـداقل برسانیم.

- مصـرف غـذاهای سـرخ کرده و پرچرب به هیچ وجه برای سـلامت انسان مفید نیست و بهتر است از مصـرف این قبیل غذاها خودداری نماییم.

- مصرف حبوبات را در ایام نوروز و به طور کلی در تمام اوقات زندگی فراموش نکنیم.

- در مصرف آب کافی کوتاهی نکنیم و روزانه حدود ۶ تا ۸ لیوان آب استفاده نماییم. البته

در سفرها باید از سالم و بهداشتی بودن آب اطمینان داشته باشیم.

– ورزش و پیاده روی در ایام نوروز نبایستی فراموش شود، زیرا در حفظ سلامت و شادابی بدن و پیشگیری از بروز چاقی، یبوست و افزایش چربی های نامطلوب خون بسیار مفید است.

– توجه داشته باشیم که دید و بازدیدها و سفرهای نوروز نظم خواب ما را بر هم نزنند، زیرا اختلال در نظم خواب، سلامتی بدن را به خطر می اندازد.

SMS تبریک سال نو(عید نوروز)

پیامک ۱

زکوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد از مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی

نوروز مبارك

پیامک ۲

نوروز شعر بی غلطی است که پایان رویاهای ناتمام را تفسیر می کند.

پیامک ۳

نوروز پیامبر مهر است که مرا وامی دارد تنها به خاطر تو دوست داشتن را یاد بگیرم.

پیامک ۴

کارگردانی است نوروز که می گوید نور ..صدا...حرکت و من برای به دست اوردنت همه نقشهای عالم را بازی می کنم.

پیامک ۵

سلامت

سعادت

سیادت

سُرور

سَروری

سبزی

و سَرزندگی

هفت سین سفره ی زندگیتان باد

پیامک ۶

امروز دو نفر از من ادرس و شماره تو رو گرفتن..منهم بهشون دادم..یکی خوشبختی..یکی موفقیت

تو سال جدید هر روز میان سراغت

پیامک ۷

فرخنده باد بر همگان مقدم بهار

نوروز , جاودانه ترین جشن روزگار

____

افسوس می خورم ....چرا؟چرا با رفتن تو............بهار می اید ؟...امدی در سرمای زمستان... به سردی زمستان بودی..... به غم انگیزی شبهای تنهایی..... به خشکی برف ...می روی..... بهار می اید ...به نظر معامله خوبی است....امید ان دارم بهار گلی بر چهره ات بنشاند ...چه امید مبهمی... گردش روزگار خطا ندارد ....زمستان هیچ گاه بهار را نمی بیند...

پیامک ۸

سلام، ببخشید این موقع شب بیدارت کردم.

.

.

.

.

خواستم یادآوری کنم: سال نو شده.

.

.

.

.

. کم کم باید از خواب زمستونی بیدار بشی

پیامک ۹

دنیا رو برات شاد شاد و شادی و برات دنیا دنیا آرزو میکنم *** عیدت مبارک عزیزم***

پیامک ۱۰

این بار می خواهم هفت سین عید را با یاد تو بچینم

سبزه را با یاد روی سبزه ات

سمنو به یاد شیرینی لبخندت

سایه دانه به رنگ چشم هایت

سرکه با یاد ترشی مهربانیت

سیب با یاد تردیه گونه هایت

سکه با یاد درخشش قلبت

سیر با یاد تندی کلامت

با همه خوبی ها و بدی هایت ... دوستت دارم

پیامک ۱۱

چند روز دیگه بهار میاد و همه چیز رو تازه می کنه، سال رو، ماه رو،

روزها رو، هوا رو، طبیعت رو، ولی فقط یک چیز کهنه میشه که به

همه اون تاز گی می ارزه، «دوستیمون»!

پیامک ۱۲

<)))><

<)))><

<)))><

من اولین کسی بودم که برای تو ماهی عید فرستادم.

سال نو مبارک

پیامک ۱۳

بهار بهترین بهانه برای آغاز، وآغاز بهترین بهانه برای زیستن است

آغاز بهار بر شما مبارک

پیامک ۱۴

سال و مال و فال و حال و اصل و نسل و بخت و تخت

بادت اندر شهریاری برقرار و بر دوام

سال خرم، فال نیکو، مال وافر، حال خوش،

اصل ثابت، نسل باقی، تخت عالی، بخت رام

*******سال نو مبارک*******

پیامک ۱۵

با آرزوی

۱۲ ماه شادی،

۵۲ هفته پیروزی،

۳۶۵ روز سلامتی،

۸۷۶۰ ساعت عشق،

۵۲۵۶۰۰ دقیقه برکت،

۳۱۵۳۰۰۰۰ ثانیه دوستی.

سال نو مبارک باد

پیامک ۱۶

مثل ماهی زنده مثل سبزه زیبا مثل سمنو شیرین مثل سمبل خوشبو مثل سیب خوشرنگ و مثل سکه با ارزش باشید.

پیامک ۱۷

باز باران با ترانه می خورد بر بام خانه آمد آن روز بارانی گفت که آمد روز عید گفت هر لحظه تنها مانده در این شب رویایی گفت که شاید دل عید شده اسیر باز بهار آمد در این خانه ی تنهای ما همه گفتیم عید آمد بوی بهار آمد(ببخشید که کمی گیج شدیم منظور همان عید شما مبارک است)

پیامک ۱۸

چهارشنبه سوری نزدیکه.یه وقت نری از رو آتیش بپری.آخه تجربه ثابت کرده اگه جیگر بره رو آتیش کباب میشه.

پیامک ۱۹

نرم نرمک می رسد اینک بهار، خوش بحال روزگار، خوش بحال چشمه ها و دشت ها، خوش بحال دانه ها و سبزه ها، خوش بحال غنچه های نیمه باز

پیامک ۲۰

اگر چه یادمان می رود که عشق تنها دلیل زندگی است اما خدا را شکر که نوروز هر سال این فکر را به یادمان می اورد.پس نوروزت مبارک که سالت را سرشار از عشق کند

پیامک ۲۱

پیام نوروز این است.دوست داشته باشید و زندگی کنید.زمان همیشه از ان شما نیست.

پیامک ۲۲

۸۸ payamak sale باران عشق همیشه می بارد اما در نوروز قطره های باران طلایی رنگند.از خدا می خواهم که همیشه زیر این باران خیس شوی.

پیامک ۲۳

اگر در نوروز کسی برات اس ام اس خالی فرستاد ناراحت نشو بدون انقدر دوستت داره نمی دونه چی بگه.

پیامک ۲۴

شیشه می شکند و زندگی می گذرد.نوروز می اید تا به ما بگوید تنها محبت ماندنی است پس دوستت دارم چه شیشه باشم چه اسیر سرنوشت.

پیامک ۲۵

زندگی وزن نگاهی است که در خاطر ما می ماند.نوروز جشن نکوداشت نگاه تو ست پس نوروز بر تو فرخنده باد.

پیامک ۲۶

با تو از خاطره ها سرشارم.جشن نوروز تو را کم دارم.سال تحویل دلم می گیرد با تو تا اخر خط بیدارم.

پیامک ۲۷

از نوروز می اموزیم که هیچ وقت کسی را نا امید نکنیم شاید امید تنها دارایی اش باشد.نوروزتان مبارك باد

پیامک ۲۸

مهربان من درشکفتن جشن نوروز برایت در همه ی سال سر سبزی جاودان وشادی ،اندیشه ای پویا و ازادی و برخورداری از همه نعمتهای خدادادی ارزومندم.

پیامک ۲۹

جشن است که نوروز به پا خاسته است.شادی و سعادت جهان ان تو باد.از هر دو جهان فقط تو را می خواهم.

پیامک ۳۰

نوروز پاسداشت عشقهای کوچکی است که زنده مانده اند و روز تعظیم در برابر عشق های بزرگی که عظمت را کوچك می دانند.پس به تو در نوروز سلام می کنم که بزرگترین عشق این کوچکی.

پیامک ۳۱

نوروز ایین رفاقت را نگاهبانی می کند که باور کنیم قلبهامان جای حضور دوستانمان هستند.

پیامک ۳۲

در این نوروز باستانی خیال امدنت را به اغوش خسته می کشم .

پیامک ۳۳

آلبرت انیشتین، زکریای رازی، اسحاق نیوتن، پروفسور حسابی، من و سایر دانشمندان، سال خوشی را برای شما آرزومندیم

پیامک ۳۴

بهار یک نقطه دارد نقطه آغاز

بهار زندگیتان بی انتها باد

سال نو مبارک

پیامک ۳۵

دنیا را برایتان شاد شاد و شادی را برایتان دنیا دنیا آرزومندم .

نوروز مبارک

پیامک ۳۶

دستان پرنوازش بهار ، طبیعت خفته را از خواب بیدار می سازد، و زمین و درخت رازهای رنگارنگ و عطرآگین خویش را نثار نگاه ما می کنند. در سال جدید خورشیدی، سبزی ، شادی ، کامیابی، بهره وری، اثربخشی فعالیتها و بهروزیتان را از درگاه ایزد منان آرزومندم.

پیامک ۳۷

دوست ندارم مثله همه از خدا بخوام که توی زندگی هیچ غمی نباشه، چرا که شادیها در کنار غمهاست که معنا پیدا میکنه و زیبا میشه. تنها از خدا میخوام قدرتِ درکِ حضورش رو توی لحظه های زندگی به همه ی مخلوقاتش عطا کنه، که اون وقته که هیچ مشکلی توان شکستن ما رو نداره. سال نو با دیدِ نو به زندگی و فرصتی دوباره برای بهتر زیستن بر شما و خانواده تان خجسته باد.

پیامک ۳۸

بوی باران ; بوی سبزه ; بوی خاک

شاخه های شسته ; باران خورده ; پاک

آسمان آبی و ابر سفید , برگهای سبز بید

عطر نرگس , رقص باد نغمه شوق پرستوهای شاد

پیامک ۳۹

خلوت گرم کبوترهای مست

نرم نرمک می رسد اینک بهار

خوش به حال روزگار

پیامک ۴۰

با خوبی ها و بدی ها، هرآنچه که بود؛ برگی دیگر از دفتر روزگار ورق خورد، برگ دیگری از درخت زمان بر زمین افتاد، سالی دیگر گذشت روزهایت بهاری و بهارت جاودانه باد

پیامک ۴۱

بنگر به رستاخیز طبیعت که چه زیباست .

و هر سال رستاخیزی دیگر را تجربه می کنیم

و چه زیباتر رستاخیز انسان در این عصر آهن وتباهی

پیامک ۴۲

ای کاش هر روزمان نو روز باشد تا نو شویم خودمان ، اندیشه هایمان و عشقمان به همه زیبایی ها. سال نو مبارک

پیامک ۴۳

سال نو ، از آغوش مطهر خداوند فرا میرسد

وقلب من نیایش می کند:

خدایا! مرا متبرک کن

تا هر روز که در راه رسیدن به «تو» گام بر میدارم

پیامک ۴۴

براستی رسیدن این عید سعید باستانی همراه با روئیدن جوانه ها و درختان و نو شدن جسم ها و جانهای عاشقان را تبریک و تهنیت گوییم . دلهامان را نزدیک ، دستهامان را به همدیگر بدهیم و در سال جدید با یاری هم منظری زیبا و زندگی خاطره انگیز خلق کنیم .

پیامک ۴۵

برآمد باد صبح و بوی نوروز

به کام دوستان و بخت پیروز

مبارک بادت این سال وهمه سال

مبارک بادت این روز وهمه روز

پیامک ۴۶

ای خدای دگرگون کننده دلها و دیده ها

ای تدبیر کننده روز و شب

ای دگرگون کننده حالی به حالی دیگر

حال مارا به بهترین حال دگرگون کن

سال نو مبارک

پیامک ۴۷

نوروز مبارک

پیامک ۴۸

با آرزوی ۱۲ ماه شناخت صحیح ۵۲ هفته معرفت آسمانی ۳۶۵ روز صداقت ۸۷۶۰ ساعت مهربانی ۵۲۵۰۰ دقیقه توکل به خدا ۳۱۰۵۰۰ ثانیه غرق در لذت بخش ترین عشق هستی......

سال نو مبارک

پیامک ۴۹

مثل لحظه ای که باغ, در ترنم ترانه شکوفا میشود, غرق در شکوفه میشود

روزگارتان بهار

لحظه هایتان پر از شکوفه باد.

سال نو مبارک

پیامک ۵۰

باز کن پنجره را

که بهاران آمد

که شکفته گل سرخ

به گلستان آمد

سال نو مبارک

پیامک ۵۱

امیدواریم عید با بوسه هایش ، بهار با گلهایش و سال نو

با امیدهایش برتو ای عزیز ترین مبارک باشد.

پیامک ۵۲

و بر آمد بهاری دیگر

مست و زیبا و فریبا ، چون دوست

سبدی پیدا کن ،

پر کن از سوسن و سنبل که نکوست

همره باد بهاری بفرست :

پیک نوروزی و شادی بر دوست !

پیامک ۵۳

تبریک و تهنیت

نوروز و سال نو

همواره مستجاب

بادا دعای تو

پیامک ۵۴

لحظه ای که سال تحویل میشه ... تنها لحظه ایه که بی منت به من لبخند میزنی ... کاش هر ثانیه برای من سال تحویل باشه تا لبخند همیشه مهمون لبای سرخت بمونه... سال نو مبارک گلم

پیامک ۵۵

آسمان را می خواهم برای عبور . جاده باریک است ! ماه را می خواهم برای نور را تاریک است ! تو را می خواهم برای نظافت عید نوروز نزدیک است !

پیامک ۵۶

بهار،نیم بهار،ربع بهار، بهار را قسمت کردند؛بازارشان سکه شد! دوست عزیز سبز ترین و همیشگی ترین بهار ها را برایت آرزو مندم

پیامک ۵۷

نزدیک عیده، توی خونه تکونیه دلت، مارو بیرون نکنی!!!

پیامک ۵۸

می دونم اگه بگم سال نو مبارک حالت از شنیدن این جمله کلیشه ای بهم می خوره. پس سال نو مبارک!

پیامک ۵۹

باتبریک سال نو

عاقبت زمستان رفت و رو سیاهیش برای ما موند

.

..

...

حاجی فیرو

پیامک ۶۰

ساقیا آمدن عید مبارک بادت

وان مواعید که دادی مرواد از یادت

سال نو و نوروز باستانی مبارک

پیامک ۶۱

سایه حق

سلام عشق

سعادت روح

سلامت تن

سرمستی بهار

سکوت دعا

سرور جاودانه

این است هفت سین آریایی

نوروز مبارک

پیامک ۶۲

یک شاخه رز سفید تقدیم تو باد

رقصیدن شاخ بید تقدیم تو باد

تنها دل ساده ایست دارایی ما

آن هم شب عید تقدیم تو باد

پیامک ۶۳

به علت نبودن چرت و پرت از هم اکنون سال نو را به شما تبریک عرض مینماییم...

از طرف انجمن بیکاران اس ام اس باز ایران

پیامک ۶۴

خواستم برات سبزه عید بفرستم...

گفتم شاید طاقت نیاری و تا عید بخوریش...

پیامک ۶۵

یا صاحب الزمان

همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه بنشین کنار جویی

پیامک ۶۶

آیا می دانید

پیامک ۶۷

اس ام اس عید نوروز ۸۹ لحظه ای که سال تحویل میشه ... تنها لحظه ایه که بی منت به من لبخند میزنی ... کاش هر ثانیه برای من سال تحویل باشه تا لبخند همیشه مهمون لبای سرخت بمونه... سال نو مبارک گلم

پیامک ۶۸

نوروز یعنی هیچ زمستانی ماندنی نیست اگر چه کوتاهترین شبش یلدا باشد

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹